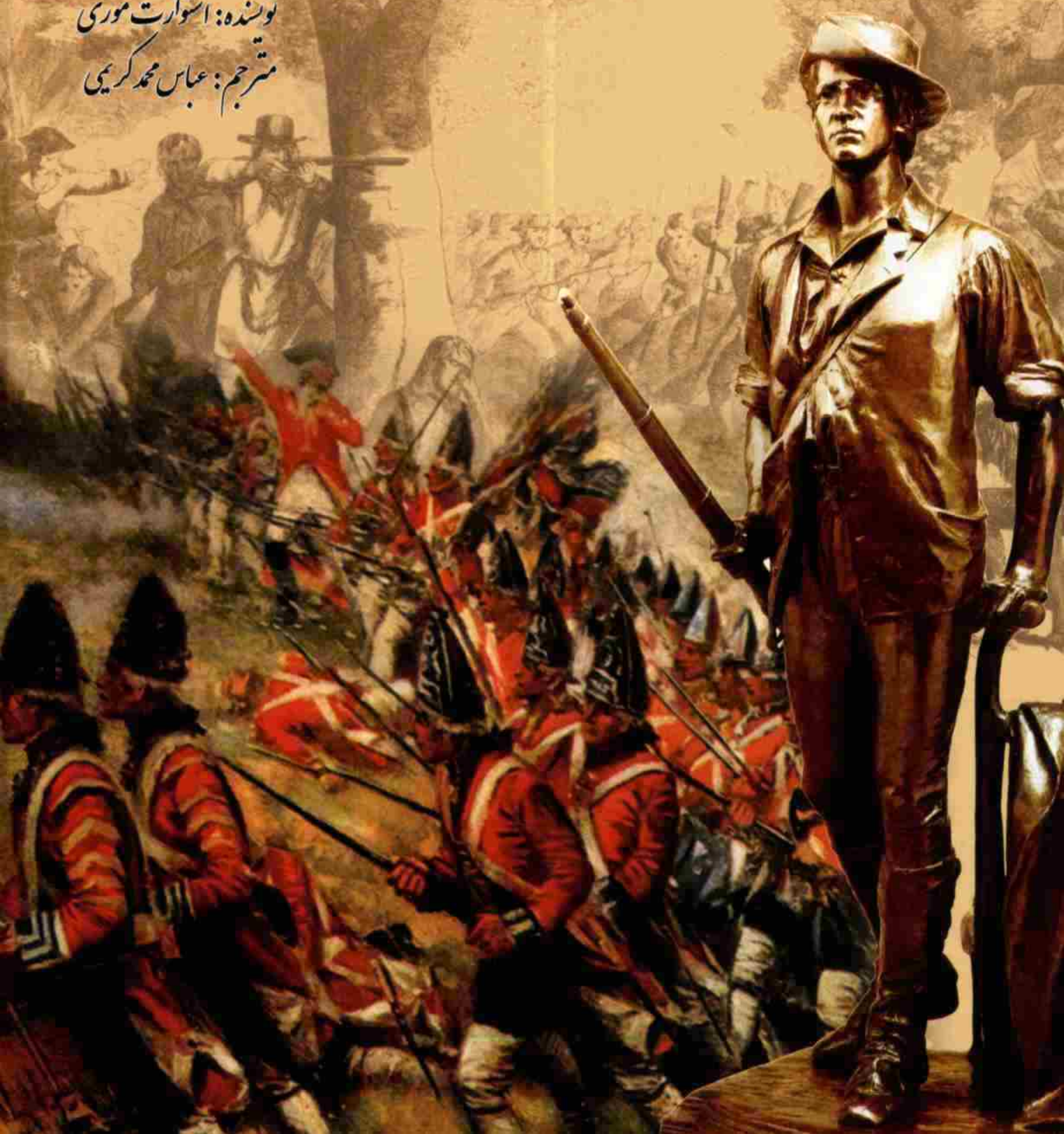
تصویر ابو عبد الرحمن الكردي

انقلاب آمریکا

نویسنده: استوارت موری
مترجم: عباس محمد کریمی



انقلاب آمریکا



نویسنده: استوارت موری

مترجم: عباس محمد کریمی

سرشناسه	: موری، استوارت، ۱۹۴۸- م Murray, Stuart
عنوان و نام پدیدآور	: انقلاب آمریکا / نویسنده استوارت موری، مترجم: عباس محمد کریمی
مشخصات ناشر	: تهران: سبزان، ۱۳۸۹.
مشخصات ظاهری	: ۱۲۰ ص. مصور
شابک	: ۶-۳۸-۰-۱۱۷-۶۰۰-۹۷۸
وضعیـت فهرست نویسی	: فیپا
یادداشت	: عنوان اصلی American Revolution, 2005
موضوع	: ایالات متحده-تاریخ-انقلاب، ۱۷۷۵-۱۷۸۳م- ادبیات نوجوانان
موضوع	: ایالات متحده-تاریخ-انقلاب، ۱۷۷۵-۱۷۸۳م
شناسه افزوده	: محمد کریمی، عباس ۱۳۶۶، مترجم
رده بندی کنگره	: ۱۳۸۹ ۸ الف ۹ م / ۲۰۸ E
رده بندی دیویی	: ۹۷۳/۳
شماره کتابشناسی ملی	: ۲۲۱۸۷۱۵



انتشارات سبزان

میدان فردوسی ـ خیابان فرصت ـ ساختمان ۵۴ تلفن: ۸۸۸۴۷۰۴۴-۸۸۳۱۹۵۵۸

انقلاب آمریکا

نویسنده: استوارت موری

مترجم: عباس محمد کریمی

ناشر: سبزان

حروف‌چینی، طراحی و لیتوگرافی: واحد فنی سبزان

۸۸۳۴۸۹۹۱ - ۸۸۳۱۹۵۵۷

نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۰

تیراژ: ۲۰۰۰ جلد

قیمت: ۳۸۰۰ تومان

چاپ و صحافی: معراج

فروش اینترنتی و online از طریق سایت‌آی‌آی کتاب www.iiketab.com

شابک: ۶-۳۸-۰-۱۱۷-۶۰۰-۹۷۸ ISBN: 978-600-117-038-6

فهرست

مقدمه

دانایی، توانایی است

یادگیری علم و مطالعهٔ تاریخ گذشتگان، در واقع استفاده از تجربیات همهٔ کسانی است که پیش از ما زندگی کرده و رنج و زحمتی را برای کسب تجربه، متحمل شده‌اند. ما با مطالعهٔ صحیح تاریخ و با استفادهٔ درست از علم در واقع با بهره گیری از تجربیات گذشتگان توانایی های خودمان را افزایش داده و دنیایی زیبا، آرام و دلنشین را برای خود و دیگران مهیا خواهیم ساخت.

انتشارات سبزان با آماده سازی و گردآوری مجموعه های متنوع در شاخه های مختلف علم و تاریخ ملل مختلف، سعی دارد از این طریق گامی هرچند کوچک، در جهت افزایش دانستنی ها و دانش نسل جوان بردارد و در حد وسع و توانایی خود بر معلومات آنها بیفزاید. جا دارد از کوشش نویسندگان و مترجمان گرانقدر که در آماده سازی این مجموعه ما را یاری کرده‌اند تشکر نموده و دست یاری به سوی همه کسانی دراز کنیم که می توانند در رشد و اعتلای این مجموعه به کمک ما بشتابند. بدون شک با گسترش حیطهٔ همکاران خود، سریع تر و بهتر به سر منزل مقصود خواهیم رسید.

زندگی در آمریکای انگلیسی

در سال ۱۷۶۳ بعد از اینکه جنگ بریتانیا با فرانسه پایان یافت، صلح و آرامش به سیزده مستعمرهٔ بریتانیا راه پیدا کرد. با شروع رشد اقتصادی این مستعمرات، تامین نیروی نظامی سلطنتی برای این مناطق لازم و ضروری بود. تا سال ۱۷۷۵ بیش از ۲,۷۰۰,۰۰۰ نفر در مستعمره‌ها زندگی می‌کردند. و شهر معروف فیلادلفیا با جمعیت ۳۰۰۰۰ نفری، رتبهٔ اول را در میان شهرهای امپراطوری بریتانیا به‌دست آورده بود. بنادر نیویورک، بوستون، چارلستون در حال پیشرفت بودند. بیشتر مردم در مزارع خود زندگی کرده و محصولات کشاورزی اصلی‌ترین محصول جهت صادرات به حساب می‌آمد. صنعت، بسیار محدود بود. بنابراین محصولاتی مانند منسوجات، انواع کلاه و اشیاء فلزی را از بریتانیا وارد می‌کردند. هر مستعمره، مجلس قانونگذار و سیاستمدار مخصوص به خود را داشت. که بیشتر این دولتمردان را پادشاه تعیین می‌کرد. بیشتر مستعمره‌ها برای بالا بردن سطح خرید و فروش محصولات و ارتقاء خدمات، پول رایجی برای خود چاپ کردند، ولی تا چندین سال، آنها به تنهایی کارهای مربوط خودشان را مدیریت می‌کردند. دولت بریتانیا در زمان صلح با فرانسه، با وجود مالکیت بر کانادا، تصمیم گرفت مستعمره‌های آمریکایی را تحت نظارت شدید خود گسترش دهد.



مستعمره‌های سیزده‌گانه ◄
این مستعمرات از جمله مستعمره‌های آمریکایی بودند که بر علیه قوانین انگلیسی در نوار ساحلی آتلانتیک سر بلند کردند. در نقشه، سرزمین‌هایی که اروپایی‌ها و افریقایی‌ها در سال‌های ۱۶۶۰، ۱۷۰۰ و ۱۷۶۰ برای زندگی به آنجا رفته بودند، نشان داده شده است.

مستعمره‌های انگلیس جدید

زندگی در چهار مستعمرهٔ شمال شرقی، یعنی ماساچوست، کنتاکی، رود آیلند و نیوهمپشایر بر کشاورزی، دریانوردی، ماهیگیری و کشتی‌سازی استوار بود. بوستون، بندر اصلی تلقی می‌شد که در کنار آن بندرهای نیوپورت و رودآیلند نیز در حال گسترش بودند. سرزمینی به نام « مِین» خالی از سکنه بود و از نظر درخت و پوشش گیاهی، منبع مناسبی به حساب می‌آمد. از درختان برای ساخت دکل کشتی استفاده می‌کردند. در انگلیس جدید، کارگران زیادی کار می‌کردند و در کنار افراد متخصص مانند هنرمندان حرفه‌ای، گروه نجارها، نقاش ها، خیاط ها، کفاش ها، طلاساز ها و کلاه‌گیس‌ساز ها، مشغول فعالیت بودند. برده داری در این جوامع به طور گسترده مرسوم نبود.

دست نوشته‌های یک کاپیتان ◄

ملوانان و کشتی‌های نیوانگلند در سراسر دنیا شناخته شده بودند. کاپیتان اشلی بوون از ماربل هید ایالت ماساچوست، وقایع مسافرت‌های خود را ثبت و در دفترچهٔ یادداشت خود تصاویری از کشتی‌ها رسم می‌کرد.



در خانه ▲

خانواده‌های مستعمره نشین ها در مالدن ماساچوست، برای صرف غذا و دعا کردن در آشپزخانه دور هم جمع می‌شدند و یا اینکه شب هنگام در کنار آتش به انجام کارهای دستی، رفوی لباس، ریسیدن نخ و تعمیر ابزار و اشیاء چرمی می پرداختند.



لباس آزادی ◄

مردان جوان اغلب در خدمت یک بازرگان، هفت سال شاگردی می‌کردند و بالاخره، به آنها «لباس آزادی» اعطا می‌شد. تصویر، نشان دهندهٔ لباس آزادی منطقهٔ رود آیلند می‌باشد.

مستعمره های واقع در میانهٔ کشور ▼

فیلادلفیا و نیویورک دو شهر مهم در ایالت‌های نیویورک، نیوجرسی، پنسیلوانیا و دلاور بودند. بیشتر مردم از راه کشاورزی محدود، امرار معاش می کردند. فیلادلفیا یکی از بزرگ‌ترین شهرهای امپراطوری بریتانیا محسوب می‌شد که در تجارت و بازرگانی از رونق چشمگیری برخوردار بود. موسیقی و هنر در میان مستعمره نشین های فیلادلفیا موج می‌زد. نیویورک با بندر زیبای خود، یکی از شلوغ‌ترین بنادر امپراطوری به حساب می‌آمد و مرکز تجارت مردم بود.



اسکناس ۱۸ پنسی نیوجرسی که در سال ۱۷۷۶ پول رایج بود



◀ خانهٔ دولت

دولت مستعمرهٔ پنسیلوانیا در خانهٔ دولت واقع در فیلادلفیا تشکیل جلسه می‌داد. این مکان که در بین سال های ۱۷۳۲ تا ۱۷۴۱ ساخته شده بود، یکی از مدرن ترین ساختمان های آمریکا به حساب می‌آمد.



مزرعهٔ فرقهٔ کواکر ◀

این مزرعهٔ پر رونق قرن ۱۸ پنسیلوانیا، نمایی از تابستان شلوغ این منطقه را نشان می‌دهد که کارگران در مزارع مشغول شخم زدن زمین و انجام امور مربوط به احشام هستند. در سال ۱۷۷۵ بیشتر مستعمره نشین ها در مزارع بزرگ و کوچک خود زندگی می کردند.

مستعمرات جنوبی

بیشتر سفیدپوستان مریلند، ویرجینیا، کارولینای شمالی و جنوبی و جورجیا در مزارع خانوادگی زندگی می‌کردند. پوشش گیاهی بسیار زیاد این مناطق، جنبه‌های اجتماعی و اقتصادی را تحت تأثیر خود قرار می‌داد. برای تولید محصولات به خصوص تنباکو، انبه و برنج، عرضهٔ آنها به بازار و انجام امور مربوط به مزرعه، کارگران زیادی به کار گرفته می‌شدند. ویرجینا به تنهایی دارای ۲۰۰۰۰۰ بردهٔ آفریقایی- آمریکایی و آفریقایی الاصل بود که تقریباً نیمی از جمعیت کارگر را تشکیل می‌دادند. دو شهر مهم دیگر در جنوب، چارلستون و بالتیمور بودند.



پایتخت ویرجینیا ◄

ویرجینیا از نظر سیاسی نمی‌توانست با فیلادلفیا رقابت چشمگیری کند، ولی ساختمان با شکوه دولت، در پایتخت ویرجینیا در شهر ویلیامز قرار داشت.



میزان اندازه‌گیری برنج

داس

◄ داس مخصوص برداشت برنج و نحوهٔ اندازه‌گیری آن

در کارولینا، کاشت برنج باعث رونق کار طبقهٔ کشاورز شده بود. بردگان جهت جدا کردن سبوس، از چنگک‌های مخصوص با دسته‌های کوتاه استفاده می‌کردند. پس از جدا کردن برنج از سبوس، وزن آن با ترازوهای مخصوص، اندازه‌گیری می‌شد.



محل زندگی برده‌ها ◄

خانواده‌های این برده‌ها در مزارع بزرگ شهرهای جنوبی و در کلبه‌های کوچک زندگی می‌کردند. آنها اغلب در انبارهای بزرگ دور هم جمع می‌شدند. ازدحام جمعیت به قدری بود که مجبور بودند غذا را معمولاً بر روی آتش بیرون از محل زندگی آماده کنند.

جنگ در دنیای جدید

همزمان با فرانسه و انگلیس، مستعمره های آنها در آمریکا نیز مشغول جنگ بودند. جنگ بزرگ هفت ساله‌ای که از سال ۱۷۵۴ تا ۱۷۶۳ طول کشید، نزاعی جهانی بر روی خشکی و در دریا بین دو امپراطوری بزرگ بود. این جنگ در آمریکا به جنگ فرانسوی ها و بومیان آمریکا معروف شد. تعداد فرانسوی‌ها و متحدان بومی آنها از نیروهای مستعمره‌نشین انگلیس و سربازان لباس قرمز بریتانیای ابر قدرت بیشتر بود. در سال‌های گذشته، تعداد نیروهای نظامی در لشکرکشی آمریکایی‌ها بسیار اندک بود. در حالی‌که اکنون قوای نظامی آنها به چندین هزار نفر می‌رسید. نسل جدید آمریکایی‌ها، از جمله جورج واشنگتن از ویرجینیا، تجارب نظامی ارزشمندی در این جنگ پیدا کرده بودند. در ابتدا فرانسوی ها با شکست ادوارد برک در سال ۱۷۵۵در چند جنگ به پیروزی رسیدند، ولی پایگاه های فرانسوی ها یکی پس از دیگر فرو ریخت و قلعهٔ نظامی کبک به مالکیت بریتانیا در آمد. در هنگام صلح، هنوز شورش هایی از قبایل سرخپوست، مانند شورش نپتیاک شکل می گرفت. در حالی‌که مستعمره های آمریکایی بر خلاف گذشته، قوی و در حال پیشرفت بودند.

کلنل جورج واشنگتن در سال ۱۷۷۲



واشنگتن جوان ▲

کلنل جورج واشنگتن جنگجویی غیرنظامی بود که رهبری نیروهای نظامی ویرجینیا را به عهده داشت. در هنگام عبور از تپه‌ها و جنگل‌های غرب پنسیلوانیا و درهٔ اوهایو، واشنگتن بایستی گزارشات متعددی برای مرکز فرماندهی ارسال می‌کرد. با وجود اینکه او ۲۶ سال بیشتر نداشت، لشکر بریتانیا را رهبری می کرد. و تنها افسر آمریکایی بود که در طول جنگ به این مقام رسید.



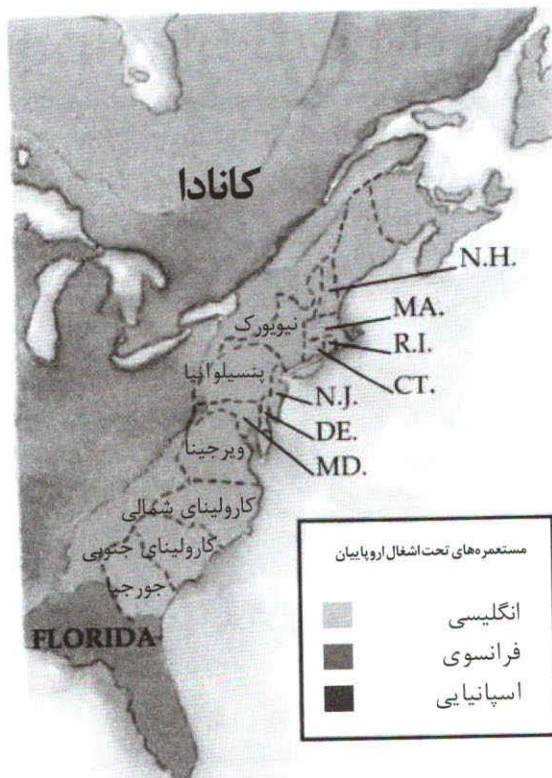
نظریه‌پرداز بزرگ ▲

ویلیام پیت اول، یکی از کنت های چاتم در طول نبرد ۷ ساله، نخست وزیر بریتانیا بود و استراتژی حمله و فتح قسمت فرانسوی کانادا را برنامه ریزی کرد.



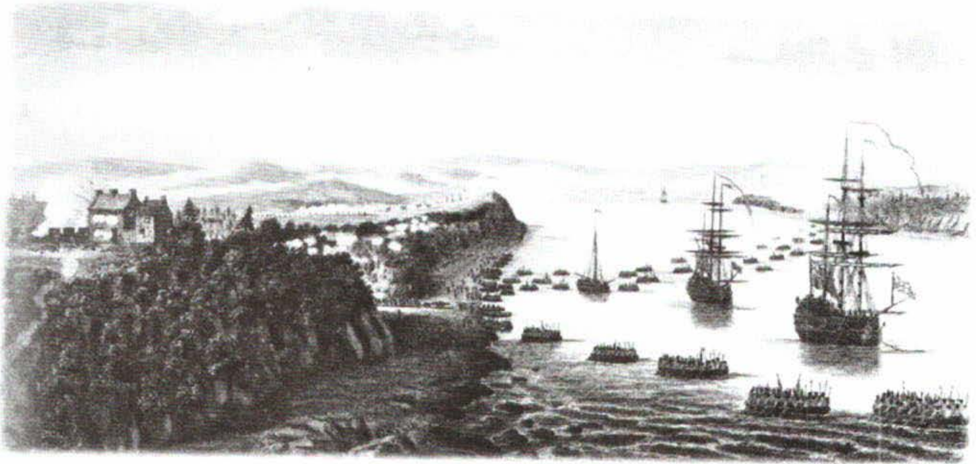
کشتار در جادهٔ برادک ▲

سرلشکری خودخواه از لشکر بریتانیا به نام ادوارد برادوک، که چیزی از جنگ و پیامد های آن نمی‌دانست، فرماندهی ارتش ۱۴۰۰ نفری لباس قرمزها و مستعمره‌نشین ها را بر عهده داشت که بر علیه فرانسوی ها و سرخپوستان مدافع قلعه دوکوئنس، در سال ۱۷۵۵ می‌جنگیدند. ارتش برادوک کمین زده بود و تقریباً همگی آنها به جز جرج واشنگتن جوان که همراه با بازماندگان جنگ عقب نشینی کرد، بقیه نابود شدند. ۱۰۰۰ نفر از تلفات نیروهای ارتش بریتانیا و مستعمره‌نشین ها که برادوک نیز جزو آنان بود، در جاده‌ای که به نام خود او نامگذاری شد، دفن گردیدند.



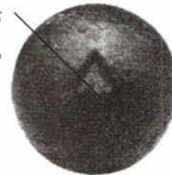
امپراطوری آمریکایی بریتانیا ◄

پیروزی بریتانیا در جنگ با فرانسه و سرخپوستان، قدرت و سیطره فرانسه را در آمریکا در هم شکست و زمین های شمال شرق آمریکا را تحت امپراطوری در حال گسترش جرج سوم در آورد و به گسترش مستعمره‌ها به طرف غرب منجر شد.



سقوط کبک ▲

آخرین سنگر ارتش فرانسه در کانادا، شهر کبک بود که بالاتر از سطح رودخانهٔ سنت لارنس قرار گرفته و به نظر نمی‌رسید کسی بتواند از راه دریا به این نقطه حمله کند. در ماه سپتامبر ۱۷۵۹، لشکر بریتانیا تحت فرماندهی ژنرال جیمز وولف به ساحل کبک حمله‌ور شدند. آنها بعد از بالا رفتن از صخره‌ها، از راهی که امکان دفاع نداشت، توانستند ارتش فرانسه را به فرماندهی ماکوس دو مونتکالم، شکست دهند. هر دو فرمانده در این نبرد جان خود را از دست دادند.



تیر سلطنتی، و گلولهٔ توپ جزو دارایی سلطنتی به شمار می‌روند



گلولهٔ توپ فرانسوی با نشان گل

خاطرات به یاد ماندنی ◄

صدها گلولهٔ توپ فرانسوی و بریتانیایی در صحنهٔ نبرد جنگ سرخپوستان و فرانسوی‌ها به وفور به چشم می‌خورد. گلوله‌ها در قلعهٔ تیکندروگا، از استحکامات ساخته شدهٔ فرانسوی‌ها بر روی دریاچهٔ چمپلین به دست آمده بود و در سال ۱۷۵۹ تسلیم ارتش بریتانیا گردید.

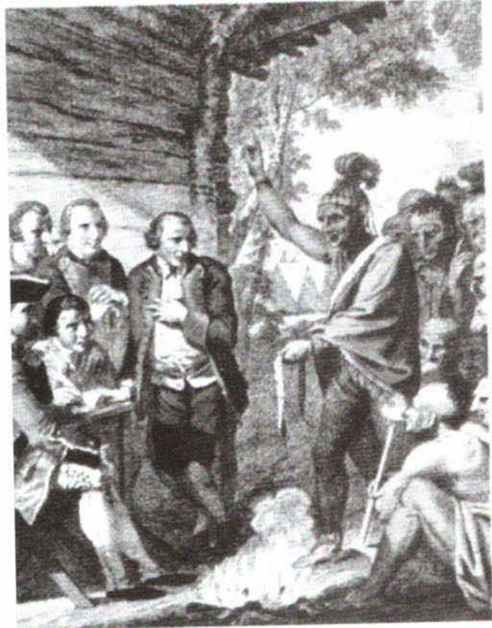


لباس افسری ◄

لباس ارتش بریتانیا را سرهنگ جان داگورش به تن دارد. او افسری در هنگ ۴۴ پیاده نظام بود که در جنگ‌های صورت گرفته با فرانسوی ها و سرخپوست ها شرکت داشت.

شورش پُنتیاک

بعضی از اقوام بومی و فرانسوی‌های مغلوب در جنگ، از قوانین بریتانیا تبعیت نمی‌کردند. بعضی از این اقوام به سرکردگی رئیس خود اتاوا پُنتیاک به پادگان‌های بریتانیا در ماه مه ۱۷۶۳ حمله کردند و قلعهٔ دیترویت را به محاصره در آوردند. جنگ جویان بومی همچنین، در جبهه‌های دیگر مشغول جنگ بودند. آنها خانه های ساکنین را می‌سوزاندند و باعث آوارگی‌شان می‌شدند. نیروهای بریتانیا و مستعمره‌نشین‌ها به سرعت حمله کرده و بعد از جنگی سخت، دولت‌ها را در سال ۱۷۶۶ وادار به پذیرفتن صلح کردند.



◀ بازگشت زندانی‌ها

در شورش پُنتیاک، جنگجویان، ناخواسته بر علیه نیروهای ارتش بریتانیا که پایگاه‌های مرزی را از دست فرانسوی‌ها خارج کرده بودند، شوریدند. این پایگاه‌ها به پیر شمال غرب معروف بودند. قبل از پایان شورش، گروه‌های شرکت کننده در جنگ، بسیاری از ساکنین را به اسارت گرفته بودند. فرماندهٔ فاتح ارتش بریتانیا، کلنل هنری بوکه، با سران طوایف شانی و دِلاور جهت استرداد اسرای جنگ ملاقات کرد.



قلمدان و جعبهٔ مخصوص نوشتن افسران که در عملیات نظامی مورد استفاده قرار می‌گرفت



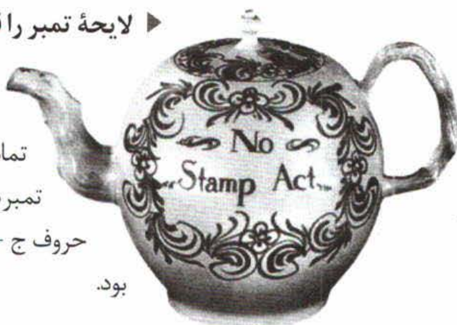
تبرزین پایپ، در میدان نبرد به کار می رفت

وضع مالیات بدون حضور نماینده

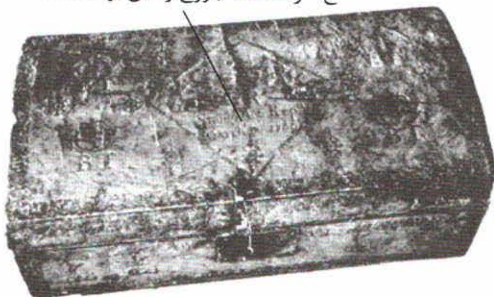
در دهۀ ۱۷۶۰، پارلمان بریتانیا مالیات جدیدی برای مستعمرات وضع کرد که از آن جمله می‌توان به لایحۀ شکر در سال ۱۷۶۴، لایحۀ تمبر در ۱۷۶۵ و لوایح تاون شِند در سال ۱۷۶۷ اشاره کرد. همچنین مالیات و عوارضی بر روی کالاهای وارداتی از قبیل شکر، چای و مستندات چاپی و نشر قرار داده شد. بسیاری از آمریکایی‌ها با این مالیات‌ها مخالفت و ادعا کردند که تنها قوانین مقننه مستعمره‌هایشان حق وضع مالیات را خواهد داشت. از آنجایی‌که مستعمره‌ها نماینده‌ای در پارلمان نداشتند، این لوایح غیرقانونی بوده و وضع مالیات بدون حضور نمایندگان انجام شده بود. مستعمره‌نشین‌های عصبانی با وارد شدن کالاهای بریتانیایی تا لغو لوایح مخالفت کردند. ماموران دولت شدیداً با جمع‌آوری مالیات برخورد می‌کردند. در سال ۱۷۶۸، ۴۰۰۰ سرباز انگلیسی بوستون را اشغال کردند، تا شهر را به واسطۀ مقاومت، مجازات کنند. درگیری و نزاع میان اهالی بوستون و سربازان در گرفت. شدیدترین برخورد «قتل عام بوستون» در سال ۱۷۷۰ رخ داد که در طی آن سربازان انگلیسی بر روی مردم آتش گشودند. سه سال بعد، رهبر مخالفان پارلمان، ساموئل آدامز، گروهی را اجیر کرد تا وارد کشتی‌های بازرگانی شوند و محموله‌های چای را درون بندر بوستون بریزند.

◄ لایحۀ تمبر را قبول نداریم

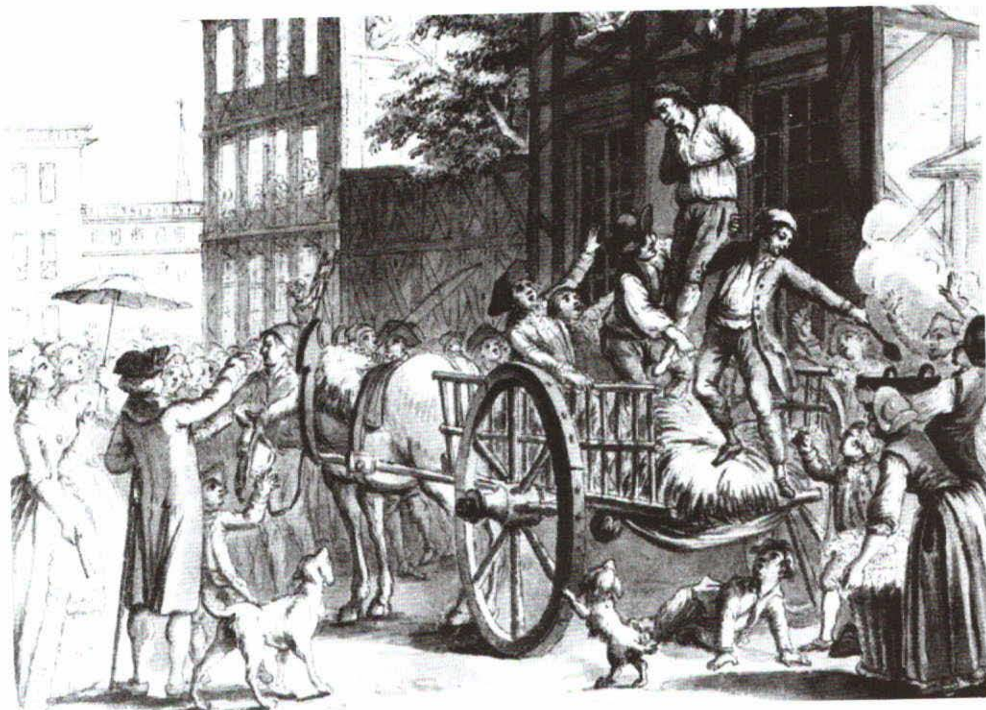
از نوشتۀ روی قوری خانواده‌ای از اهالی ویرجینیا، مشخص است که آنها لایحۀ تمبر را قبول ندارند، تا به واسطه آن بر تمام اسناد قانونی و موارد چاپ شده، مالیات وضع شود. این تمبرها در این جعبۀ چرمی نگهداری می‌شدند و بر روی آن حروف ج - ر حک می‌شد که به معنای جورج رکس یا پادشاه جورج بود.



قوری ویلیامزبرگ ۱۷۷۶

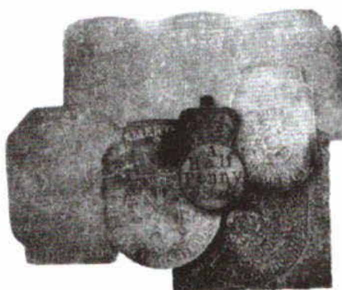

ج - ر مخفف جورج رکس بوده است

جعبه مخصوص جمع‌آوری مالیات



قیر اندود شده و پوشیده شده با پر ▲

در بوستون، فرقه‌ای تندرو، به مسئول جمع‌آوری مالیات، حمله‌ور شدند و او را با قیر داغ و چسبناک و سپس پر پوشاندند.



استمپ‌های مالیاتی



ساموئل آدامز ▲

او فردی تندرو از ماساچوست و از نمایندگان مخالف سرسخت مجلس در مورد مالیات بر مستعمره ها بود. وی از اولین کسانی بود که آزادی کامل از بریتانیا را خواستار شد.

قتل عام بوستون

درگیری میان شهروندان بوستون و سربازان انگلیسی در سال ۱۷۷۰ بسیار شدید شد. در آغاز، معترضان به آزار و اذیت سربازان آماده باش پرداختند، بعضی از سربازان عصبانی به سوی مردم شلیک کرده و ۵ نفر را کشتند. سربازها به دادگاه کشیده شدند، ولی جان آدامز در مقام وکیل مدافع از آنها حفاظت کرد. او توانست بیشتر سربازان را تبرئه کند. برای باقیمانده افراد نیز فقط مجازات جزیی بریده شد.



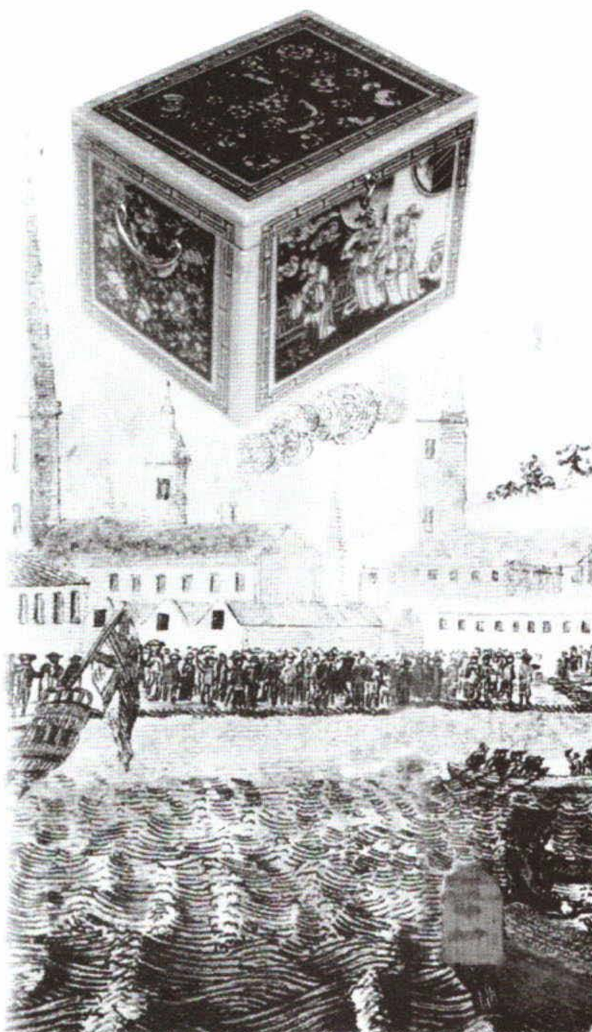
تابوت برای قربانیان ◄

دراین دوره، به علت قتل عام بوستون اندوهی شدید بر مردم حاکم است. بر روی هر تابوت، حرف اول اسم قربانیان حک شده است. C.J.A حروف اول اسم شخصی به نام کریسپوس اَتاکس، اولین آفریقایی آمریکایی کشته شده در انقلاب بود.



تبلیغات اعتراضی ◀

این تصویر را پُل رِوِرِه چاپ کرده که نشان دهندهٔ شلیک نیروهای نظامی به مردم در قتل عام بوستون است. در حالی‌که تصاویر نشان داده شده صحت نداشت.



▶ جعبهٔ چای

چای که در شرق دور کشت می‌شد، درون جعبه‌هایی محکم به وسیلهٔ کشتی نقل و انتقال پیدا می‌کرد. این روند تا تحریم چای از جانب مستعمره نشینان، برای اعتراض به عوارض اعمال شده بر کالاهای وارداتی از بریتانیا، ادامه داشت. این جعبه‌ها، کپی کوچکی از جعبه‌های چای هند شرقی است که گفته می‌شود در بندر بوستون به دریا ریخته شد.

▶ حزب چای بوستون

حزب چای، زمانی اتفاق افتاد که در ۱۶ دسامبر ۱۷۷۳، بومی‌های منطقه با لباس‌های مبدل، خود را آمریکایی معرفی و به چندین کشتی حامل چای وارداتی حمله کردند و ۳۴۲ بسته چای را درون بندر بوستون ریختند.

رهبران مخالف انقلاب

جورج سوم، پادشاه انگلستان، می‌خواست که آمریکای شورش زده، دوباره و برای همیشه آرام گردد. با پشتیبانی پادشاه، نخست وزیر، لرد نورث، نیروهای ارتشی دولت را برای تحت کنترل در آوردن مستعمره‌نشین‌ها رهبری کرد. بعضی سیاستمداران و ژنرال‌های انگلیسی، مانند یکی از اعضای پارلمان، به نام ادموند برک اعتقاد داشت که حمله نظامی، حادثه‌ای ناگوار برای امپراطوری به دنبال خواهد داشت. یکی دیگر از انگلیسی‌هایی که اعتقاد به جلوگیری از یک جنگ تمام عیار داشت، سِر ویلیام هاو بود. ژنرال هاو مدت ۲۰ سال در آمریکا زندگی کرد. شخص نظامی دیگری که رهبری گروه های مستعمراتی را به عهده داشت، جورج واشنگتن از ویرجینیا بود که به فرماندهی کل ارتش کنگره انتخاب گردید. وطن پرستان انگلیس جدید، جان آدامز و جان هنکاک از اولین نمایندگانی بودند که به کنگره کانتیننتال راه یافتند. آدامز یک تئوری پرداز سیاسی به شمار می رفت در حالی‌که هنکاک یک بازرگان ثروتمند بود که به ریاست کنگره انتخاب شد. جان جِی از اهالی نیویورک که در حقوق سررشته داشت، نیز به ریاست کنگره انتخاب گردید و به همراه آدامز، به فرانسه سفر کرد تا مناسبات خارجه آمریکا را هدایت کنند.



لرد فردریک نورث

نورث در مقام نخست وزیری، سیاستمدارانی را رهبری می‌کرد که خواستار وضع مالیات بر مستعمره‌ها بودند. نورث خود را به پادشاه جورج نزدیک کرده بود و مخالفت خود را با اشخاصی مانند ادموند برک که با سیاست‌های بریتانیا در مستعمره‌ها مخالف بودند، اعلام می‌نمود.



سِر ویلیام هاو

وی تمام عمر، لباس نظامی به تن داشت و مراحل نظامی‌گری را در آمریکا گذرانده بود. ژنرال هاو اگرچه سربازی وظیفه شناس و فرمانده لشکر بریتانیا در آمریکای شمالی در سال ۱۷۷۵ بود، ولی با سیاست‌های بریتانیا در مورد مستعمره‌ها موافق نبود.

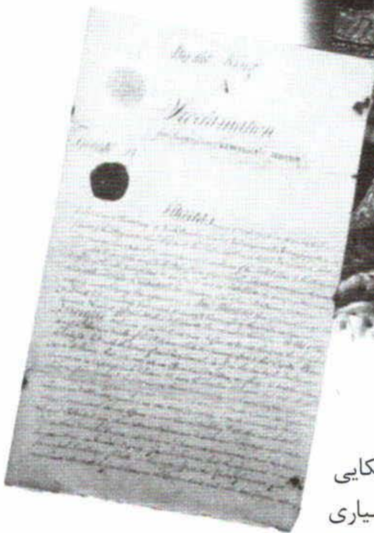


نشان سلطنتی بریتانیا، در بردارندهٔ شیر و اسب تک شاخ می باشد که نماد انگلیس، اسکاتلند، ولز و ایرلند است



◀ پادشاه بریتانیا

در سال ۱۷۶۰، جورج سوم در ۲۲ سالگی، با شکوه بسیار به پادشاهی رسید. در ابتدا آفریقایی‌ها نسبت به قوانین بریتانیا دادخواستی تهیه کردند که به وضعیت مستعمره ها سامان بخشد، ولی پادشاه نپذیرفت. جورج بر تابعیت کامل مستعمره ها از انگلستان تاکید داشت.

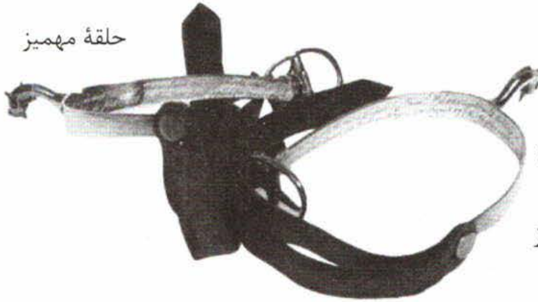


اعلان شورش ◀

در سال ۱۷۷۵، پادشاه جورج، شورش مستعمره‌نشین‌های آمریکایی را طی اعلانی رسمی به اطلاع عموم رساند. به گفتهٔ پادشاه، بسیاری از کسانی که در مستعمره های بریتانیا زندگی می‌کنند، تابعیت خود را فراموش کرده‌اند و بایستی مدیون قدرتی باشند که از آنها حمایت و پشتیبانی می‌کند.

رهبر نیروهای آمریکایی در مقام فرماندهی

دومین کنگرهٔ کانتیننتال، جورج واشنگتن را به خاطر تجارب ارزشمند نظامی به فرماندهی کل قوا تعیین کرد. واشنگتن همواره به تبعیت از کنگره سوگند یاد می‌کرد، زیرا او معتقد بود در نظام جمهوری، نیروی نظامی نباید، زمام امور را به عهده بگیرد. واشنگتن، درگیر شدن مستقیم با سیاست را نپذیرفت، زیرا خود را همواره یک سرباز می‌دید.



مهمیزهای واشنگتن ◄

در زمستان سال ۱۷۷۸-۱۷۷۷ ارتش گرسنهٔ ژنرال جورج واشنگتن در فورج والی در پنسیلوانیا، محتاج لباس و آذوقه بودند. او مهمیزهای اسب خود را که ۳۰۰ مایل تا بوستون با آنها تاخته بود، به یکی از افسران داد تا آذوقه تهیه کند.



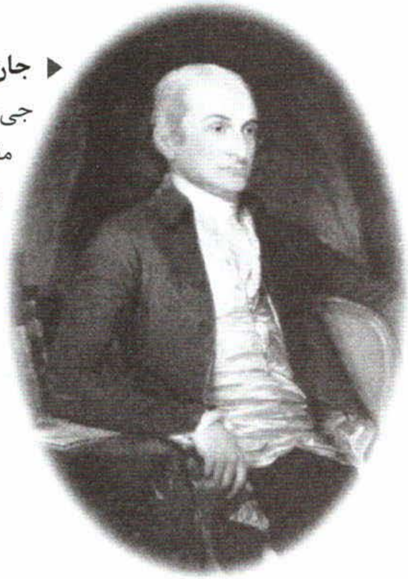
► در خانه، در ویرجینیا

واشنگتن با دارا بودن بدنی تنومند و قوی، در سوارکاری تبحر فراوانی داشت. این ویژگی‌ها به انضمام درایت و شجاعت، او را قادر ساخته بود تا به مدت ۸ سال در مقام سر فرماندهی خدمت کند. در این تصویر، او در مزرعه مورد علاقهٔ خود، ماونت ورنون، در ویرجینیا نشان داده شده است. واشنگتن خانه را در ابتدای انقلاب ترک کرد و بعد از ۶ سال به خانهٔ بازگشت.



اولین امضا کننده ◄

جان هنکاک، وطن‌پرست بوستونی، از کسانی بود که کالای قاچاق وارد و از پرداخت عوارض گمرکی مصوبهٔ مجلس خودداری می‌کرد. تلاش‌های زیاد دولت بریتانیا برای دستگیری هنکاک نتیجه‌ای نداد. با وجود این، هنکاک به ریاست اولین و دومین کنگرهٔ کانتیننتال برگزیده شد. او اولین کسی بود که بیانیهٔ آزادی را امضا کرد.



جان جِی

جی، وکیل مدافعی باهوش از نیویورک و عضو هیئت ژوری بود. او در مقام نماینده در کنگره کانتیننتال آغاز به کار کرد و پس از مدتی به دیپلماتی تراز اول تبدیل شد. با توجه به احاطهٔ قابل توجه‌اش به مسائل حقوقی بین سال‌های ۷۹، ۱۷۷۸ به ریاست کنگره انتخاب گردید. وی بعد از آن، به گروه صلح آمریکا در پاریس پیوست.



یک نابغهٔ سیاسی

جان آدامز حقوق‌دانی مشهور از ماساچوست، از اولین کسانی بود که با سیاست بریتانیا در مستعمره‌ها مخالفت کرد. او در سمت سرگروه آمریکا در کنگرهٔ کانتیننتال، واشنگتن را نامزد مقام سرفرماندهی کرد. آدامز، بعد از کمک کردن در نوشتن پیش‌نویس بیانیهٔ آزادی، نمایندگی ایالات متحده در فرانسه را به عهده گرفت.



یک انگلیسی طرفدار آمریکا

ادموند برک از مجلس خواست تا با مستعمره‌نشین‌های آمریکا به مذاکره بنشیند و آغازگر جنگ نباشد، ولی این کار سودی به دنبال نداشت. او برای احقاق حق دیگر مستعمره های آمریکا از جمله هند نیز تلاش می‌کرد. و سعی داشت تا از شدت ظلم و ستم دولت بریتانیا بر ایرلند که سرزمین مادری او بود، بکاهد.



نشان دولت پنسیلوانیا

ایالت‌های تازه استقلال یافته، بایستی برای خود نشان دولتی تعیین می‌کردند. نشان پنسیلوانیا یک کشتی، ماشین شخم زنی، دسته‌های گندم به همراه یک عقاب و دو اسب سفید بود.

نارضایتی به شورش تبدیل شد

به منظور انتقام از ماساچوست در مورد مسئلهٔ حزب چای بوستون، مجلس در سال ۱۷۷۴ به تصویب آیین نامه‌های شدیدی بر علیه مستعمره‌ها رأی مثبت داد. یکی از این آیین‌نامه‌ها، لوایحی تحمل نکردنی بود که به واسطهٔ آن، مستعمره‌ها مجبور به انجام کارهایی می‌شدند که موجبات آزار و اذیت آنها را فراهم می‌آورد. این لوایح، باعث بسته شدن بندر بوستون شد، تا اینکه حزب چای در مقام تلافی برآمد و با استفاده از حقوق محدود ماساچوست، به ادارهٔ امور خود پرداخت. کشاورزان، هنرمندان و بازرگانان مستعمره‌های دیگر به ارسال کمک‌های مادی و آذوقه به بوستون اقدام کردند و کنگرهٔ کانتیننتال در فیلادلفیا تشکیل گردید. اولین کنگرهٔ کانتیننتال، مستعمره‌ها را با یکدیگر متحد کرد و مستعمرات بر آن شدند تا از خرید اجناس انگلیسی خودداری کنند. تا اینکه پارلمان مجبور به لغو لوایح تحمل نکردنی شود. مردان، زنان و کودکان آمریکایی در خانه‌هایشان جمع شدند تا کالاهای مورد نیاز خود را خودشان تأمین و جایگزین واردات انگلیسی کنند. و اعلام گردید در صورت عدم تغییر سیاست‌های بریتانیا، دومین کنگرهٔ کانتیننتال در ۱۷۷۵ برپا خواهد شد. در همین زمان، بنجامین فراکلین از لندن به فیلادلفیا بازگشت. او معتقد بود که مستعمره‌ها بایستی قوای نظامی خود را جهت مقابله متحد سازند.



▶ **پاتریک هنری**

قانونگذاری رادیکال از اهالی ویرجینیا. که معتقد بود پادشاه جورج هیچ گونه حقی برای زمامداری آمریکا ندارد. بعد از اینکه اعلام آمادگی برای جنگ به مستعمره داده شد، هنری گفت: مرا آزاد کنید و یا مرگ گواراتر است.



ظرف یا جعبه انفیه

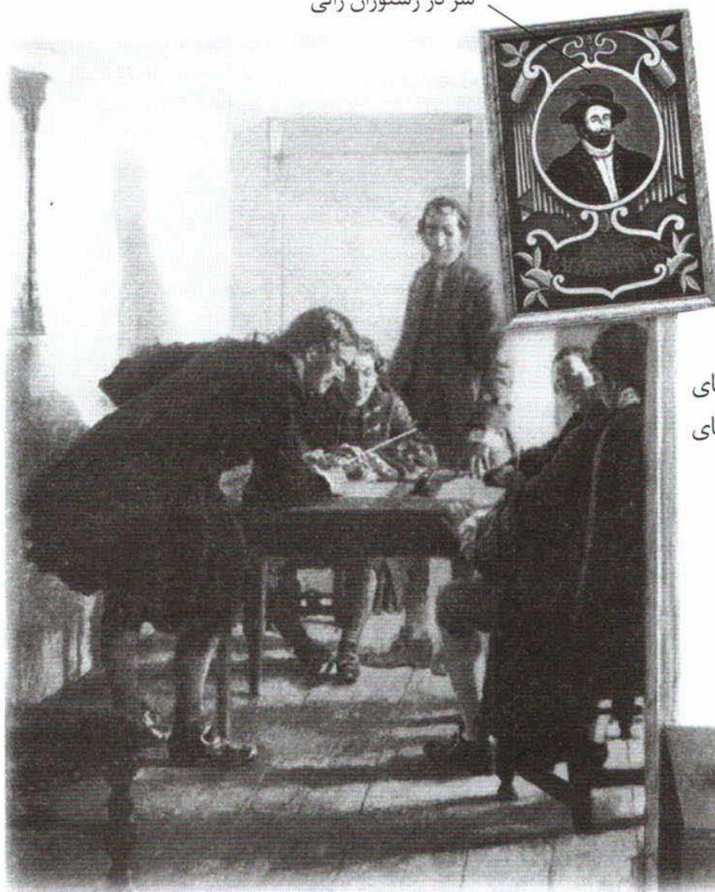


فتیله‌های تفنگ



فشنگ های کاغذی جهت نگهداری گلوله و باروت

سر در رستوران رالی

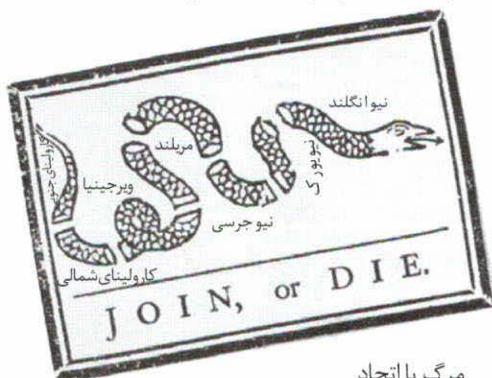


ظروف مفرغی رستوران ▼
بسیاری از اجناس مورد استفاده در رستوران‌های مستعمره‌نشین‌ها از لیوان‌های نوشیدنی تا بشقاب‌ها و جعبه‌های کوچک از مفرغ ساخته شده بود

لیوان نوشیدنی مفرغی



رستوران رالی ▲
در سال ۱۷۷۴، قانونگذاران ویرجینیا ترتیبی اتخاذ کردند تا بر علیه لوایح اجباری رأی‌گیری کنند، ولی حاکم سلطنتی به آنها اجازه تشکیل جلسه در رستوران ویلیامزبورگ را نداد. آنها به رستوران رالی رفتند که به نام جهانگرد انگلیسی سِر ویلیام رالی نامگذاری شده بود. در پایان، توافق کردند که اجناس انگلیسی را تحریم و مستعمره‌نشین‌ها را مسلح کنند و نمایندگان را به اولین کنگرهٔ کانتیننتال در فیلادلفیا بفرستند.



مرگ یا اتحاد

باما بودن یا مردن ◄
این طرح فرانکلین، نشان‌دهندهٔ مستعمره‌های مختلف آمریکا به‌طور مجزا به شکل ماری بود که به چند قسمت، تقسیم شده است. برای ادامهٔ حیات این مار، قسمت‌های جدا از هم بایستی متحد شده و با هم به فعالیت می‌پرداختند.

آمادگی جهت برخورد

مستعمره‌نشین‌ها برای مقابله با ظلم و ستم بریتانیا مسلح شدند. تفنگ‌سازان با سرعت فراوان تفنگ‌های فتیله‌دار می‌ساختند که تفنگ سرپر چخماقی نامیده می‌شد و با چکاندن ماشه و برافروخته شدن فتیله توسط یک جرقهٔ گلوله شلیک می‌شد. اسلحه گرم و مهمات به طور مخفیانه در انبارهای کاه و ساختمان‌های دور افتاده انبار می‌شد، تا سربازان پادشاه نتوانند به آنها دسترسی پیدا کنند. در اوایل سال ۱۷۷۵، بسیاری از آمریکایی‌ها با وجود ادامهٔ سرکوب مستعمره‌ها توسط نیروهای بریتانیا، آمادهٔ جنگ بودند.



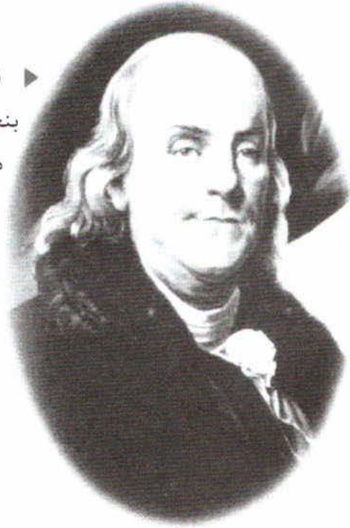
آهنگری برای آزادی ▲

تفنگ سازان آمریکایی درساخت تفنگ‌های لوله بلند تبحر داشتند. در حالی‌که سربازان، تفنگ های کوتاه‌تری لازم داشتند تا سرنیزه بر روی آنها سوار شود. تفنگ های کوتاه‌تر یا ماسکت، زمان کمتری از تفنگ های رایفله برای پرشدن نیاز داشتند. آتش سریع این تفنگ ها و همچنین استفاده از سرنیزهٔ آنها عامل مهمی در پیروزی و موفقیت ارتش قرن ۱۸ بود.



◄ ریسیدن و بافتن برای آزادی

درجهت مقابله با مجلس، زنان وطن‌دوست بر آن شدند تا با ریسیدن نخ و بافتن لباس، جایگزینی برای اجناس وارداتی امپراطوری بریتانیا قرار دهند. در زمان مقاومت، زنان با کار خود باعث مستقل شدن مستعمره‌ها شدند. زنان اغلب خود را «دختران آزادی» می‌نامیدند.



▶ ناشر، دانشمند و سیاستمدار

بنجامین فرانکلین مؤلف و ناشر در فیلادلفیا، با آزمایشاتی که در مورد الکتریسیته انجام می‌داد معروف شده بود. در اوایل فعالیت‌های حرفه‌ای، فرانکلین برای مدت کوتاهی به انگلستان رفت و در شغل چاپگری مشغول به کار شد. او بعداً نمایندهٔ مستعمرات در لندن شد و در سال ۱۷۷۵ بعد از تلاش موفقیت آمیز برای آرام کردن روابط مجلس و مستعمره ها، به آمریکا برگشت. در این زمان، وقوع درگیری نظامی نامحتمل نبود.

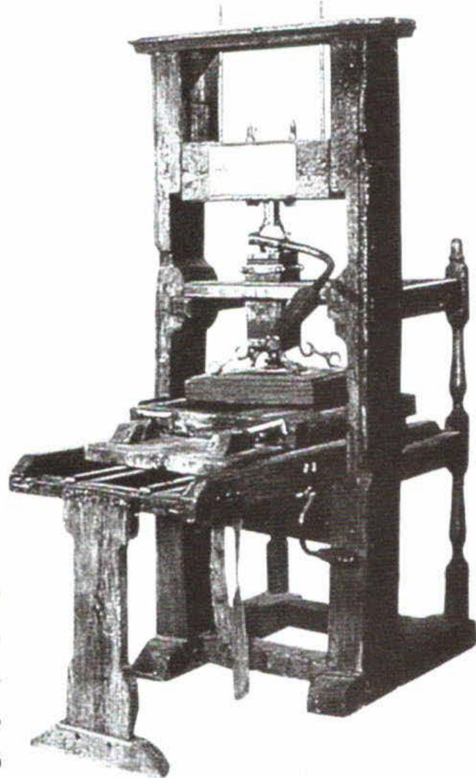
تصویری از فرانکلین

تسمهٔ قمقمه که به وسیلهٔ آن قمقمه به راحتی به روی شانه حمل می‌شد



قمقمهٔ شبه نظامیان ▲

نوشیدن آب یکی از نیازمندی‌های هر سرباز بود، آب در قمقمه‌های چوبی همانند آنچه که ستوان ژوزف بابکوک از شبه نظامیان کنتاکی با خود حمل می‌کرد، قابل دسترسی می‌شد. اول اسم او بر روی قمقمه حک شده است. وی آمادگی خود را به «آمادگاه لکسینگتون» در آوریل ۱۷۷۵ اعلام کرده بود.



فرانکلین مسئول این دستگاه چاپ در چاپخانه لندن بود

آغاز جنگ

در شب ۱۸ آوریل سال ۱۷۷۵، ژنرال توماس گیج به سربازان انگلیسی دستور داد تا جستجو برای پیدا کردن محل آذوقه نظامیان مستعمره را که در کنکورد جمع‌آوری شده بود، آغاز کنند. رهبر وطن‌پرست، دکتر، جوزف وارن نیروی سواره نظام را گسیل داد تا اعلام خطری برای شبه نظامیان باشد. در میان این گروه، نقره ساز معروف پُل رِوِرِه و تانر ویلیام داوس به چشم می‌خورد. فردای آن روز، سربازان انگلیسی و شبه نظامیان لکسینگتون بر روی یکدیگر آتش گشودند. سربازان انگلیسی به طرف کنکورد رفتند، ولی شبه نظامیان آنها را مجبور به عقب‌نشینی کردند. و با محاصرهٔ بوستون توسط آمریکایی‌ها، انقلاب آغاز شد.





فانوس‌های خبردهنده ◄

در شب ۱۸ آوریل سال ۱۷۷۵ یکی از دو فانوس موجود، در پلکان کلیسای اولد نورث قرار گرفت تا شبه نظامیان را از نزدیک شدن قایق‌های سربازان انگلیسی به طرف سرزمین‌های اصلی مطلع سازد. وجود یک فانوس این مطلب را می‌رساند که سربازان بریتانیا از راه خشکی در حال حرکت هستند، در حالی که دو فانوس نشاندهندهٔ حرکت نیروهای بریتانیایی از راه دریا بود.

مسئولیت پل روره ▲

روره، جزو شبکهٔ میهن پرستانی به حساب می‌آمد که جهت اعلان خطر در مورد فعالیت های نظامی بریتانیا تشکیل شده بود. مأموریت او رساندن اخبار به رهبران انقلاب، جان هنکاک، ساموئل آدامز در لکسینگتون بود. رهبران به محض ورود سربازان انگلیسی برای دستگیری آنها از محل گریختند.

تصاویر نقره‌ای حکاکی شده بر روی دستهٔ تپانچه





تپانچه های پیتکرن ▲

بر اثر آتش سنگین شورشیان و در نتیجه عقب نشینی سربازان انگلیسی به طرف بوستون، اسب سرگرد پیتکرن که توسط شبه نظامیان گرفته شده بود، رم کرد و گریخت و تپانچه‌های سرگرد را با خود برد.

مجسمه ای از برنز



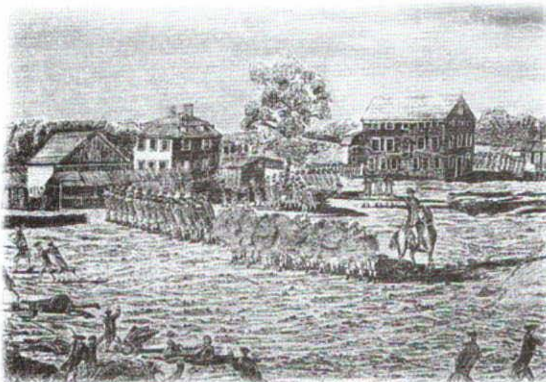
◀ مرد داوطلب

سازندهٔ این مجسمه، دانیل چستر از مفاخر فرانسه می‌باشد. تندیس، نشانگر یک شبه نظامی ماساچوست در سال ۱۷۷۵ است که دستگاه شخم زنی خود را برای دفاع در مقابل سربازان انگلیسی رها کرد و از بوستون خارج شد.



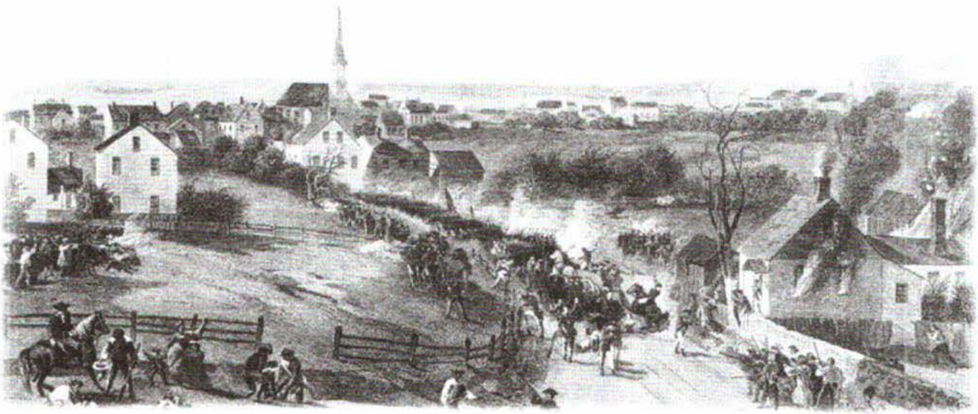
قطب نمای اتن الن ▲

قطب نمای خورشیدی، بـه فرمانـدهٔ گـروه بچه های کوهستان سبز به نام اتن الن کمک کرد تا راه خود را به طرف قلعهٔ تیکوندروگا پیدا کند. تسخیر این قلعه با خوشحالی زیادی در روزنامه‌های گروه‌های مخالف چاپ شد و در نیویورک و نیوانگلند منتشر گردید.



لکسینگتون گرین ◀

سرهنگ لشکر بریتانیا، جان پیتکرن، به مبارزه‌طلبان درلکسینگتون گرین با صدای بلند گفت: «متفرق شوید متمردین!» و لحظه‌ای بعد آتش گشوده شد. انقلاب شروع شده بود. هنرمندی از کنتاکی به نام آموس دولیتل دقیقاً بعد از درگیری، از محل بازدید کرد.



عقب نشینی خونین ▲

بعد از اینکه سربازان انگلیسی به کنکورد رسیدند، شبه نظامیان مسلح و عصبانی آنها را محاصره کردند. شبه نظامیان سنگر گرفته در پشت درخت‌ها، خانه‌ها و دیوارهای سنگی به طرف نیروهای بریتانیا شلیک کردند. این جنگ که در ۲۰ مایلی بوستون در گرفت، یک روز ادامه پیدا کرد. سربازان انگلیسی در مسیر خود خانه‌ها را آتش زده و اغلب دست به حملهٔ متقابل می‌زدند.

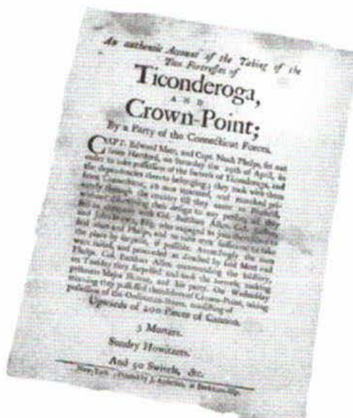
فرماندهٔ انگلیسی، ویلیام دلاپلاس

اتن الن تسلیم یا واگذاری قلعهٔ تیکوندروگا را تقاضا دارد



گرفتن قلعهٔ تیکوندروگا ◄

قلعهٔ تیکوندروگا که زمانی بسیار استوار و مستحکم بود، در سال ۱۷۷۵ از وضعیت مناسبی در مقابل خطرات احتمالی برخوردار نبود. تعداد محدودی از سربازان انگلیسی توانستند این قلعه را به اشغال خود درآورند. مسئلهٔ مهم این بود که اشغال این قلعه، منجر به کنترل بر روی دریاچهٔ شامپلن می‌شد که منطقه‌ای استراتژیک بود. افراد پادگان نظامی ارتش انگلیس، هیچ‌گاه انتظار حملهٔ آمریکایی‌ها را نداشتند. وقتی که در ماه مه فریاد شورشیان به فرماندهی اتن الن و بندیکت آرنولد در آن پادگان طنین انداز شد، فرمانده درماندهٔ نظامیان انگلیسی، کاپیتان ویلیام دلاپلاس، بایستی بین کشته شدن یا اسارت یکی را انتخاب می‌کرد و او اسارت را برگزید.



An authentic Account of the Taking of the Two Fortresses of

Ticonderoga,

AND

Crown-Point;

By a Party of the Connecticut Forces.

CAPT. Edward Mott, and Capt. Noah Phelps, set out from Hartford, on Saturday the 29th of April, ... [illegible]

Upwards of 200 Pieces of Cannon.

3 Mortars.

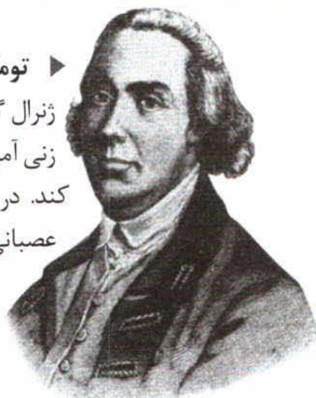
Sundry Howitzers.

And 50 Swivels, &c.

خبر اشغال قلعه تیکوندروگا در روزنامه

بریدز هیل و محاصرهٔ بوستون

در ۱۶ ژوئن ۱۷۷۵ در تاریکی‌های شبانه، صدها نفر از شبه نظامیان آمریکایی به حفر سنگر بر روی بریدز هیل در شبه جزیرهٔ چارلز تاون مشغول بودند که در امتداد رودخانهٔ چارلز به طرف بوستون قرار دارد. طبق دستور، بانکر هیل بایستی محاصره می‌شد، ولی ژنرال شورشیان، اسرائیل پوتنام، به اشتباه بریدز را محاصره کرد. فردای آن روز ژنرال گیج، مسئول هنگ سربازان انگلیسی، به پشتیبانی نیروهای توپخانه شروع به حمله کرد. ارتش بریتانیا دو بار قبل از اینکه شورشی‌ها را وادار به عقب‌نشینی کند، خود مجبور به عقب نشینی شد. در این حمله، بیش از ۱۰۰۰ سرباز انگلیسی کشته و زخمی شدند، ولی تعداد تلفات نیروهای شورشی ۵۰۰ تن بود. دو هفته بعد، ژنرال جورج واشنگتن به منظور ادارهٔ نیروهای محاصره‌کننده، وارد صحنهٔ نبرد شد. دولت بریتانیا از چنین ضایعات و خسارات سنگینی بر سربازان انگلیسی ناراحت و عصبانی بود، لذا در اکتبر، ژنرال ویلیام هاو جایگزین گیج گردید. در اواخر زمستان، افسر توپخانهٔ آمریکا هنری ناکس، توپ های غنیمت گرفته شده از نیروهای دشمن را به واشنگتن آورد و سریعاً آنها را به طرف بوستون نشانه رفت. در مواجهه با این تهدید جدی، هاو چاره‌ای جز ترک شهر با هر کشتی که ممکن بود، نداشت. در ۱۷ مارس، بعد از اینکه سربازان انگلیسی و صدها نفر از شهروندان وفادار به امپراطوری بریتانیا با کشتی از شهر خارج شدند، ارتش واشنگتن پیروزمندانه به شهر وارد شدند.



◄ توماس گیج

ژنرال گیج، فرماندهٔ نیروهای انگلیسی در مستعمرات بود. او که با زنی آمریکایی ازدواج کرده بود، می‌خواست از خونریزی جلوگیری کند. در لکسینگتون و کنکورد در بوستون، صدها شبه نظامی عصبانی ارتش او را به دام انداختند.



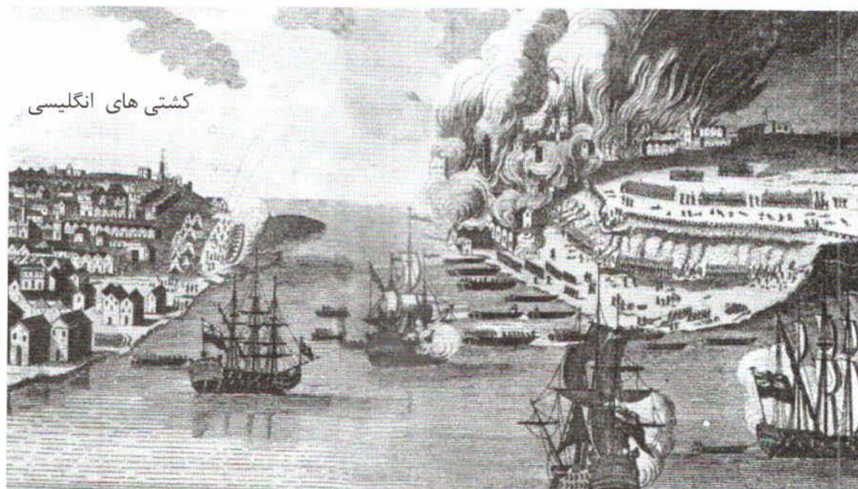
پرسکات نیروهای خود را آرام می‌کند ►

نیروهای توپخانهٔ بریتانیا به استحکامات موجود بر روی بریدز هیل آتش می‌ریختند. بعد از کشته شدن یکی از افراد، کلنل پرسکات از سنگر بیرون آمد تا جلو آتش نیروهای دشمن را بگیرد. نیروهای تحت فرمان پرسکات با وجود آتش شدید توپخانهٔ نیروهای دشمن، از تلاش باز نماندند.



حمله به بریدز هیل ▲

مدافعان، دو بار سربازان انگلیسی را مجبور به عقب نشینی کردند. در حملهٔ نیروهای بریتانیایی به مدافعین که به پیروزی بریتانیایی‌ها منجر شد، در میان کشته های نیروهای آمریکا، دکتر ژوزف وارن و در میان تلفات نیروهای بریتانیا سرگرد پیتکرن از نیروی دریایی سلطنتی به چشم می‌خوردند.



چارلز تاون در آتش حملهٔ سربازان انگلیسی می‌سوخت ▲

نیروهای بریتانیا، بوستون را از روی کشتی با آتش توپخانه به گلوله بستند و آن شهر را به آتش کشیدند. سربازان انگلیسی از کشتی‌ها پیاده شده و برای حمله به استحکامات شورشیان در بالای بریدز هیل به خط شدند.



◀ واشنگتن به بررسی نیروهای خود می‌پردازد

ژنرال جورج واشنگتن فرمانده ارتش شورشیان، به محاصرهٔ بوستون پرداخت و سریعاً موانع دفاعی متعددی را جهت جلوگیری از حملهٔ ارتش بریتانیا بنا کرد. با وجود نیروهای پشتیبانی قوی در ارتش انگلیس، به نظر می‌رسید ارتش واشنگتن هیچ‌گونه شانسی برای پیروزی ندارد.



عبارت «جهت حمایت از آزادی» بر روی شیپور حکاکی شده است

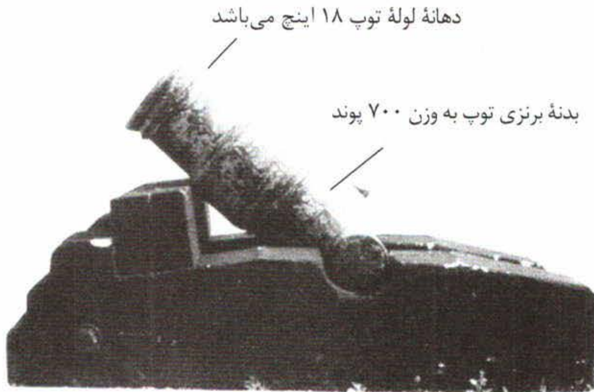
شیپور باروتی یک آمریکایی ◀

سربازان، باروت را در شیپورهای تو خالی که معمولاً با نقش و نگار تزیین شده بود، نگه می‌داشتند. این شیپور به وسیلهٔ سربازی از کنتاکی به نام فردریک رابینز، در محاصرهٔ بوستون حمل می‌شد. نقش و نگار بر روی شیپورها، شورشیان را در اردوگاه و هنگام تمرین با تفنگ و شمشیر نشان می‌دهد.



نیروهای بریتانیا در حال تخلیهٔ شهر بوستون ▲

با مهیا شدن توپ های شورشیان برای بمباران شهر، ژنرال ارتش بریتانیا، هاو، به ارتش و وفاداران به تاج و تخت دستور داد که با کشتی از آنجا خارج شوند. قبل از حرکت، از بیم اینکه ادوات نظامی به دست آمریکایی‌ها بیفتد، آنچه را که نمی‌توانستند با خود ببرند، نابود کردند و چند توپ سنگین را درون خلیج انداختند.



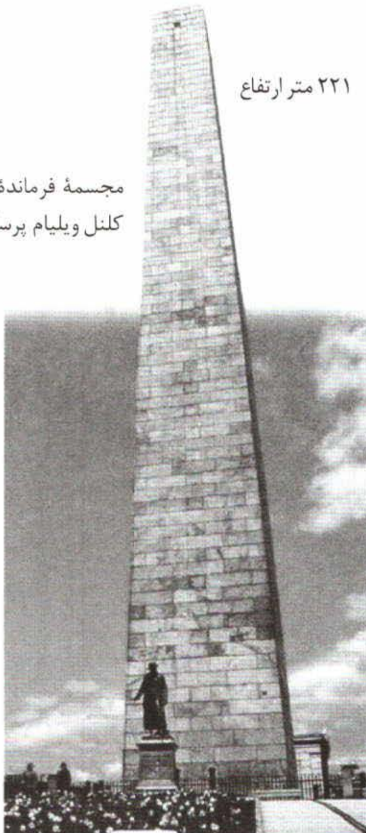


شورشیان به بوستون رسیدند ▲

در زمستان سال ۱۷۷۵ تا ۱۷۷۶، پنجاه و نه توپ سنگین را بیش از ۳۰۰ مایل با ارابه، به هر طریق به بوستون رساندند. این توپخانه از غنائم به‌جا مانده از قلعهٔ تیکوندروگا بر روی دریاچهٔ چامپلن بود که بیش از ۶۰ تن وزن داشت و شامل خمپاره‌ای (مانند تصویر) بود که می‌توانست گلوله‌های آتش زا را به هوا پرتاب کند و بر روی هدف فرود آورد.

◀ شمشیر پوتنام

ژنرال وطن پرست، اسرائیل پوتنام، از رهبران محاصرهٔ بوستون و صاحب این شمشیر بود. این شمشیر هم به منزلهٔ سلاحی در جنگ و هم تزیینی برای لباس در مجالس رسمی، کاربرد داشت.



اثر تاریخی تپهٔ بانکر ◀

در ۱۸۲۵، مردم بوستون بنایی را جهت یاد بود جنگ بریدز هیل بنا کردند. کسانی که از این بنا دیدن می‌کنند، باید از ۲۹۴ پلهٔ این ستون هرمی بالا روند تا نمایی از شهر را ببینند.

استخدام و آموزش نیرو

در سال ۱۷۷۵، بسیاری از آمریکایی‌ها عضو گروه‌های نظامی شده بودند. به طور کلی، در مکان‌های مختلف، چندین بار در سال و در روزهای مشخص، به افراد آموزش داده می‌شد. هنگامی که انقلاب شروع شد، مردان به عنوان شبه نظامیان محلی به خدمت انقلاب درمی‌آمدند. گهگاهی خدمت آنها به بیش از چند هفته نمی‌رسید. ولی این آموزش‌ها و تشکیل گروه‌های جنگی برای مقابله با سربازان حرفه‌ای پادشاه که از نظر تجهیزات در وضعیت بهتری بودند، کافی نبود. دولت و کنگره به سرعت گروه‌هایی را تشکیل داد که نفرات را در دوره‌های طولانی‌تر آموزشی ثبت‌نام می‌کرد. به این داوطلبان، اصول اولیه جنگ و نحوهٔ صحیح جنگیدن را می‌آموختند. بعضی از آن‌ها به توپچیان عالی و خبره مبدل شدند. معمولاً افسران از روی جزوات تمرینی که برای ارتش انقلاب آماده شده بود، به نفرات تعلیم می‌دادند. در اوایل کار به‌علت کمبود اونیفرم نظامی، سربازان مجبور بودند تا لباس‌های غیرنظامی، کلاه‌هایی با لبه‌های پهن و پیراهن‌های خانگی به تن کنند. با وضع مقررات شدید و آموزش‌های نظامی، سربازان آمریکایی توانستند با سربازان انگلیسی مقابله کرده و اعادهٔ حیثیت کنند.



طبل زن‌ها ◄

طبال‌ها با صدای بوم بوم بوم طبل‌های خود، برخاستن و نظام گرفتن، غذا خوردن، آوردن آب، جمع‌آوری هیزم و انجام کارهای دیگر را به نفرات ارتشی اعلام می‌کردند. در جنگ نیز با طبل خود دستورات نظامی را به جنگجویان می‌رساندند به طوری که افسران می‌توانستند حرکات نیروها را کنترل کنند.



► غرور نوازنده

یک آمریکایی، طبل خود را در تمام دوران انقلاب به همراه داشت. وی بایستی خوب از طبل‌ها محافظت می‌کرد، زیرا این طبل‌ها می‌توانستند فرمان‌های نظامی را در غوغای جنگ به گوش جنگجویان برسانند.



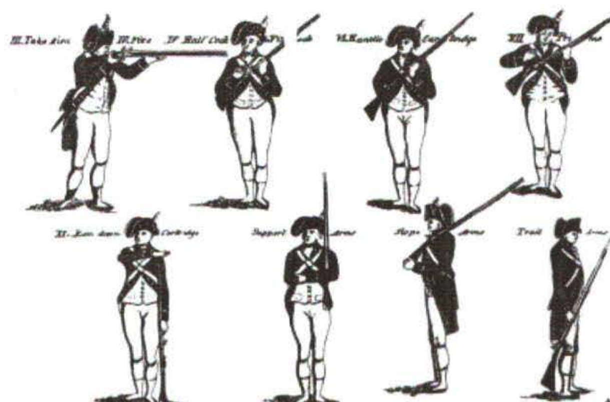
هنری ناکس ◄

قبل از انقلاب، هنری ناکس ساکن بوستون، در قسمت توپخانه شبه نظامیان خدمت می‌کرد و از کتاب‌های اروپاییان، علم مربوط به توپخانه را آموخته بود. ناکس به آموزش افسران دیگر نیز می‌پرداخت و آن‌ها نیز به نوبهٔ خود توپچیانی تربیت کردند که هر کدام با بهترین توپچیان ارتش بریتانیا در یک سطح بودند.



نخستین تجدید نیرو برای انقلاب ▲

افسران در حضور دوستان و اعضای فامیل، به داوطلبان غیرحرفه‌ای که با لباس‌های شخصی آمده بودند، نحوهٔ استفاده از تفنگ و نحوه آرایش نظامی را آموزش می‌دادند. در سال ۱۷۷۹ بهترین هنگ آمریکا، اونیفرم نظامی مخصوص خود را داشت و نحوهٔ رژه رفتن را می‌دانست. در جنگ‌های بعدی، این نیروها چنان سریع حرکت می‌کردند که متحدان فرانسوی و بریتانیایی آنهارا متعجب می‌ساختند.



نحوهٔ کار با تفنگ ▲

همراه با گسترش ارتش آمریکا، دستورالعمل‌هایی آماده گردید که نحوهٔ کار گروهی سربازان را در میدان جنگ آموزش می‌داد. این تصاویر، نمایانگر دستورالعمل‌های آموزشی و مراحل پر کردن اسلحه و شلیک با آن است. در جنگ، سربازان به صف می‌ایستادند و با شنیدن فرمان و همزمان با یکدیگر آتش می‌کردند و مجدداً اسلحه را پر می‌کردند.

تجهیز نیروهای تازه به خدمت در آمده ▼

شبه نظامیان سلاح های شخصی داشتند، در حالی که هنگ‌های مربوط به دولت و کنگره از سلاح‌های دولتی بهره می‌بردند. اگر چه تعداد این افراد کم بود، ولی در صورت توان، هر فرد می‌توانست تجهیزات مورد نیاز خود را، خودش خریداری کند. کنگره و دولت نمی‌توانستند به نیروهایشان پولی پرداخت کنند، این نیروها همواره از کمی تجهیزات رنج می‌بردند. بیشتر سربازان بایستی گلوله‌های مورد نیازشان را شخصاً تهیه کرده و برای این کار از قالب گلولهٔ انبری شکل استفاده می‌کردند. در این قالب‌ها سرب، به شکل گلوله در می‌آمد.



کیف چرمی جهت حمل و نقل مهمات

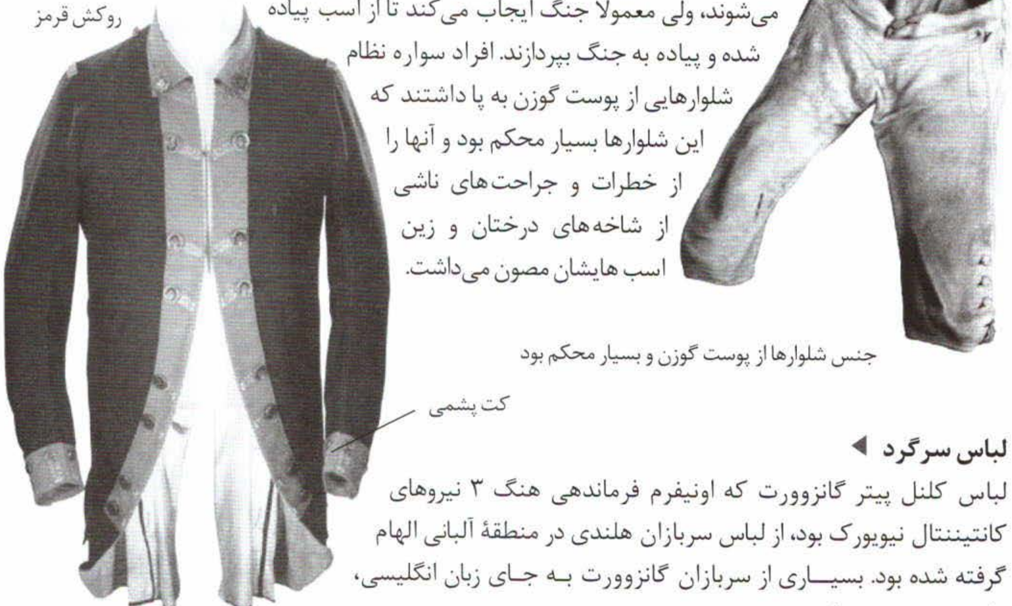
کیف پول سربازی از نیوجرسی با
پول های دولتی (رایج)

وسیله ای برای قالب گلوله

فشنگ

◀ شلوارهایی از پوست گوزن

سواره نظام بخشی از سپاه می‌باشد که در جنگ بر پشت اسب سوار می‌شوند، ولی معمولاً جنگ ایجاب می‌کند تا از اسب پیاده شده و پیاده به جنگ بپردازند. افراد سواره نظام شلوارهایی از پوست گوزن به پا داشتند که این شلوارها بسیار محکم بود و آنها را از خطرات و جراحت‌های ناشی از شاخه‌های درختان و زین اسب هایشان مصون می‌داشت.



روکش قرمز

جنس شلوارها از پوست گوزن و بسیار محکم بود

کت پشمی

لباس سرگرد ◀

لباس کلنل پیتر گانزوورت که اونیفرم فرماندهی هنگ ۳ نیروهای کانتیننتال نیویورک بود، از لباس سربازان هلندی در منطقهٔ آلبانی الهام گرفته شده بود. بسیـــاری از سربازان گانزوورت بـه جـای زبان انگلیسی، هلندی صحبت می‌کردند.

ارتش پادشاه و کنگره

در سال ۱۷۷۵، ارتش بریتانیا یکی از بهترین ارتش‌های دنیا بود که با پوشیدن کت‌های قرمز به «لباس قرمزها» معروف بودند. این سربازان از کشورهای انگلیس، اسکاتلند، ایرلند و ولز به جنگ آمده بودند. صدها نفر از سربازان آلمانی با اونیفرم‌های سبز یا آبی نیز به آن‌ها ملحق شدند. این سربازها از ایالت‌های هِس و برانزویک به خدمت در ارتش آورده شده بودند و هیسینز (افراد آمده از ایالت هِس) نامیده می‌شدند. وفاداران انقلاب آمریکا نیز گروه‌های نظامی تشکیل داده بودند. و معمولاً اونیفرم‌های سبز به تن داشتند. ارتش انقلابی آمریکا متشکل از نیروهای کانتیننتال بود. زیرا از هنگ‌های کنگره کانتیننتال تشکیل یافته بودند و به همراه هنگ‌های ایالت‌های مختلف، ارتش را تشکیل می‌دادند. همچنین، هنگامی که جنگ به منطقهٔ غیرنظامیان رسید، آنها نیز خانهٔ خود را ترک کردند تا برای انقلاب بجنگند. سربازان کانتیننتال، اونیفرم‌های آبی و قهوه‌ای به تن داشتند. در حالی که معمولاً هنگ ایالت‌ها، تفنگداران و داوطلبین شبه نظامی، لباس‌های شخصی یا لباس‌های شکار پوشیده بودند. پیاده نظام ارتش بریتانیا و کانتیننتال، تفنگ‌های بی‌خان حمل می‌کردند و از تاکتیک‌های یکسان در جنگ سود می‌بردند که همان آتش گروهی به نوبت و زدن سر نیزه به تفنگ‌ها بود.



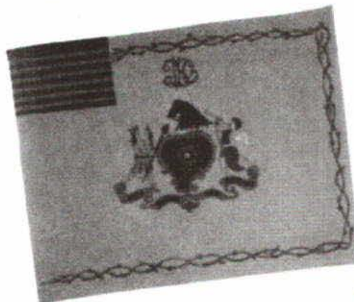
سرباز پیاده نظام ارتش بریتانیا (سربازان مسئول پرتاب نارنجک ارتش بریتانیا) ◄

هر هنگ، گروه پیاده نظامی داشت که برای پرتاب نارنجک آموزش دیده بودند. در ۱۷۷۵، آنها به نیروهای خاصی تبدیل شدند که مانند هنگ ۵۷ نارنجک داران با کلاه‌های بلند خود قابل تشخیص بودند.



◄ شمارهٔ هنگ

این نشان بر روی یک محفظهٔ چرمی قرار داشت که به وسیلهٔ سربازی انگلیسی از هنگ ۲۶ پیاده نظام حمل می‌شد.



پرچم هورس لایت فیلادلفیا ▲

نیروهای برجستهٔ انقلاب به هورس لایت معروف بودند که به سرکردگی مردان خانواده‌های پنسیلوانیا رهبری می‌شدند. این نیروها در تمام دوران جنگ نیروهای ارزشمند پیشاهنگی ارتش واشنگتن را تشکیل می‌دادند.

وفاداران سلطنت

یک سوم از جمعیت آمریکایی‌ها به بریتانیا وفادار ماندند. و صدها نفر از این وفاداران به تاج و تخت، به‌عنوان ارتش سلطنتی برای امپراطوری بریتانیا جنگیدند. افسر انگلیسی، بانستره تارلتون، لژیون وفاداران سواره نظام را بنا ساخت که بهترین ارتش سواره نظام بریتانیا در آمریکا بود. یکی دیگر از گروه های شاخص، هنگ ۸۴ مهاجرین هایلند بود که نیروهای آن متشکل از مستعمره های اسکاتلند و مخالفین انقلاب بودند.



◄ پرچم گروه وفاداران هنگ ۸۴ مهاجرین هایلند

تسخیر پیروزمندانه ▲

گروه های آموزش‌دیدهٔ سربازان انگلیسی و متحدان آلمانی آن‌ها، از میان شهر نیویورک رژه رفتند. افسران، سوار بر اسب و مردم عادی نظاره‌گر این رژه بودند. شهر را نیروهای سلطنتی در تابستان ۱۷۷۶ اشغال کرده بودند و در ادامهٔ جنگ، به‌جای پادگان نظامی سربازان انگلیسی، نیروهای آلمانی و وفاداران سلطنت استفاده شد.



سرباز سواره نظام لژیون ارتش تارلتون

◄ خط کانتیننتال

مردان پیاده نظام کانتیننتال یا «سربازان آماده به خدمت»، قلب ارتش انقلاب محسوب می‌شدند. آنها به گونه‌ای آموزش دیده بودند که در بحبوحهٔ جنگ، به طور منظم و در صف های خود بایستند.



تفنگ‌های لوله بلند

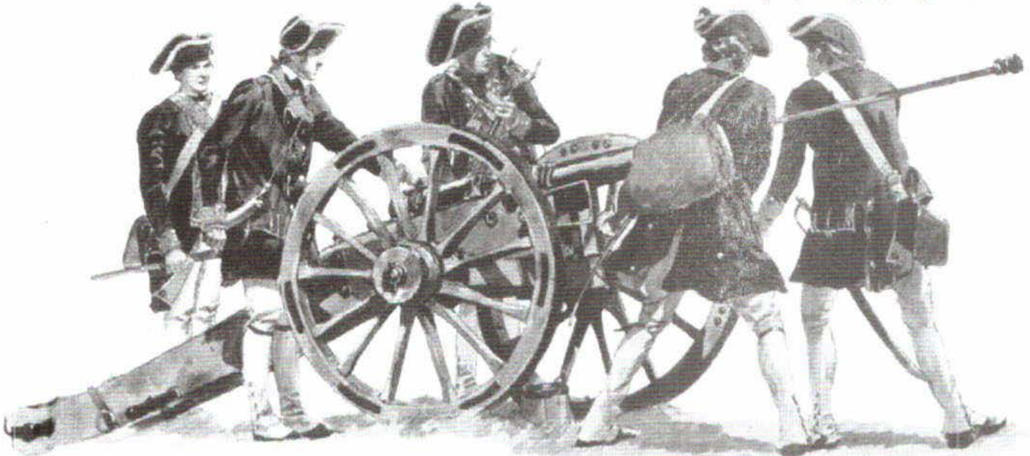


کلاه انقلابی ▲

مستعمره‌نشین‌های آمریکایی معمولاً کلاه گوشه‌دار قدیمی مستعمل می‌پوشیدند که گوشه‌های آن بالا آمده بود. آخرین کلاه ارتش بریتانیا کلاهی با دو گوشه بود.

توپخانه

توپچی‌های آمریکایی نقش مهم و اساسی در پیروزی نیروهای انقلابی داشتند. آهنگرها از نیوانگلند تا ویرجینیا توپ و گلوله می‌ساختند، ولی توپچی‌های آمریکایی همواره از کمی امکانات و مهمات رنج می‌بردند. و معمولاً از توپ‌ها و چرخ‌های متحدان فرانسوی خود استفاده می‌کردند. و گلوله های توپ ارتش بریتانیا را، در زمین نبرد جمع‌آوری کرده و مجدداً استفاده می‌کردند. با توجه به دقت و مهارت شگفت انگیز آن‌ها، توپچی‌ها کمک شایان توجهی در پیروزی جنگ‌های کلیدی انقلاب کردند.



گروه توپچیان شورشی ▲

یک گروه آموزش دیده به سرعت می‌توانست توپ را پر کرده، نشان‌گیری و آتش کند. این توپچیان لولهٔ داغ توپ را به علت زدودن جرقه ها با اسفنج خیس قبل از پر کردن مجدد، پاک می‌کردند.

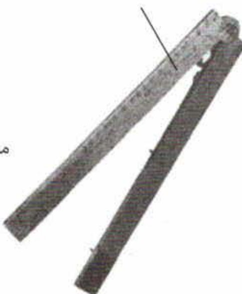


◀ صدای طبل جهت نظام گرفتن

بعد از اینکه ارتشیان چگونگی رژه رفتن، در صف ایستادن و رفتار یک سرباز منضبط را یاد گرفتند، ارتش آمریکا به ارتشی نیرومندتر بدل گردید. صدای طبل، چگونگی حرکت سربازان در رژه را مشخص می‌کرد و در صحنهٔ نبرد، علامتی برای دستورات جنگی به سربازان بود.



محفظه‌ای برای انفجار



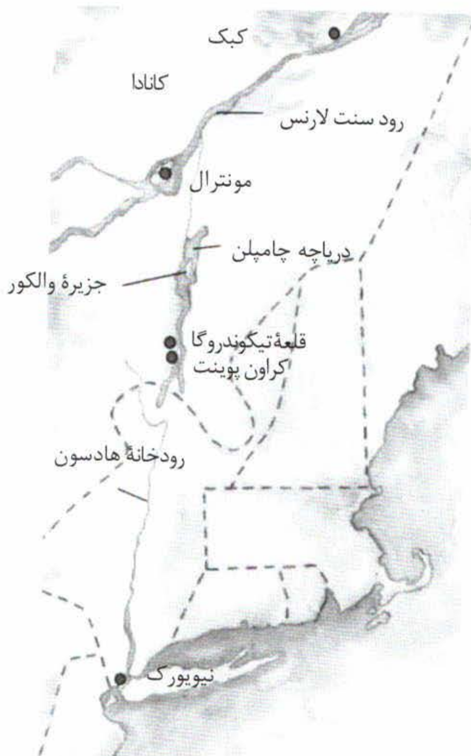
وسیله‌ای برای اندازه‌گیری در توپخانه که نشاندهندهٔ محل دقیق قرار گرفتن می‌باشد



«پیکان سلطنتی» بیان کنندهٔ این مطلب بود که گلولهٔ توپ، از دارایی‌های سلطنتی می‌باشد

جنگ‌های اولیه با نیروهای شمالی

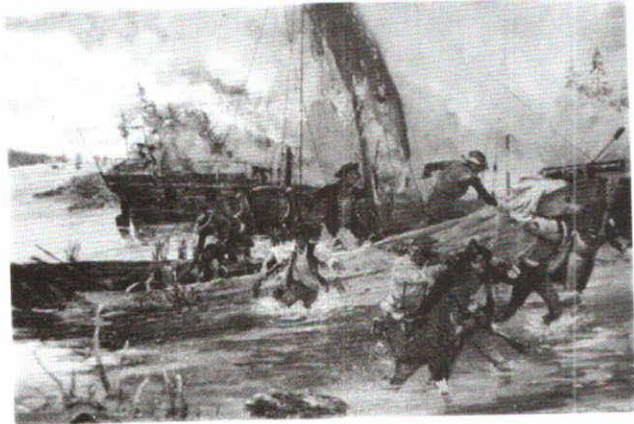
در اواخر سال ۱۷۷۵، آمریکایی‌ها به دو شهر کانادا؛ یعنی مونترال و کبک وارد شدند. آنها به خاطر جلوگیری از ورود نیروی قدرتمند دریایی بریتانیا به فرماندهی فیلیپ شایلر و ریچارد مونتگومری، مونترال را تسخیر کرده و سپس نیروهایشان به طرف کبک حرکت کردند. گروهی دیگر به فرماندهی بندیکت آرنولد، از اهالی کنتاکی از جنگل‌های مین‌کاری شده گذشته و با یک پیشروی خونین به آن‌ها ملحق شدند. ارتش آمریکا در کبک شکست خورد و مونتگومری کشته شد. در بهار سال ۱۷۷۶، ارتش بریتانیا از راه دریا به کبک حمله‌ور شد و نیروهای آمریکایی را مجبور به عقب‌نشینی کرد. سپس به طرف جنوب و رودخانهٔ چامپلن یورش برد. آرنولد با عجله ناو کوچک توپ‌داری ساخت تا با ناوگان بزرگ بریتانیا در جزیرهٔ والکور وارد جنگ شود. کشتی‌های او با شجاعت جنگیدند، ولی در نهایت شکست خوردند. ارتش بریتانیا به خاطر فرا رسیدن زمستان و سرمای هوا، تصمیم گرفت در ۱۷۷۷ به کانادا عقب نشینی کند.



جنگ‌های اولیه در شمال ◄
برخوردهای اولیه در دریاچهٔ چامپلن و مسیر رودخانهٔ هادسون که مسیر اصلی راه کانادا و نیویورک بود، اتفاق افتاد. خط‌های نقطه‌چین، نشان‌دهندهٔ مرزهای مستعمره‌نشین‌ها می‌باشد.

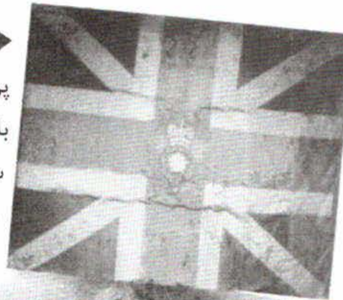
حمایل نظامی مونتگومری





◀ عقب نشینی جهت حملهٔ مجدد

چندین کشتی آمریکایی از ترس شکست در جزیرهٔ والکور، فرار کردند، ولی بیشتر آن‌ها به سختی خسارت دیدند. بعضی از کشتی‌ها حتی به آتش کشیده شدند. خدمهٔ این کشتی‌ها بایستی کشتی‌ها را تا قسمت های کم عمق هدایت کرده و سپس از آن‌ها پیاده شده و فرار می‌کردند.



◀ اولین پیروزی

پرچم هفتمین هنگ پیادهٔ بریتانیا تنها یک بار توسط نیروهای آمریکایی تسخیر شد. در سال ۱۷۷۵ با سقوط قلعهٔ چامبلی، پرچم نیز فتح شد.



شکست مونتگومری ▲

ژنرال آمریکایی سرتیپ ریچارد مونتگومری، در حمله به کبک با شلیک گلوله های توپ در۳۱ دسامبر ۱۷۷۵ متحمل شکست شد. فرماندهٔ دوم، کلنل بندیکت آرنولد سمت راست تصویر نیز در جنگ زخمی شده است.

جنگ یک طرفه ▼

ناوگان کوچک آمریکا پشت جزیرهٔ والکور مخفی شده بود و با شجاعت کامل به زنجیرهٔ ناوهای توپدار انگلیسی که با کشتی های جنگی پشتیبانی می‌شدند، حمله می کرد.



جنگ جزیرهٔ والکور

در اکتبر ۱۷۷۶، با تحریک آرنولد، ناوگان بریتانیا در دریاچهٔ چامپلن به کشتی‌های او در جزیرهٔ والکور حمله کردند. ناوگان کوچک آرنولد منهدم شد، ولی مقاومت شدید آن ها باعث شد تا نیرو های بریتانیا به این باور برسند که تسخیر دریاچه تا زمستان غیر ممکن است.



توپ ۱۲ پوندی در جایگاه اصلی خود

ناو کوچک به طول ۵۴/۴

◀ بیرون از قبر آبی

ناو توپدار شورشیان به نام فیلادلفیا که در جزیرهٔ والکور غرق شده بود در سال ۱۹۳۵ساخته و به دقت نگهداری شد. این ناو، از قدیمی‌ترین کشتی های جنگی آمریکایی‌ها به حساب می‌آید.



دستگیری اِتن آلن ◀

در طول لشکرکشی آمریکایی‌ها برای تسخیر مونترال در اواخر سال ۱۷۷۵، نیروهای داوطلب از نیوانگلند تحت فرماندهی اتن آلن به دام نیروهای بریتانیایی و کانادایی افتادند. آن ها محاکمه و زندانی شدند.

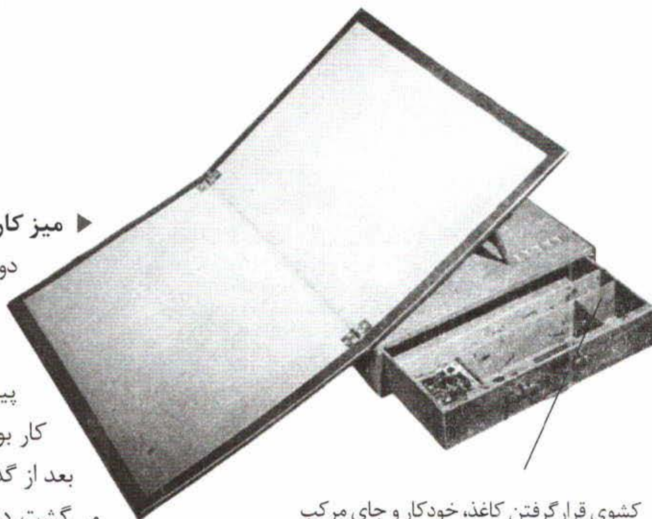
اعلامیهٔ آزادی

در ژوئن ۱۷۷۶، مستعمره‌ها برای به دست آوردن استقلال آماده می‌شدند، اما مدرکی رسمی نیاز بود تا منتشر شده و دلایل جدایی از انگلیس را در آن به تصریح بیان کند. دومین کنگرهٔ کانتیننتال که در فیلادلفیا تشکیل می‌شد؛ کمیته‌ای متشکل از ۵ نفر برای تنظیم خطوط اصلی مرز پیش‌نویس بود. توماس جفرسون اولین پیش‌نویس را تهیه کرد. تا آن زمان، هزاران آمریکایی از نوشته‌ای به نام عقل سلیم از توماس پِین میهن پرست الهام گرفته بودند. پِین در آن نوشته، می‌گوید: «دولتی از خود ما، حق طبیعی و مسلم ماست.» و جفرسون با این موضوع موافقت کرد. هنگامی که مدرک به کنگره تقدیم شد، لیستی از دعاوی بر علیه بریتانیای کبیر در آن مشاهده می‌شد، که شامل فرستادن نیروهای نظامی به مستعمرات و جمع‌آوری مالیات بدون موافقت آمریکایی‌ها بود. ۵۶ نماینده با حرارت و هیجان تا ۴ جولای نگارش آن را با دقت بررسی کردند. کنگره به اتفاق آرا اعلامیه آزادی را پذیرفت، ولی کپی رسمی اعلامیه در آگوست آماده امضا شده بود و امضای جان هنکاک، رئیس کنگره، از همه برجسته‌تر و چشمگیرتر بود.



توماس جفرسون ◄

جفرسون ۳۳ ساله، پیش نویس اولیهٔ منشور آزادی را برای کنگره تهیه کرد. او در جایگاه نویسنده‌ای زبردست، در تلاش برای تهیهٔ مدرکی الهام بخش بود که بتواند مستعمره‌نشین‌ها را به صورت یک ملت، متحد گرداند.



◄ میز کار جفرسون

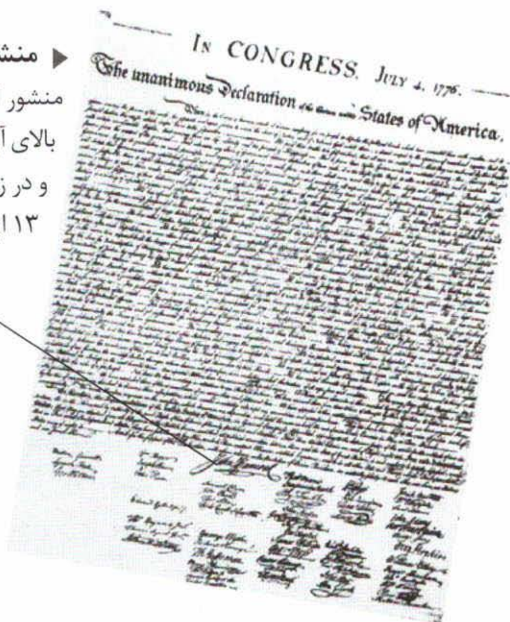
دور از خانه و محل کار، جفرسون از این میز تحریر قابل حمل و تاشو، برای تهیهٔ پیش‌نویس منشور استفاده می‌کرد. تهیهٔ پیش‌نویس نیازمند ساعت‌های زیادی فکر و کار بود. او برای به تحریر درآوردن افکار خود بعد از گذشت ساعت‌های طولانی به میز خود باز می‌گشت. در کشوی کوچک، ابزار نوشتن مانند مرکب و قلم وجود داشت.

کشوی قرارگرفتن کاغذ، خودکار و جای مرکب



تلاش برای آزادی ◄
بنجامین فرانکلین در چپ و جان آدامز وسط، اعضای کمیتهٔ تنظیم منشور، به جفرسون (راست تصویر) کمک کردند تا مدرک را آماده کند. پیش‌نویس، بارها به منظور مشخص شدن وضع مستعمره‌ها به عنوان ایالات مستقل بررسی و تصحیح گردید.

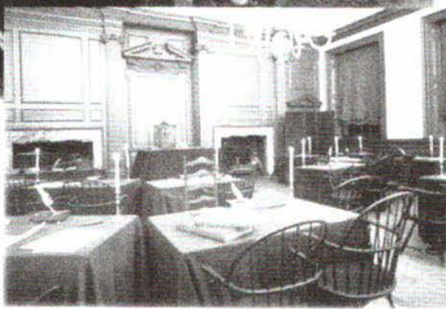
منشور آزادی ◄
منشور آزادی را نمایندگان تمام ایالت ها امضا کردند. در بالای آن نوشته شده بود: «کنگره، چهارم جولای ۱۷۷۶» و در زیر آن نوشته شده بود: « منشور به تصویب رسیده ۱۳ ایالت متحده آمریکا »


IN CONGRESS, JULY 4, 1776.
The unanimous Declaration of the ... States of America.



جای قلم و دوات در کنگره ◄
نمایندگان برای امضای منشور از قلم پر استفاده می‌کردند.



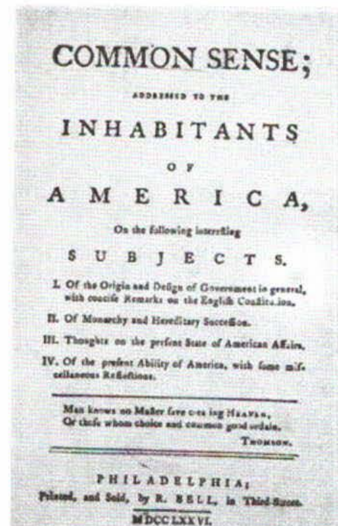


ارائهٔ منشور به کنگره ▲

در اول جولای سال ۱۷۷۶ پنج عضو کمیتهٔ تنظیم منشور آزادی، به طور رسمی منشور نهایی شده خود را به رئیس کنگره جان هنکاک (نشسته در تصویر) ارائه کردند. اعضای کمیته از چپ: آدامز، راجر شرمن از کنتاکی، رابرت لیوینگستن از نیویورک، جفرسون و فرانکلین. این تصویر سال‌ها بعد توسط هنرمندی به‌نام جان ترامبِل کشیده شد.

سالن اجتماعات ▲

اتاقی در سالن آزادی در فیلادلفیا که جلسات کنگره جهت تأیید منشور آزادی در آن محل برگزار می‌شد. این مکان از آنچه در نقاشی جان ترامبِل نشان داده شده است، کوچک‌تر بود. رئیس کنگره، هنکاک، در میان اتاق و در قسمت عقب قرار داشت و نمایندگان دور اتاق و سر میزهای خود می‌نشستند.



COMMON SENSE;

ADDRESSED TO THE

INHABITANTS

OF

AMERICA,

On the following interesting

SUBJECTS.

I. Of the Origin and Design of Government in general, with concise Remarks on the English Constitution.

II. Of Monarchy and Hereditary Succession.

III. Thoughts on the present State of American Affairs.

IV. Of the present Ability of America, with some miscellaneous Reflections.

Man knows no Master save creating HEAVEN,
Or those whom choice and common good ordain.

THOMSON.

PHILADELPHIA;
Printed, and Sold, by R. BELL, in Third-Street.
MDCCLXXVI.

◀ عقل سلیم

در سال ۱۷۷۶، نوشته‌ای ۵۰ صفحه‌ای از توماس پِین، آمریکایی‌ها را برای آزادی تحریک کرد. در آن جزوه، وظیفهٔ دولت، خدمت به مردم و ایجاد رفاه و جلوگیری از ظلم و ستم معرفی شده بود. این سخن نیز از پِین بود: «آخرین حلقهٔ ارتباط میان آمریکا و بریتانیا جدا شده است.»

جنگ‌ها و لشکرکشی‌ها

بعد از اینکه واشنگتن، سِر ویلیام هاو را در بهار سال ۱۷۷۶ وادار به تخلیهٔ بوستون کرد، ارتش بریتانیا به محلی دیگر جهت حمله چشم دوختند. هاو، به سرعت گروهی کوچک را به چارلستون در جنوب کارولینا فرستاد، ولی آن گروه مجبور به عقب‌نشینی شد. بعد از آن، او نیروی تهاجمی بزرگی را ترتیب داد تا ارتش واشنگتن را شکست دهد. با وجود اینکه میهن‌پرستان، قوای خود را چندین بار تجهیز کرده و به جنگ فرستادند، ولی هر بار شکست خوردند، زیرا تعداد نفرات ارتش بریتانیا بیش از دو برابر میهن‌پرستان بود. نیروهای واشنگتن به سمت نیوجرسی و سپس رود دلاور در پنسیلوانیا مجبور به عقب نشینی شد. به نظر می‌رسید فیلادلفیا در شرف سقوط در مقابل ارتش بریتانیا بود. با وجود این، در شب سال نو، به حمله‌ای جدید دست زد و با شکست قسمتی از قوای نظامیان آلمانی در ترنتون، موفق به شکست نیروهای بریتانیا در پرینستون شد. ارتش میهن‌پرستان به موریس تاون، در تپه های نیوجرسی رسیدند و در آنجا توانستند برای زمستان اردو بزنند. پیروزی های نیروهای بریتانیا در نیویورک هم اکنون با توجه به بازگشت واشنگتن کم رنگ جلوه می کرد.



◀ قالبی جهت تهیهٔ گلوله

سربازان برای تهیهٔ مهمات، از قالب‌هایی - شبیه آنچه در تصویر است - استفاده می کردند که از تراشیدن سنگ صابون به دست می‌آمد. دو تکه هر قالب بر روی هم قرار می‌گرفت و سرب مایع از شیارهای ایجاد شده به طرف سوراخ‌ها هدایت می‌شد. وقتی‌که سرب سرد می شد، قالب را باز می کردند تا گلوله های تفنگ مشخص شوند.





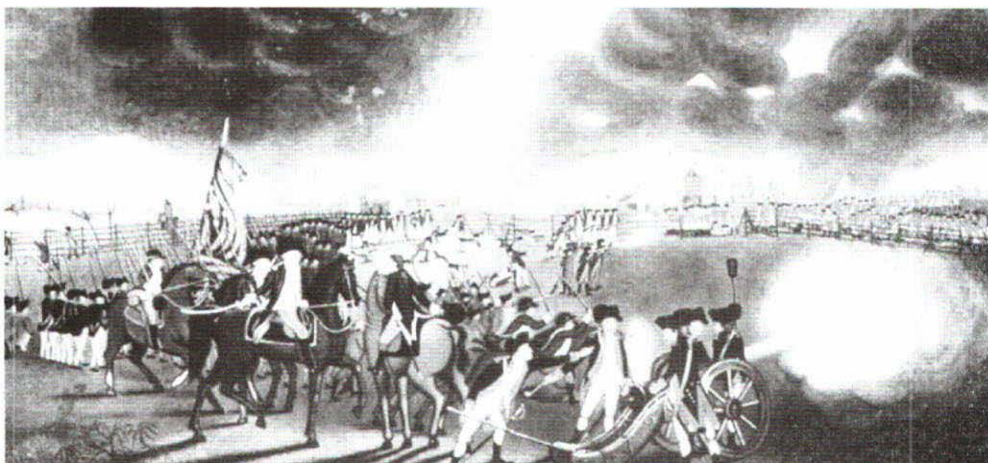
شیپور علامت دهنده ◀

طبل، نی، سوت و دمیدن در شیپورها برای رسانیدن دستورات به سربازان به کار می‌رفت. صدای شیپور در اوج نبرد نیز به آسانی شنیده می‌شد.



◀ مدافع چارلستون

کلنل ویلیام مولتیر از کارولینای جنوبی (۱۸۰۵ - ۱۷۳۰) قهرمان جزیرهٔ سالیوان در سال ۱۷۷۶ بود. مولتیر با داشتن ۲۱ توپ در مقابل آتش برتر ده ناو جنگی ارتش بریتانیا مقابله کرد. تنها نقطهٔ قوت نیروهای سالیوان، نسبت به نیروهای بریتانیا دقت بالاتر در هدف‌گیری بود.



دومین ضربهٔ غافلگیر کننده ▲

در اوایل ژانویه ۱۷۷۷، در جنگ ترنتون، ژنرال نیروهای متخاصم ارتش بریتانیا، لرد کرنوالیس، درصدد انتقام از واشنگتن برآمد، ولی طعمهٔ او، شب هنگام از دام گریخت. ارتش ۵۲۰۰ نفری واشنگتن به سرعت در پرینستون و در پشت جبهه کرنوالیس ضربهٔ مهلکی را متحمل شدند که ۴۰۰ کشته، زخمی و اسیر نتیجهٔ آن بود. در این نبرد ۴۰ نفر از میهن‌پرستان نیز کشته و زخمی شدند.



◀ از شکست تا پیروزی

در ۱۷۷۶ ارتش واشنگتن به طرف دلاور عقب نشینی کرد. او با عبور سربازان از روی رودخانه یخی، سربازان آلمانی را در ترنتون غافلگیر کرد. این پیروزی، فرمانده ارتش بریتانیا را حیرت زده کرد و او را متوجه ساخت که جنگ هنوز پایان نپذیرفته است.



تیغهٔ فولادی به بلندی ۳/۴ و ۵ اینچ

وسیلهٔ اصلاح سربازان ▲

هیچ یک از سربازان نیروهای درگیر در نبرد، ریش نداشتند. در زمان استراحت، سربازان از تیغ استفاده می‌کردند تا صورت خود را همیشه اصلاح شده نگه دارند.

جنگ لانگ آیلند ▼

در آگوست سال ۱۷۷۶، سِر ویلیام هاو، ۳۲۰۰۰ سرباز را به نزدیکی شهر نیویورک رساند. هاو ۲۰۰۰۰ سرباز را به مقابلهٔ ارتش ۸۰۰۰ نفری واشنگتن فرستاد که در لانگ ایلند مستقر بودند. میهن پرستان شکست خورده و در اِست ریور به دام افتادند، ولی در تاریکی شب، واشنگتن ارتش خود را به جزیرهٔ مانهاتان گسیل داد.





کلاه سربازان نارنجک دار آمریکایی ◄

بعضی از نیروهای میهن‌پرست مانند نیروهای بریتانیا، کلاه‌های بلند به سر می‌گذاشتند که نشان می‌داد آنها در گروه خاص نارنجک داران خدمت می‌کنند. این کلاه، متعلق به سرباز هنگ ۲۶ پیاده نظام کانتیننتال می‌باشد که در سال ۱۷۷۶ در ترنتون می‌جنگید.

طرح نارنجک بر روی کلاه

حملهٔ نافرجام نیروهای بریتانیا ▼

فرماندهٔ ارتش بریتانیا، سِر هنری کلینتون، تعداد نه عدد ناو جنگی و ۲۵۰۰ سرباز را در ژوئن سال ۱۷۷۶ به طرف چارلستون رهبری کرد. نیروهای کلینتون بر آن شدند تا به قلعه‌ای در جزیرهٔ سالیوان که از بندر محافظت می‌کرد، حمله کنند. ولی سربازان انگلیسی مجبور به عقب‌نشینی شدند. توپخانه‌های موجود در قلعه آنچنان به طرف کشتی‌های جنگی آتش ریخت که یورش نیروهای انگلیسی ناکام ماند و چارلستون ازخطر سقوط نجات پیداکرد. آن قلعه به افتخار فرمانده خویش، کلنل ویلیام مولتیر، قلعهٔ مولتیر نامگذاری شد.



بزرگ‌ترین جنگ‌ها

در آگوست سال ۱۷۷۷، سِر ویلیام هاو، ۱۵۰۰۰ نفر نظامی بریتانیا را به نزدیکی فیلادلفیا رساند تا با ارتش ۱۰۵۰۰ نفری واشنگتن در براندی واین رو در رو شود. ژنرال هاو به پیروزی رسید و فیلادلفیا را فتح کرد. البته هنوز ارتش شورشیان متحمل هیچ گونه تلفاتی نشده بود. واشنگتن در ماه سپتامبر به اردوگاه ارتش بریتانیا در ژرمن تاون پنسیلوانیا حمله کرد. این یورش، باعث عقب‌نشینی دشمن شد، ولی بی‌تجربگی آمریکایی‌ها باعث شد تا انگلیسی‌ها با یک ضد حمله به پیروزی برسند. دستگیر شدن برگوین در ساراتوگا در ماه اکتبر انگیزه‌ای برای انقلاب بود. در طول زمستان، سال‌های ۷۸- ۱۷۷۷ در درهٔ فورج، نیروهای واشنگتن در طی مانورهایی آموزش‌های لازم را دیدند و به سربازان خبره و تمام عیار تبدیل شدند. با آمدن تابستان، آن‌ها آمادهٔ حمله به نیروهای دشمن به فرماندهی سِر هنری کلینتون شدند. کلینتون به جای ژنرال هاو فرماندهی نیروها را به‌دست گرفته بود. کلینتون فیلادلفیا را رها کرد و نیروهای خود را از نیوجرسی به طرف نیویورک گسیل داد. واشنگتن به او در مان موث حمله کرد و جنگ بدون برد و باختی به پایان رسید. حرکت بعدی واشنگتن حرکت نیروها به درهٔ هادسون به‌منظور ادامهٔ محاصره نیویورک بود.

◄ آنتونی وِین (۹۶ – ۱۷۴۵)

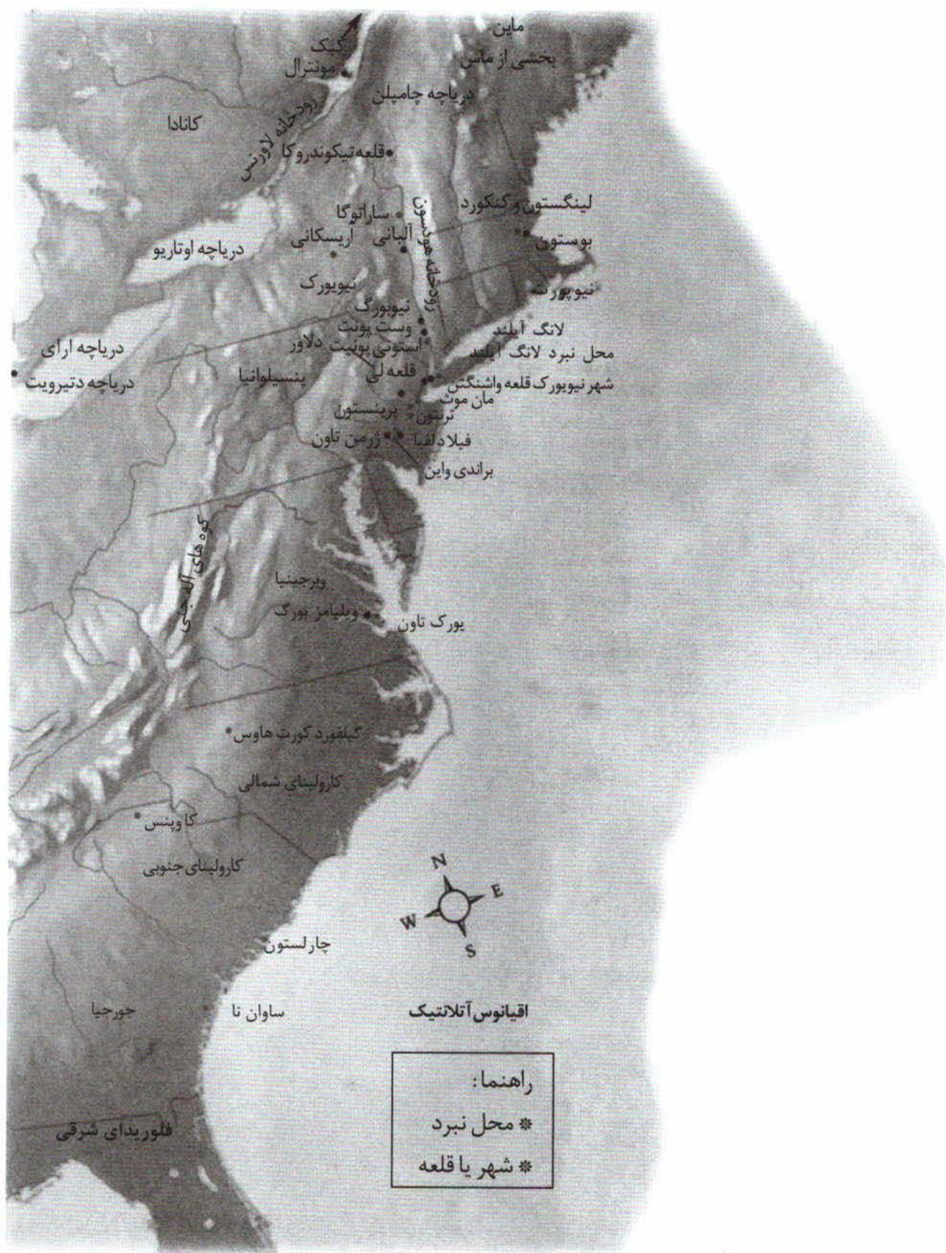
وِین فرمانده‌ای سلطه‌جو از نیروهای کانتیننتال بود که به «آنتونی دیوانه» مشهور بود، زیرا روح بی‌پروایی داشت. با وجود اینکه از اهالی پنسیلوانیا بود، در لشکرکشی‌های مان موث و فیلادلفیا در ۷۸ – ۱۷۷۷ و کانادا جنگید. او به خاطر حمله به استونی پوینت بر روی رودخانهٔ هادسون در ۱۷۷۹ مشهور شد.



جنگ افزارهای کشنده ◄

نیزه، نشان دهندهٔ رتبه و درجه و سلاحی بود که در نبردهای نزدیک کاربرد داشت. در ابتدا، ستوان‌های ارتش تبرزین جنگی حمل می‌کردند و افسران، نیزه داشتند. با گذشت زمان، تبرزین جنگی جای خود را به شمشیرهای مؤثرتر و یا تفنگ با سرنیزه داد.





در طول جنگ ▲

در سال ۱۷۷۷، هاو به طرف فیلادلفیا حرکت کرد و واشنگتن را در براندی واین و ژرمن‌تاون شکست داد. هاو مجبور به استعفا شد، این استعفا به خاطر ناتوانی در نابودی ارتش واشنگتن و عدم پشتیبانی از برگوین که در ساراتوگا زندانی بود، صورت گرفت. فرماندهٔ جدید ارتش بریتانیا سِر هنری کلینتون، در اواسط سال ۱۷۷۸ فیلادلفیا را ترک کرد. و به نیویورک بازگشت، سپس کلینتون نیروهای خود را به امید اینکه آن مناطق را آرام سازد به طرف جنوب به حرکت درآورد.



حمله به چو هاوس درژرمن تاون ▲

اولین حملهٔ آمریکایی‌ها به ژرمن تاون دشمن را عقب راند. تا اینکه ۱۲۰ سرباز نظامی انگلیسی مانعی در استونی هاوس ساختند که متعلق به خانوادهٔ چو بود. آمریکایی‌ها نمی‌توانستند خانه را به تصرف خود در آورند و پیشروی آن‌ها متوقف شد. سپس سردرگمی در مه غلیظ باعث شد که بعضی از آمریکایی‌ها به یکدیگر شلیک کنند که این کار به ترس و نگرانی در ارتش مبدل شد و ارتش واشنگتن مجبور به عقب نشینی شد.



دانیل مرگان (۱۸۰۲ - ۱۷۳۶) ◄

رهبر جبههٔ نبرد، ژنرال مرگان، در مقابل برگوین و هاو جنگید. او فرماندهٔ با تجربهٔ تک تیراندازان بود و پیروزی بزرگش شکست دادن نیروهای ۱۱۰۰ نفری در کاوپنس کارولینای جنوبی بود.





«BROWN BESS» ارتش بریتانیا ◄

تفنگ‌های سربازان انگلیسی به خاطر رنگ قهوه‌ای لولهٔ آن‌ها «BROWN BESS» نامیده می‌شد. این تفنگ‌ها گلوله‌های ۰/۷۵ کالیبری شلیک می‌کرد و اهداف خود را تا ۷۵ یاردی به طور دقیق مورد اصابت قرار می‌داد. هر سرباز از سمبه و برس برای تمیز کردن باقیماندهٔ پودر باروت سیاه استفاده می‌کرد که سوراخ‌های فتیله را می‌گرفت. این سوراخ‌ها بایستی تمیز باشد تا جرقه بتواند باروت را آتش بزند.

تفنگ‌های فتیله‌ای

جنگ مان موث

وقتی که ارتش ۱۰۰۰۰ نفری کلینتون در ژوئن سال ۱۷۷۸ فیلادلفیا را ترک کرد، واشنگتن تصمیم به حمله گرفت بنابراین، او ژنرال چارلز لی را با ۶۴۰۰ سرباز برای شروع عملیات فرستاد، ولی وقتی که لی با تیپ‌های تحت فرماندهی کلینتون روبرو شد، اعتماد به نفس خود را از دست داد و عقب نشینی کرد. واشنگتن در یک لحظهٔ حیاتی با ۷۰۰۰ نیرو وارد شد تا از عقب‌نشینی جلوگیری کند. و در حالی‌که از دست لی عصبانی بود، فرماندهی را به دست گرفت و چند حمله را پایه‌ریزی کرد. هر کدام از طرفین ۳۶۰ نفر تلفات دادند. سربازان انگلیسی کنترل صحنهٔ نبرد را در دست گرفتند، ولی شب هنگام به طرف نیویورک عقب‌نشینی کردند. مان موث، محل آخرین نبرد اصلی در شمال بود.



واشنگتن جلوی عقب‌نشینی لی را گرفت ▲

در حالی که ژنرال لی با دستهٔ خود در حال عقب نشینی کامل بود، واشنگتن وارد شد و با عصبانیت دلیل این عقب‌نشینی را خواستار شد. لی که خود یک افسر سواره نظام اسبق ارتش بریتانیا بود، ادعا کرد که نیروهای او تاب مقاومت در مقابل چنین ارتش نیرومندی را ندارد. واشنگتن از عصبانیت منفجر شد و ژنرال را به پشت جبهه فرستاد و با فرمان خود نیروها را به جنگ فرا خواند. لی در دادگاه نظامی محاکمه و از خدمت معلق گردید.



مالی پیچر در مان‌موث می‌جنگد ◄

زنانی که برای مردانشان در جنگ آب حمل می‌کردند با نام مستعار «مالی پیچر» شناخته می‌شدند. یکی از مشهورترین آن‌ها ماری لودویگ هیز نام داشت که شوهرش توپچی اهل پنسیلوانیا بود و در جنگ مان‌موث زخمی شد. ماری جای شوهر خود را گرفت و واشنگتن بعد از جنگ شخصاً از ماری به خاطر شجاعتش تقدیر کرد.

پیروزی در ساراتوگا

ارتش سلطنتی در ژوئن سال ۱۷۷۷ بر روی رودخانه چامپلن به همراه صدها کشتی بزرگ و کوچک به فرماندهی ژنرال انگلیسی، جان برگوین، به حرکت درآمد. تعداد نیروها به ۷۰۰۰ نفر می‌رسید که شامل سربازان انگلیسی، آلمانی، وفاداران آمریکایی سلطنت و چند صد هزار جنگجوی سرخپوست بودند. هدف برگوین، تسخیر آلبانی در نیویورک و پیوستن به ارتش بریتانیا بود که اطراف شهر نیویورک استقرار داشتند. در ماه جولای، او قلعهٔ تیکوندروگا را به تصرف درآورد. نیروهای انگلیسی به آرامی به طرف پایین رودخانه هادسون و شمال آلبانی به حرکت در آمدند، ولی در آگوست، بخشی از ارتش در نزدیکی بنینگتون و ورمونت شکست خورد. در ماه اکتبر، بعد از یک ماه نبرد سخت در ساراتوگا، کل نیروهای تحت فرماندهی برگوین شکست خوردند و اسیر شدند. این جنگ نقطهٔ عطف انقلاب بود و فرانسوی‌ها را متقاعد کرد که جنبش آمریکا ارزش پشتیبانی را دارد.

مسیر جنگ ◄

ناحیهٔ رودخانهٔ چامپلن و رودخانهٔ هادسون مسیری طولانی و استراتژیک برای عملیات نظامی بود؛ برگوین گمان می‌کرد با تسخیر این ناحیه می‌تواند نیوانگلند را از بقیهٔ مستعمره ها جدا کند.

◄ جان برگوین



برگوین، ژنرال شجاع، اعتماد پادشاه جورج سوم را جلب کرد. پادشاه در سال ۱۷۷۷ او را به فرماندهی ارتش سلطنتی در شمال انتخاب کرد. برگوین، قدرت مخالفت نیروهای آمریکایی را دست کم گرفته بود. آمریکایی ها نیرو های او را در ساراتوگای نیویورک، محاصره کرده و به اسارت گرفتند.



گیتسِ فاتح ◄

ژنرال هوراسیو گِیتس با فرماندهی کل ارتش آمریکا و با پیروزی در نبرد ساراتوگا، اعتبار فراوانی به دست آورده بود. در واقع، او در مرکز فرماندهی و خارج از میدان جنگ به وسیلهٔ دستیارانش آرنولد و دیگران، نیروهایش را در عملیات رهبری می‌کرد.



شکست ژنرال فریزر ▲

خبره‌ترین افسر ارتش بریتانیا در ساراتوگا، ژنرال سایمون فریزر بود که تک تیرانداز آمریکایی او را از بالای درخت مورد اصابت گلوله قرار داد و کشت. فریزر در مستعمره‌ها و در زمان جنگ های فرانسوی ها و سرخپوستان حضور داشت و فرماندهی محبوب بین نیروهایش بود. او اغلب دربارهٔ نقشه های نادرست برگوین بحث می کرد. ولی فرماندهٔ مغرور او، فریزر را نادیده می گرفت.



◀ طبل سربازان انگلیسی

هر هنگ در ارتش بریتانیا گروهی نوازنده داشت که در جلوی رژه روندگان حرکت می کردند و نیز در جنگ برای حمل زخمی ها از آن ها کمک می گرفتند. این طبل متعلق به هنگ نهم پیاده نظام، یعنی هنگ سلطنتی در شمال، توسط آمریکایی ها در نبرد ساراتوگا به غنیمت گرفته شد.



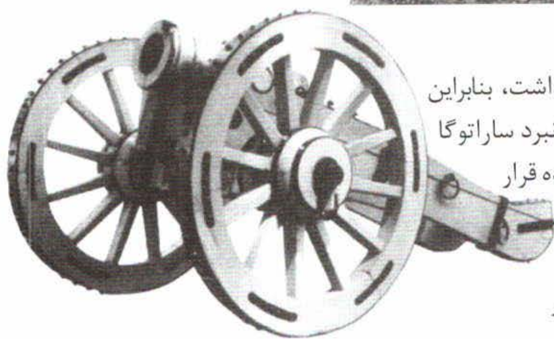
تفنگ‌هایی خاص برای تک تیراندازی ▲

دقیق‌ترین اسلحهٔ روز، تفنگ هایی بود که تک تیراندازان و تفنگ داران سواره در دو ارتش استفاده می کردند. این تفنگ‌ها با ریختن مقدار مشخصی باروت به داخل لولهٔ تفنگ پر می‌شدند. بعد از آن گلولهٔ سربی با سر چوبی به داخل لوله فرستاده شده و با سمبه‌ای کاملا کوبیده می‌شد.



◀ آرنولد قهرمان

قبل از اینکه بندیکت آرنولد به جنبش خیانت کند و به نیروهای بریتانیایی بپیوندد، از بهترین ژنرال‌های ارتش آمریکا بود. او رهبری حمله‌ای را به مدافعین آلمانی در نبرد ساراتوگا به عهده داشت که در طول این حمله هنگامی که سوار بر اسب بود از ناحیهٔ پا مورد اصابت گلوله قرار گرفت.



جایزهٔ جنگی ◀

ارتش آمریکا هیچ گاه به اندازهٔ کافی توپخانه نداشت، بنابراین توپ‌های انگلیسی مانند این خمپاره انداز که در نبرد ساراتوگا به غنیمت گرفته شده بود، در صورت نیاز مورد استفاده قرار می‌گرفت. از جمله این خمپاره انداز؛ کسانی که آن را به غنیمت گرفته بودند، این عبارت را بر روی آن نوشته‌اند: « تسلیم شده توسط انجمن ساراتوگا در ۱۷ اکتبر ۱۷۷۷.»



برگوین شمشیر خود را به نشان شکست تقدیم می‌کند ▲

در مراسم تسلیم شدن برگوین در نبرد ساراتوگا، ژنرال گیتس به عنوان فاتح جنگ، پذیرفت که مغلوب جنگ (برگوین) شمشیر خود را به فاتح نبرد تقدیم کند. (ایستاده در قسمت راست تصویر، افسران آمریکایی که نظاره‌گر ماجرا هستند و افسران نیروهای سلطنت در سمت چپ). بر طبق رسوم نظامی، گیتس فقط به شمشیر دست زد و شمشیر برگوین را به عنوان نشان شجاعت به او بازگرداند. تسلیم شدن برگوین، به هیچ عنوان بدون قید و شرط نبود.

حمله به مرزها

در طول انقلاب مردمان بومی مستعمره ها در طرفداری از دولت بریتانیا یا کنگرهٔ کانتیننتال سرگردان مانده بودند و در وضعیت مناسبی به سر نمی‌بردند. سرخپوستان از این امر واهمه داشتند که با پیروزی میهن‌پرستان سفیدپوست، سرزمین‌هایشان مورد تاخت و تاز قرار بگیرد، بنابراین بیشتر قبایل به بریتانیای کبیر وفادار ماندند. به امید آنکه پادشاه از آن‌ها حمایت خواهد کرد، تقریباً ۱۳۰۰۰ جنگجو برای پادشاه جنگیدند. تنها چند صد نفر با لشکر شورشیان همراه شدند. و هزاران نفر بی‌طرف ماندند. جنگ های سخت میان سرخپوستان و سفیدها در مرزها در گرفت که از نیویورک تا جورجیا ادامه داشت. در اوایل جنگ، سرخپوستان وفادار به بریتانیا توسط نیروهای انقلاب در جنوب شکست خوردند، ولی در درهٔ موهاک در نیویورک، ساکنان ایروکوا تحت فرماندهی رئیس ژوزف برانت به سفیدپوستان وفادار به تاج و تخت و سربازان انگلیسی پیوست و برای چندین سال به استحکامات میهن‌پرستان حمله کرد. جنگجویانی که به وسیلهٔ ارتش بریتانیا مسلح شده بودند و از شمال شرق کنتاکی، اوهایو، ایندیانا و ایلینویز آمده بودند به استحکامات مرزی و مزارع حمله‌ور شدند. مرزبانان ویرجینا به فرماندهی جورج راجر کلارک در سال‌های ۷۹ – ۱۷۷۸ به شمال شرق یورش بردند و فرماندهٔ انگلیسی آن منطقه را دستگیر کردند و حملاتی که به آن منطقه صورت می گرفت، کاهش دادند.



هدیه های افتخار آمیز ◄

جوجت‌ها، صفحه‌های طرح داری بودند که افسران به گردن می‌انداختند. این طوقه‌ها نشانگر درجهٔ افسران بود. بعضی از این پلاک ها، از طرف دولت مستعمراتی به صورت افتخاری به رؤسای بومی اعطا می‌شدند. گفته می‌شود که طوق نقره‌ای با نوار دور گردن متعلق به ژوزف برانت از اهالی ایروکوا است.



◄ **ژوزف برانت (۱۸۰۶ – ۱۷۴۲)**

وی از سوی مردمان ایروکوا به نام THAYENDANEGA نامیده شد. برانت در طول انقلاب به سلطنت وفادار ماند. وی در مدرسهٔ سرخپوستان کنتاکی تحصیل کرده بود و به عنوان محرم اسرار، در امور سرخپوستان از جانب بریتانیا انتخاب شد و بعد از آن نیز نیروهای ایروکوا را برای جنگ با شورشیان در مرزهای نیویورک رهبری کرد.



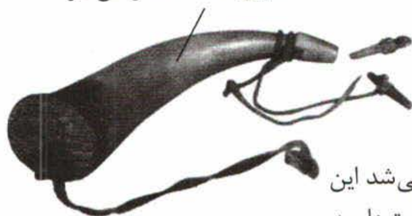
قتل عام در اُریسکانی ▲

در سال ۱۷۷۷، لشکری از بریتانیایی‌ها، وفاداران پادشاه و اهالی ایروکوا از کانادا به نیویورک حمله کردند و از کنار رودخانهٔ موهاک شروع به پیشروی کرده و قلعهٔ استانویکس را مورد حمله قرار دادند، ولی قلعه سقوط نکرد. شبه نظامیانی که برای دفاع از قلعهٔ استانویکس آمده بودند در اریسکانی با نیروهای ایروکوا به فرماندهی ژوزف برانت، روبرو شده و آن‌ها را غافلگیر کردند، ولی نیروی تازه نفس از میهن پرستان باعث شدند تا مهاجمین عقب‌نشینی کنند و قلعهٔ استانویکس نجات یافت.



◀ جورج راجرز کلارک (۱۸۱۸ - ۱۷۵۲)

این مرزبان از اهالی ویرجینیا، قبل از انقلاب در درهٔ اوهایو و کنتاکی کاشف و نقشه‌بردار بود. کلارک، شبه نظامیان و میهن‌پرستانی از منطقه را رهبری می‌کرد که از استحکامات شمال شرق در مقابل حملات وفاداران پادشاه و متحدان سرخپوستان آن ها دفاع می‌کردند. در سال ۱۷۷۸، او گروهی را به داخل منطقهٔ ایلینوی رهبری کرد و قلعهٔ مهم و کلیدی دشمن را به تصرف خود در آورد.



شیپور مخصوص نگهداری باروت ◀

شیپورهای ساخته شده از شاخ گاو که درپوش چوبی برای محافظت و تسمه‌ای از چرم گاو برای حمل داشتند، وسیله‌ای مناسب برای نگهداری باروت سیاهی بودند که در تفنگ‌های لوله بلند مصرف می‌شد این وسیله حتی در شرایط بد جوی ابزاری مناسب برای محافظت از باروت‌ها بود.

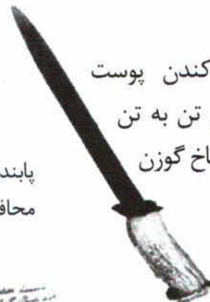
اسلحه های خطرناک

میهن‌پرستان در جنگ کنتاکی و ویرجینیا در مرزها، به نام لانگ نایوز معروف شده بودند. زیرا آن‌ها چاقوهای بلند شکار با خود داشتند. در طول انقلاب، دسته‌های پیشاهنگی این نفرات شدیداً با سرخپوستان وفادار پادشاه می‌جنگیدند. در سال ۱۷۷۸، دویست نفر از گروه لانگ نایوز به فرماندهی جورج راجرز کلارک به جنگل‌های قدیمی شمال شرق، اوهایو، ایلینویز و ایندیانا حرکت کردند، تا نیروهای مستقر در مناطق حساس نظامی ارتش بریتانیا را غافلگیر کنند. کلارک قلعه‌های ونسان و کاسکاسکی را فتح کرد و فرماندهٔ سربازان انگلیسی کلنل ناوبان هنری همیلتون را به زندان انداخت. در نتیجه، ارتش بریتانیا فقط قلعهٔ دیترویت را در شمال شرق در تصرف خود داشت.



تفنگداران آمریکایی ◀

تفنگداران آمریکایی نیروهای بسیار نیرومندی بودند و به خوبی جنگجویان سرخپوست، چگونگی جنگ در جنگل را می‌دانستند. این تفنگداران لباس‌های شکار و پابند و کلاه‌های لبه‌دار به تن داشتند و تبرزین و یا چاقوهای لبه بلند حمل می‌کردند و مانند تک تیراندازان و پیشاهنگان، آنها نیز به منظور محافظت از استحکامات و مراقبت از حرکات گروه‌های دشمن، راه‌های جنگل را زیر نظر می‌گرفتند. این مرزبانان اغلب، دشمن را غافلگیر می‌کردند و گاهی به وسیلهٔ نیروهای دشمن غافلگیر می‌شدند.



چاقوی شکار ◀

مرزبانان از چاقویی مناسب برای کندن پوست حیوانات، آماده کردن غذا و جنگ‌های تن به تن استفاده می‌کردند. دستهٔ این چاقوها از شاخ گوزن ساخته شده بود.



◀ شرایط پذیرفتن شکست

کلارک، با حرکت دادن ۲۰ عدد پرچم به جلو و عقب در پشت بیشه‌ها و نواختن طبل، همیلتون را فریب داد که نیروی شورشی عظیمی دور قلعه را محاصره کرده است. همیلتون سریعاً شرایط شکست را امضا کرد.



قلعهٔ ساکویل به تصرف کلارک درآمد ▲

کلنل جورج راجرز در لشکرکشی خود در سال ۷۹ – ۱۷۷۸ رهبری پیشروی فرسایشی را در زمستان برای تسخیر قلعهٔ ساکویل در ونسان بر روی رودخانهٔ واباش به عهده داشت. فرماندهٔ انگلیسی، هنری همیلتون، منطقهٔ محل خدمت خود را به کلارک واگذار کرد و پیش‌بینی کرد که میهن‌پرستان کنترل منطقهٔ بزرگی را به دست خواهند گرفت، که شامل ایندیانا و ایلینویز نیز خواهد بود.

سربازان در زمستان

با فرا رسیدن زمستان، نیروهای آمریکایی بایستی در شرایط سخت شمالی به نبرد ادامه می‌دادند. اگرچه نیروهای هر دو ارتش در آب و هوای بد زمستان در اقامتگاه‌های خود بودند، واشنگتن همیشه آمادگی حمله به نیروهای دشمن را داشت. در زمستان ۷۹ – ۱۷۷۸ ارتش کوچک او در هنگام ورود به درهٔ فورج پنسیلوانیا ضعیف و گرسنه بود. ولی با آمدن بهار، آن ارتش به نیروی نظامی مستحکمی تبدیل شده بود. تقویت نیروها مرهون فعالیت های افسر اسبق پروشان، به نام بارون فردریش وان اشتوبن بود که برای ماه‌ها افسران و نفرات ارتش را آموزش می‌داد. اقامتگاه های زمستانی بیش از آنکه مکانی برای تمرین نظامی باشد مأمنی برای پناه گرفتن از سرمای سخت تلقی می‌شد. ارتش هر ساله محل اردوی خود را تغییر می‌داد، کلبه‌های چوبی و پناهگاه‌ها برای چهارپایان، تجهیزات و آذوقه نفرات به کمک همدیگر تهیه و ساخته می‌شد. با این حال نیاز به اقامتگاه ها همیشه محسوس بود. برای مثال، در موریس تاون نیوجرسی، ارتش واشنگتن بیش از ۱۲۰۰ محل، برای نگهداری تجهیزات خود نیاز داشت.

خدمت در آب و هوای سرد زمستان ◄

تجهیزات نظامی در سرتاسر زمستان بایستی محافظت می‌شد، بنابراین مأمورانی مانند این سرباز لرزان برای محافظت از این تجهیزات گماشته شده بود. این سرباز برای محافظت از خود، به هر وسیله‌ای متوسل شده است. وی کت پالتویی ضخیمی پوشیده و از پارچه برای محافظت از سر و پای خود استفاده کرده است.



◄ بارون فردریش وان اشتوبن

سربازی از منطقه‌ای به نام پروشا در درهٔ فورج به خدمت ارتش واشنگتن در آمد و تشکیلاتی را جهت تعلیم سربازان بنیانگذاری کرد. این نجیب زاده، افسران ارتش را آموزش می‌داد. این افسران به نوبهٔ خود نفرات تحت فرماندهی خود را از آموخته های خویش آگاه می‌ساختند.


REGULATIONS

Order and Discipline

TROOPS

UNITED STATES

PART I.

PHILADELPHIA

نوشته‌های وان اشتوبن ◄

بارون وان اشتوبن نوشته‌ای تحت عنوان مقررات و نظام نامهٔ ارتش ایالات متحده را نگاشت که با استفاده از آن کل ارتش آمریکا را آموزش می‌داد.



بازدید از نیروها ▲

ژنرال واشنگتن از مرکز فرماندهی خود خارج شده و در حال بازدید از نفرات و حصول اطمینان از سلامتی آن‌هاست. به همراه او داوطلبی از نیروهای فرانسوی به نام مارکوس دو لافایت می‌باشد و به واشنگتن از آماده بودن نگهبانان، مانند سربازی که خبردار جلوی او ایستاده است، اطمینان خاطر می‌دهد.

سُرخوردن بر روی یخ ◄



این گیره های آهنی که با تسمه‌های چرمی به کفش‌ها یا پوتین‌های نظامی وصل می‌شد، سربازان را قادر می‌ساخت که بر روی سطوح یخی به راحتی حرکت کرده و از سر خوردن آن‌ها جلوگیری کند. این گیره‌ها برای افرادی مناسب بود که در زمستان در خارج از اردوگاه به کارهایی مثل نگهداری از چهارپایان، ساختن پناهگاه و آوردن آب و هیزم مشغول بودند.



◄ نگهبان شخصی واشنگتن

این سرباز چالاک، عضو گروهی است که محافظ جان ژنرال واشنگتن در اردوگاه زمستانی بود. به این گروه خاص، محافظ یا لایف‌گارد می‌گفتند که در طول جنگ تعدادشان به ۲۵۰ - ۱۸۰ نفر می‌رسید. نفرات این گروه از مرکز فرماندهی محافظت و در نزدیکی محل اقامت ژنرال زندگی می‌کردند.



ساز دهنی ◄

این ساز را با قرار دادن میان دندان‌ها و مرتعش ساختن ویبراتور فلزی می‌نواختند. وقتی چنگ بین دندان‌ها قرار می‌گرفت. با دمیدن هوا ویبراتور فلزی به ارتعاش درمی‌آمد.

جعبهٔ افسران ▼

اشیایی که هر افسر آمریکایی با خود به اردوگاه می‌آورد در این جعبه چرمی نگهداری می‌شد. جعبه، آستری آبی رنگ داشت و با میخ‌های سر پهن برنجی بسته می‌شد تا در هنگام حمل و نقل آسیبی به محتویات آن نرسد.





انیفورم افسران

قرارگاه زمستانی سربازان ▲

اقامتگاه های کوچک، ولی گرم، هر کدام گنجایش ۱۲ نفر را داشت. سربازان در تختخواب‌های ۳ طبقه می‌خوابیدند. کاه با پوشش پتو به جای تشک استفاده می‌شد. بر روی همین رختخواب‌ها، سربازان وسایل شخصی خود، از جمله لباس، نامه، کتاب دعا و برگه‌های بازی را قرار می‌دادند.

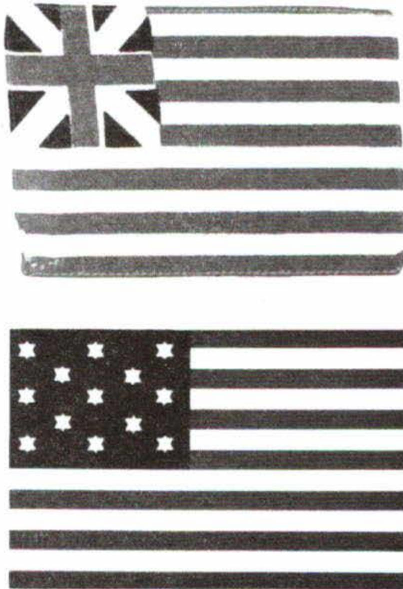


ساختن پناهگاه‌های چوبی در زمستان ▲

در هنگام بازگشت ارتش آمریکا از لشکرکشی تابستانهٔ خود هنوز هوا سرد بود و برف می‌بارید. نیروها بایستی در ابتدا، اردوگاه‌های خود را می‌ساختند. شمار آنها به صدها تن می‌رسید. نفرات، درختان را در جنگل قطع کرده و به محل ساختن اردوگاه می‌آوردند. از سوی دیگر گروهی گاو میش‌ها را با بارهای سنگین بر روی برف حرکت می‌دادند تا مسیرها صاف شده و برای عبور و مرور آماده گردد.

سمبل آزادی

پرچم اولیهٔ ایالات متحده دارای ۱۳ خط - به نشانهٔ ۱۳ ایالت - و نشان پرچم انگلیس، به افتخار میراث مستعمره های بریتانیا بود. در مسیر کسب استقلال، کنگره، پرچم جدیدی را با نشان ستاره ها به عنوان تعداد ایالت های آمریکا پذیرفت. زنگ آزادی فیلادلفیا که در زمان جشن اعلامیه آزادی نواخته شد، سمبل انقلاب معرفی گردید. همچنین ابزار استفاده شده توسط سربازان در میدان نبرد و آنچه میهن پرستان با خود داشتند، هر کدام نماد آزادی معرفی گردیدند. سربازان انگلیسی برای استهزاء آمریکایی‌ها شعر معروف و آهنگینی به نام «آزادی یانکی دو دل» را می‌خواندند. اشعار جدیدی نیز به سرعت به وسیلهٔ میهن پرستان ساخته شد که بیان کنندهٔ غرور و تعصب انقلابی بود. سمبل دیگر انقلاب، کلاه آزادی بود که برای سال های متمادی از قسمت‌های متشکل بادنماها به حساب می‌آمد و محبوبیت زیادی داشت.



رنگ‌های ملی ◀

اولین پرچم آمریکا، به اتحادیهٔ بزرگ معروف بود. و از پرچم انگلیس و ۱۳ خط به نشانهٔ ۱۳ ایالت آمریکا تشکیل می‌شد. در ۱۴ ژوئن ۱۷۷۷، کنگره تصمیم گرفت تا پرچم ایالات متحده از ۱۳ ستاره بر روی زمینهٔ آبی و ۱۳ خط قرمز و سفید تشکیل شود. هیچ طرح خاصی برای چیدمان ستاره ها در نظر گرفته نشد. بنابراین در ابتدا طرح‌های مختلفی مطرح گردید. یک طرح، قرار دادن ستاره ها درون دایره بود و یک طرح دیگر چیدمان ستاره ها، مانند شکلی است که می بینید.



◀ شعر مبارزه

در اوایل انقلاب، شعر یانکی دو دل به وسیلهٔ سربازان انگلیسی و برای تمسخر شبه نظامیان نیوانگلند، یانکی ها، خوانده می‌شد که آن ها را احمق خطاب می‌کرد. بعدها، هنگامی که یانکی ها در جنگ به پیروزی رسیدند، همین شعر را بر علیه ارتش بریتانیا، با کلمات میهن‌پرستانه و با آهنگی جدید می‌خواندند.



داستان بتسی راس ▲

در سال ۱۷۷۷ ایالت متحدهٔ جدید به یک رنگ ملی نیاز داشت که جایگزین پرچم اتحادیهٔ بزرگ شود که شامل پرچم انگلیس نیز بود. به محض تصویب طرح جدید ستاره و خط توسط کنگره، ژنرال واشنگتن از خیاطی از اهالی فیلادلفیا به نام بتسی راس خواست تا اولین پرچم ملی را بدوزد. هیچ گواه تاریخی غیر از خانوادهٔ راس برای صحت این موضوع وجود ندارد. به هر حال این مطلب در تواریخ به طور مکرر آورده شده و به طرق مختلف به تصویر کشیده شده است.



زنگ آزادی ◄

در سال ۱۷۵۱ پنسیلوانیا به پارلمان زنگی را داد که بر روی آن نوشته شده بود: اعلام آزادی در تمام سرزمین‌ها. این زنگ بعد از اولین مرتبه نواخته شدن ترکی برداشت که بایستی ترمیم می‌شد. بعد از ترمیم و همزمان با تصویب شدن لایحهٔ تمبر نفرین شده، این زنگ مجدداً در سال ۱۷۶۵ به نشان غم و اندوه نواخته شد و در هنگام لغو این لایحه و به نشانهٔ شادی باز هم به صدا در آمد.

در سال ۱۷۷۶ این زنگ برای اعلام آزادی نواخته شد و دوباره در سال ۱۸۳۵ ترک برداشت.



◀ طبل و نی آزادی

این نی، از چوب درخت سیب ساخته می‌شد و شخصی از اهالی کنکورد (ماساچوست) به‌نام جانتان کرتیس آن را می‌نواخت. طبل، متعلق به یک شبه نظامی به نام ویلیام دایموند از لکسینگتون در ماساچوست بود. طبل برای اعلام جمع شدن نفرات و مقابله با سربازان انگلیسی در ۱۹ آوریل ۱۷۷۵ نواخته شد. لکسینگتون کامن، جایی است که اولین گلوله‌های جنگ شلیک شد.



کلاه آزادی آهنی ◀

یکی از سمبل های انقلاب آمریکا، یک کلاه بافته شده با منگوله می‌باشد که به «کلاه آزادی» معروف است. این کلاه به منظور مخالفت و برای اظهار موقعیت رادیکال سیاسی پوشیده می‌شد. این کلاه آن‌قدر معروف بود که نوع آهنی آن به جای بادنما ساخته و رنگ شد و در بالای خانه ها و انبارها با افتخار نصب گردید.



◀ هدیهٔ فرانکلین به واشنگتن

بنجامین فرانکلین در وصیت نامهٔ خود تصریح کرده که « چوبدستی او که از چوب درخت سیب، با سری طلایی که به شکل کلاه آزادی است» به دوست او و دوستدار انسانیت « ژنرال واشنگتن» داده شود. فرانکلین در سال ۱۷۹۰ در گذشت.

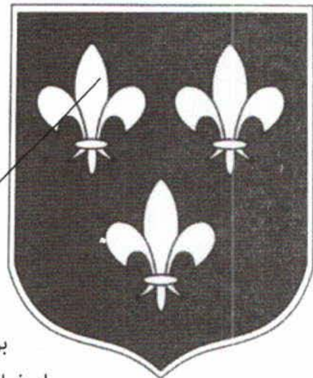
فرانسه متحد می‌شود

آمریکا با نا امیدی نیازمند تجهیزات نظامی، پول و نیروی دریایی بود. برای این منظور، بایستی متحدانی پیدا می‌کرد. فرانسه کشوری که مشتاق انتقام‌گیری از نیروهای بریتانیا در جنگ هفت ساله بود، مشخص‌ترین گزینه برای اتحاد با آمریکا به شمار می‌رفت. در اواسط سال ۱۷۷۶، فرانسه مخفیانه به منظور پشتیبانی از انقلاب، تجهیزات و کمک مالی برای نیروهای انقلاب فرستاد، ولی مقدار آن بیشتر از حد نیاز بود. آن سال، فرانکلین به فرانسه رفت تا با پادشاه فرانسه، لوئی شانزدهم به طور رسمی پیمان اتحاد ببندد. فرانکلین که در فرانسه در جایگاه دیپلمات، مخترع و نویسنده مورد احترام و اکرام بود، مسئولیت گروه مذاکره کنندگان را به عهده داشت. در این گروه، جان آدامز نیز حضور داشت. آمریکایی ها در وزارت خارجه دوستی به نام کنت ورجانس پیدا کردند که فکرهایی در سر داشت. هر روز پول نقد، هدایا و وام به آمریکا می‌رسید و به همان نسبت تجهیزات نظامی با کشتی وارد می‌شد. در اوایل ۱۷۷۸، فرانسه و بریتانیا در شرف جنگ بودند. افسران ماجراجوی فرانسوی داوطلب شدند تا برای ارتش آمریکا بجنگند. به تدریج، بیش از ۱۲۰۰۰ نیروی فرانسوی در آمریکا و تحت فرماندهی واحد کنت روشانبن به مبارزه پرداختند.



نجیب زادگان داوطلب ◄

در ۱۷۷۷، نجیب‌زادهٔ فرانسوی، مارکوس لافایت، داوطلب شد که به ژنرال واشنگتن کمک کند. بر خلاف بسیاری از افسران فرانسوی که خواستار درجه‌های بالای نظامی بودند، لافایت هر وظیفه‌ای را که به او محول می‌شد، انجام می‌داد. او با نشان یک افسر عالی و ممتاز، به سرعت به درجهٔ ژنرالی نایل شد.



◄ **نشان سلطنتی فرانسه**

گل زنبق بر روی علامت خانوادگی بوربون، نشان سلطنتی فرانسه، نقش بسته است.

طرح گل و نشان سلطنتی فرانسه



نقش تاج



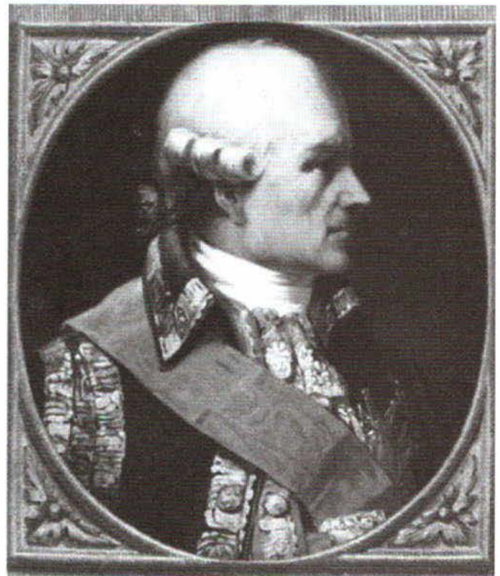
تصویر پادشاه لوئی شانزدهم

لوئی طلایی ◄

این سکهٔ طلایی فرانسوی، پیشکشی بود که هزار تکه از آن به عنوان هدیه از فرانسه به آمریکا وارد شد. بر روی آن نشان خانوادگی سلطنتی و تصویر لوئی پادشاه فرانسه حک شده بود و کمک کرد تا اوضاع به سود انقلاب ورق بخورد.



فرانکلین در دربار فرانسه ◀
فرانکلین، دانشمند، مخترع، فیلسوف، نویسنده و دیپلمات مشهوری بود. در سال ۱۷۷۷ او و گروه نمایندگان به دربار فرانسه رسیدند و به گرمی از آن‌ها استقبال شد. در کاخ سلطنتی ورسای، به دیدار پادشاه لوئی شانزدهم رفتند و پادشاه تأیید کرد که پشتیبانی نظامی و مالی در به پیروزی رساندن انقلاب، مهم و حیاتی است.



▶ فرماندهٔ فرانسوی
رهبر نیروهای فرانسوی در شمال آمریکا، ژان باستیت دوناتین دو ویمور، کنت روشامبو بود که احترام زیادی برای جرج واشنگتن قائل بود. روشامبو، رهبری ۷۰۰۰ نیروی تا دندان مسلح فرانسه را به عهده داشت. او با واشنگتن و نیروهای آمریکایی با وجود ضعف شدیدشان، رفتاری یکسان داشت. در مقطعی، روشامبو نصف بودجه جنگ خود را به واشنگتن تقدیم کرد.



چخماق تفنگ های فرانسوی ◀

این چخماق آهنی، مکانیسم تیراندازی تفنگ‌های فرانسوی در نبردهای انقلابی را مشخص می‌کند. هزاران تفنگ فتیله‌ای برای کمک به آمریکایی‌ها فرستاده شد. چخماق فتیله را نگه می‌داشت و هنگامی که ماشه چکیده می‌شد، در اثر برخورد با دستهٔ فلزی تولید جرقه می‌کرد و باروت، درون محفظه آتش زنه، آتش گرفته و در نهایت گلوله شلیک می‌شد.



◀ کنت ورجانس

وزیر خارجه فرانسه چارلز گراویر، کنت ورجانس، مهره‌ای کلیدی در تقسیمات مخفیانهٔ تجهیزات و بودجه به انقلابیون آمریکا در اوایل کار به حساب می‌آمد. ورجانس همواره در تلاش برای تضعیف امپراطوری بریتانیا بود تا اینکه فرانسه به بزرگ‌ترین قدرت دنیا مبدل گردد. پشتیبانی فرانسه از آمریکا، آن‌ها را در سال ۱۷۷۸ به جنگی تمام عیار کشانید.



شمشیر فرانسوی ▲

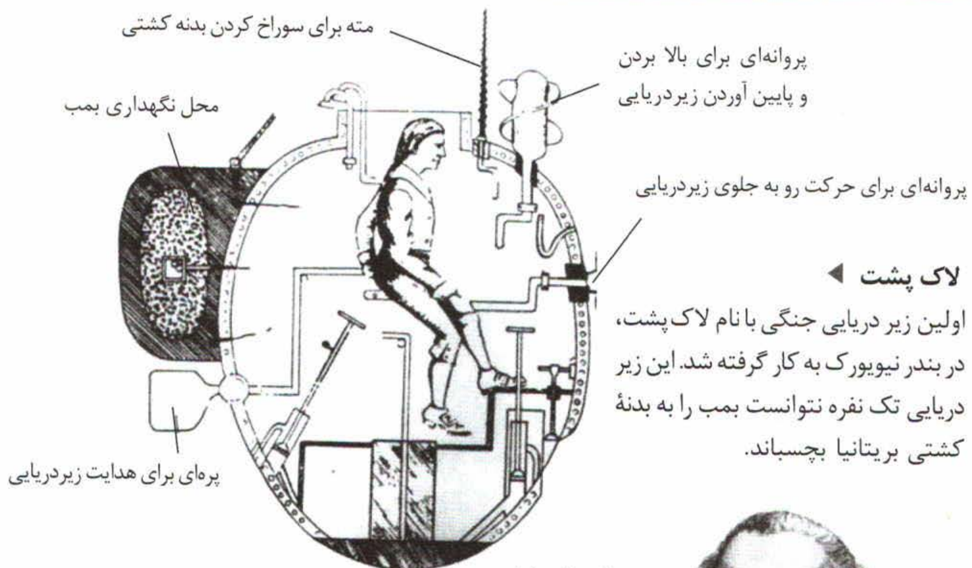
شمشیرها در انواع و اندازه‌های مختلف وجود داشتند: از شمشیرهای سنگین سواره نظام یا شمشیرهای بلند گرفته تا نوع سبک و ظریف که «شمشیر کوچک» نامیده می‌شد و مناسب برای پیاده نظام بود. تیغهٔ این شمشیرها، آهنی و در عین حال سبک بود و قسمت بالای شمشیر (دستهٔ شمشیر) را از نقرهٔ تزئین شده ساخته بودند.

جان آدامز از تفنگداران نیروی دریایی بازدید می‌کند ▲

ارتش فرانسه از چندین هنگ از نیروهای ایرلندی تبار تشکیل یافته بود که انیفورم‌های قرمز می‌پوشیدند. جان آدامز، دیپلمات آمریکایی، در حال بازدید از نیروها در لورین واقع در ساحل فرانسه می‌باشد. مردان ایرلندی از هنگ دو والش سِرانت، تفنگداران داوطلبی بودند که برای کشتی جنگی آمریکایی ریچارد بونوم می‌جنگیدند. این کشتی، تحت فرماندهی جان پل جونز بود. وی از یورش به بنادر فرانسوی جلوگیری می‌کرد.

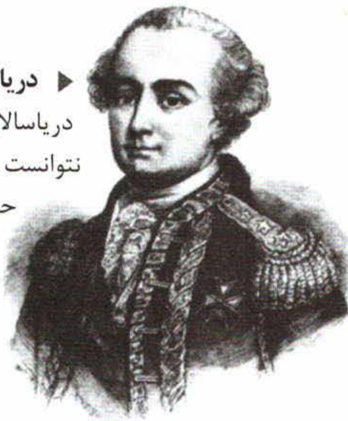
جنگ در دریا

آمریکایی‌ها برای مقابله با نیروی دریایی قدرتمند بریتانیا، کشتی جنگی نداشتند. ولی به سرعت دست به اختراع زیردریایی زدند. در سال ۱۷۷۶ زیردریایی TURTLE (لاک پشت) تلاش کرد تا بمبی را به زیر کشتی جنگی بریتانیا در خلیج نیویورک بچسباند. هنگامی که این نقشه با شکست روبرو شد، صنعت زیردریایی برای چند دهه مسکوت ماند. کشتی‌های بریتانیایی آب‌های آمریکا را تحت کنترل خود داشتند تا اینکه ناوگان فرانسه در سال ۱۷۷۸ برای مقابله با آن‌ها وارد جنگ شد. در ابتدای جنگ، فرانسوی ها عمدتاً به‌علت بی‌تجربگی اولین دریا سالار فرانسه، کنت دو استانگ، نتوانستند به موفقیتی دست یابند. در حالی که نزاع شدید دریایی بین ناوگان فرانسه و بریتانیا در آب های اروپا و کارائیب درگرفته بود، آمریکایی‌ها به پیروزی‌هایی رسیده بودند. کنگره، تصویب کرد مالکین کشتی شخصی نیز می‌توانند به کشتی های دشمن حمله کنند. کالاهای ذخیره شدن را کشتی های شخصی و بازرگانی منتقل می‌کردند که عامل مهمی در از بین بردن محاصره به وجود آمده توسط نیروهای بریتانیا و در پیشبرد انقلاب بود. جان پل جونز بهترین فرماندهٔ نیروهای آمریکایی به شمار می‌آمد.



لاک پشت ◄

اولین زیر دریایی جنگی با نام لاک پشت، در بندر نیویورک به کار گرفته شد. این زیر دریایی تک نفره نتوانست بمب را به بدنهٔ کشتی بریتانیا بچسباند.



◄ دریا سالار فرانسوی

دریاسالار چارلز کنت دو استانگ، فرمانده ناموفق نیروهای فرانسه در ۱۷۷۸، نتوانست بندر نیویورک را به محاصره خود در آورد. به علاوه او نپذیرفت که در حملهٔ نیروهای آمریکایی به رودآیلند کمک کند و حتی بعد از آن نیز نتوانست بخشی از نیروهای ضعیف دشمن را در کارائیب شکست دهد. او در شکست ساوانا در ۱۷۷۹ زخمی شد.

کشتی متفقین به نام رالی ▲

کشتی بادبانی به نام رالی با ۳۲ توپ، یکی از ۱۳ کشتی اولین ناوگان نیروی دریایی متفقین بود. کشتی‌های بادبانی در اندازه‌های متوسط ولی سریع، تقریباً ۲۸ تا ۶۰ توپ را حمل می‌کردند. رالی، بالاخره به تصرف نیروهای بریتانیایی در آمد. انگلیسی‌ها آن‌قدر طرح این کشتی را دوست داشتند که برای کشتی‌های خود از آن کپی برداری کردند.

نشان نیروی دریایی سلطنتی بریتانیا

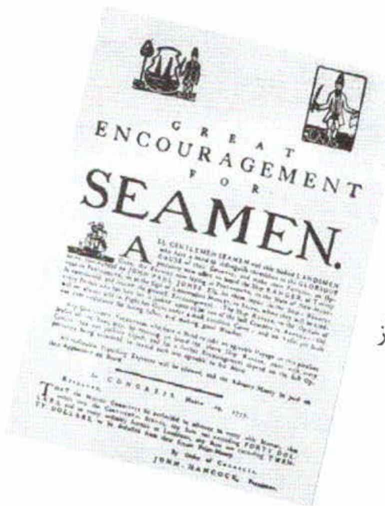


پرچم‌های نیروی دریایی ◄

پرچم نیروی دریایی سلطنتی بریتانیا یا نشان دریایی، متشکل از پرچم انگلیس در بالای گوشهٔ سمت چپ با پس زمینهٔ قرمز بود. هر ایالت طرح خاصی برای پرچم کشتی خود داشت. کشتی های کارولینای جنوبی بر روی پرچم خود مار زنگی را نشان داده بودند که زیر آن نوشته شده بود: «من را لگد نکنید»



پرچم نیروی دریایی سربازان کارولینای جنوبی



GREAT
ENCOURAGEMENT
FOR
SEAMEN.

[illegible]

In CONGRESS, [illegible]

[illegible]

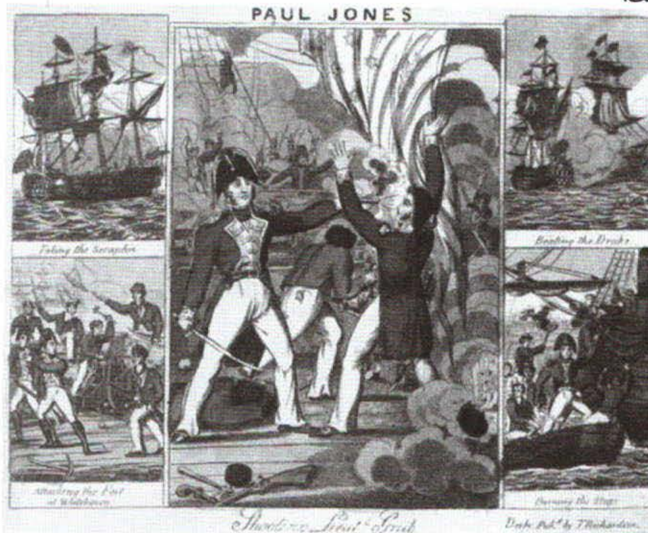
By Order of Congress,
JOHN HANCOCK, President.

ملوانان تحت تعقیب ◀

بر طبق اعلامیه‌های منتشر شده، از ملوانان خواسته شد که خود را برای رفتن به جنگ تحت فرماندهی جان پل جونز معرفی کرده و آیندهٔ خود را تأمین کنند. اگر کشتی دشمن به تصرف درآید، جایزه‌ای به هر نفر داده می‌شود. همچنین کشتی به غنیمت گرفته شده از دشمن، فروخته می‌شود و پول حاصل از فروش، میان افسرها و خدمهٔ کشتی تقسیم می‌گردد.

جنگ تا سر حد مرگ

جان پل جونز بسیاری از کشتی‌های بازرگانی بریتانیا را به تصرف خود درآورد. و همچنین بر کشتی‌های جنگی زیادی غلبه کرد. در ۱۷۷۹، جونز کشتی خود را با نام بونوم، در یک نبرد دشوار با کشتی جنگی دشمن به نام سِراپیس - که به اشتباه سرافیس نوشته می‌شد - رهبری کرد. کاپیتان بریتانیایی شاهد غرق شدن کشتی آمریکایی بود و از جونز خواست که تسلیم شود. در جواب جونز گفت: «من هنوز جنگ را شروع نکرده‌ام.» در حالی که کشتی‌اش در حال غرق شدن بود، جونز توانست سراپیس را تسخیر کند. در ۱۷۸۷ کنگره، جونز را به کسب مدال طلایی به جهت خدماتش مفتخر ساخت.



جان پل جونز در نبرد ◀

جان پل جونز، فرماندهی شجاع در دستهٔ ناوگان دریایی متفقین بود. تصویر وسط جونز را در حالی نشان می‌دهد که به یکی از افسران خود به خاطر قبول تسلیم در طول جنگ حمله کرده است. جونز سرانجام کشتی دشمن را تصرف کرد. (تصویر بالا سمت راست).



کشتی های جنگی انقلاب



جان پل جونز

نیویورک جنگ زده

در ۱۷۷۵ تعداد فعالان میهن‌پرست مانند الکساندر همیلتون و فرزندان آزادی، بیشتر از وفاداران به سلطنت در نیویورک بود. این شهر به قسمت های مختلفی تقسیم‌بندی شده بود. بعد از سقوط بوستون در اوایل ۱۷۷۶، سِر ویلیام هاو در تابستان آن سال نیویورک را تسخیر و واشنگتن و شورشیان حامی‌اش را از شهر بیرون کرد. میهن‌پرستان، قسمتی از نیویورک را به آتش کشیدند، ولی سربازان انگلیسی در طول جنگ در شهر ماندند. وفاداران به سلطنت فوج فوج به شهر روانه شدند و این هجوم باعث ازدحام جمعیت و کمبود مواد غذایی شد. مردم شهر اشغال شده، با برپایی نمایش‌نامه‌ها و رویداد های اجتماعی جالب خواستار ادامهٔ زندگی عادی خود بودند. در حالی که بسیاری از خانه‌ها ویرانه‌ای بیش نبود و نیروهای نظامی بایستی در کلیساها و ساختمان‌های عمومی اقامت می کردند.



نبرد برای نشان آزادی ◄

قبل از انقلاب، میهن‌پرستان و سربازان انگلیسی گهگاهی در نیویورک با هم درگیر می‌شدند. اغلب، ستون‌های آزادی ریشهٔ این درگیری‌ها و خصومت‌ها بود. نشان‌ها یا سمبل‌های مقاومت در مقابل بریتانیایی‌ها به وسیلهٔ میهن پرستان برافراشته می‌شد و بعد از پایان یافتن جنگ‌های خونین، سربازان این نشان‌ها را نابود می کردند.



◄ اپرای بِگر

شهر نیویورک به اجرای تئاترهای جالب معروف بود. معروف‌ترین نمایش‌نامهٔ موزیکال آن دوران «اپرای بگر» نام داشت که با استفاده از قدرت طنز، اقشار بالای اجتماع را مورد تمسخر قرار می‌داد. شهروندان، افسران و سربازان انگلیسی این نمایش را بسیار دوست داشتند.



به پایین کشیدن مجسمهٔ پادشاه ◀

در جولای ۱۷۷۶ جشنی مصادف با به تصرف درآوردن نیویورک توسط آمریکایی‌ها و خواندن بیانهٔ آزادی برای ارتش آمریکا بر پاگردید. به دنبال آن، مردم هیجان‌زده در بولینگ گرین مجسمه پادشاه را پایین آورده و سر مجسمه را جدا کردند.



سِر هنری همیلتون (۹۵ - ۱۷۳۸) ◀

همیلتون به شجاعت در نبرد معروف بود. او در مقام سپهبد ارشد هاو در یورش ۱۷۷۶ به نیویورک شرکت کرد. در ۱۷۷۸ باعث پیروزی هاو در تمام جنگ‌ها بود، ولی در ۱۷۸۱ بعد از شکست در مقابل انقلابیون، از مقام خود استعفا کرد.



◀ الکساندر همیلتون (۱۸۰۴- ۱۷۵۵)

همیلتون متولد هند غربی، در نوجوانی به نیویورک آمد. او در کینگز کالج تحصیل کرد و به میهن‌پرستی فعال بدل گردید. در توپخانه به خدمت پرداخت و بعدها مشاور نظامی واشنگتن و به «قلم ارتش» مشهور گردید.



◀ رسیدن نیروهای نظامی آلمانی به نیویورک

بریتانیا هنگ هایی از سربازان آلمانی را برای نبرد با آمریکایی‌ها استخدام کرده بود. آلمان‌ها به تصرف نیویورک و بعد از آن مانهاتان در سال ۱۷۷۶ کمک کردند.

آتش سوزی بزرگ

در حالی که انگلیسی‌ها در ۱۷۷۶ به طرف نیویورک حرکت می‌کردند، واشنگتن می‌خواست تا از تبدیل شهر نیویورک به مرکز نیروهای بریتانیایی جلوگیری کند. چگونگی عمل مشخص نیست، ولی شورشیان توانستند به خطوط دشمن نفوذ کنند. آنها اکثر نقاط شهر نیویورک را به آتش کشیدند و ساختمان‌هایی را که احتمال می‌دادند انگلیسی‌ها به منظور سربازخانه یا محل استقرار و استراحت استفاده کنند، نابود کردند.



◀ سوزاندن و کشتن

در حالی که در ۲۱ سپتامبر ۱۷۷۶ ساختمان‌ها در نیویورک در آتش مهیب می‌سوخت، سربازان انگلیسی کسانی را که به آنها در به آتش کشیدن شهر مظنون بودند، مورد ضرب و شتم قرار می‌دادند. خدمتکاران هر چه را که می‌توانستند برای خاموشی آتش به کار ببرند آوردند، ولی خرابی ایجاد شده بسیار گسترده بود. برای سال‌های متمادی، کمبود خانه مشکلی بغرنج برای نظامیان اشغالگر و مردمان عادی بود.

به اهتزاز در آمدن پرچم آمریکا ◀



در هنگام تخلیهٔ شهر، سربازان انگلیسی پرچم کشورشان را به تیر پرچم میخ کردند، به طوری که پایین آوردن آن کار دشواری بود. در حالی که سربازان انگلیسی نظاره‌گر بودند، میهن پرستی از تیر بالا رفت، پرچم انگلیس را پاره کرد و به جای آن پرچم آمریکا را به اهتزاز در آورد.

ورود پیروزمندانه به شهر ▼

ارتش اصلی واشنگتن تا ۲۵ نوامبر ۱۷۸۳ منحل شد تا اینکه او و گروه کوچکی از افسران برای گرفتن نیویورک از نیروهای بریتانیایی که در حال تخلیه شهر بودند وارد شهر شدند. برای سال‌های متمادی، مردم این روز را که به «روز تخلیه» معروف شده بود، جشن می‌گرفتند.

جاسوسان و خائنین

در طول انقلاب، پیام‌های سری گهگاهی به رمز خاصی نوشته می‌شد که اغلب این پیام‌ها را در کف کفش و یا در گلوله‌های نقره‌ای توخالی مخفی می‌کردند. جاسوسان و قاصدان جاسوس در صورت دستگیری، اعدام می‌شدند. این سرنوشت ناتان هیل افسر ۲۰ سالهٔ کانتیننتال بود که در نیویورک هنگام جاسوسی در ۱۷۷۶ دستگیر شد. دبورا چمپیون میهن‌پرستی که خود را به عنوان قاصد معرفی کرده بود بیش از ۷۵۰ مایل از خانهٔ خود در کنکتیکات اسب رانده بود، زیرا حامل پیغامی برای جورج واشنگتن در اقامتگاهش در نزدیکی بوستون بود. گشتی‌های بریتانیایی به او اجازهٔ عبور دادند. در طول جنگ، واشنگتن به روی سرگرد بنجامین تالماج، حساب می‌کرد تا با مأموران مخفی ملاقات و آن‌ها را باپول تطمیع گرداند. پیشنس رایت، از اهالی نیوجرسی، تمام مدت جنگ در انگلیس زندگی کرد، پیغام‌ها را درون مجسمه‌هایی که می‌ساخت جاسازی کرده و برای میهن‌پرستان آمریکایی می‌فرستاد. بزرگ‌ترین خائن، بندیکت آرنولد از ژنرال‌های شورشی بود که به انقلاب پشت کرد. نقشهٔ آرنولد در واگذاری وست پوینت در ۱۷۸۰ در آخرین لحظات بر ملا شد.



ردای زنان میهن پرست ◄

در طول اشغال بوستون به وسیلهٔ واشنگتن ۷۶ – ۱۷۷۵، دبورا چمپیون (۱۸۴۵ – ۱۷۵۳) مخفیانه پیغام‌ها، اخبار و لیست حقوق ارتش را به نیروهای شورشی انتقال می‌داد. چمپیون در حالی‌که این ردای کلاه‌دار را به تن داشت، سوار بر اسب از نورویچ به همراه اخبار و وجوه از طرف پدرش، ژنرال هنری چمپیون، به طرف انقلابیون فرستاده شد.



◄ **مسئول جاسوسان ارتش واشنگتن**

سرگرد سواره نظام بنجامین تالماج (۱۸۳۵ – ۱۷۵۴) حلقهٔ اتصال واشنگتن و مأموران مخفی به شمار می‌رفت. او در داخل و اطراف نیویورک که تحت کنترل نیروهای انگلیسی بود، عملیاتی برای گرفتن خبر انجام می‌داد. تالماج با تیزهوشی در ۱۷۸۰ متوجه شد که زندانی جان آندره، جاسوس انگلیسی است. زیرا او نقشهٔ بندیکت آرنولد را برای واگذاری وست پوینت، قلعه‌ای کلیدی بر روی رودخانهٔ هادسون، فاش کرده بود.

◀ سکه‌ای برای توطئه

گهگاهی سکه‌های موجود، در دوران انقلاب را «پول سخت» می‌نامیدند. که شامل سکه‌های نقره‌ای اسپانیا می‌شد و به چندین تکه کوچک‌تر بریده و تقسیم می‌گردید. جاسوس‌ها در قبال خبر، پول دریافت می‌کردند و خبرچین‌ها برای خرید اسب، غذا، رفت و آمد از گذرگاه‌ها، پول نیاز داشتند و هر نوع پول نقره را قبول می‌کردند.





یک چهارم یک سکهٔ نقره

◀ گلولهٔ تو خالی



تکه‌ای کاغذ، که محکم تا زده شده، حاوی پیغامی از یک فرمانده بریتانیایی به فرماندهی دیگر در این گلولهٔ نقره‌ای خالی پنهان شده است.

زندگی برای جنبش آزادی



در اواسط ۱۷۷۶، افسر میهن‌پرست کنکتیکات ناتان هیل در نقش معلم مدرسه به داخل شهر نیویورک نفوذ کرد. وی در حال شناسایی استحکامات بریتانیا اسیر و محکوم به اعدام گردید. بر طبق خبرهای رسیده، هیل در زمان دستگیری گفته بود: «من متأسفم که فقط یک زندگی برای تقدیم به میهن خود دارم.»



◀ جاسوسی از راه مجسمه‌سازی

پیشنس رایت، مجسمه‌ساز متولد آمریکا، کارگاهی در لندن بر پا کرده بود. وی مجسمه‌های معروفی از گل و موم می‌ساخت. و به منظور پشتیبانی از جنبش، با پوشش قرار دادن کار مجسمه‌سازی و مدل‌های خود از برنامه‌های نظامی بریتانیا خبررسانی می‌کرد. او هر مطلبی از گفتگوهای میان افراد را به دست می‌آورد به نیروهای جنبش انتقال می‌داد.

جعبهٔ نگهداری اسناد ◀



اسناد مهم، مراسلات و پیغام‌های نظامی می‌بایستی از عناصر دشمن و چشمان کنجکاو بعضی افراد پنهان می‌ماند. این جعبهٔ محکم که از کرباس، فلز برنج و چرم ساخته شده بود به راحتی از محتویات خود نگهداری و محافظت می‌کرد.

اسیر کردن و افشا

سرگرد بریتانیایی، جان آندره، در سفر و با لباس مبدل بعد از ملاقات مخفیانه با خائن آمریکایی، بندیکت آرنولد، در ۱۷۸۰، توسط نیروهای انقلاب دستگیر شد. این نگهبانان پیغامی مشکوک را در کفش او پیدا کردند. آندره به جاسوسی محکوم و به دار آویخته شد. بسیاری از نیروهای دو طرف جنگ، از جمله واشنگتن از اعدام شدن افسری مثل آندره تأسف خوردند.



قهرمانی خائن ▲

ژنرال بندیکت آرنولد به پیروزی‌های زیادی در صحنهٔ نبرد دست یافت. او زمانی که کنگره، افسران دیگری را به او ترجیح داد، دست به تحقیر کنگره زد. بعد از سرمستی رؤیای انقلاب، او توطئه‌ای ترتیب داد تا در ۱۷۸۰ وست پوینت به تصرف ارتش بریتانیا برسد. هنگامی که نقشهٔ او بر ملا شد، فرار کرد تا به بریتانیایی‌ها بپیوندد. ارتش سلطنتی جواب خدمات او را نداد و بنابر این آرنولد، ناچار شد با همسر و فرزندش به انگلیس پناهنده شود.



(۱۸۰۱ – ۱۷۴۱) بندیکت آرنولد ◄

وی زمانی محبوب‌ترین قهرمان آمریکا بعد از واشنگتن بود. در سال ۱۷۸۰ آرنولد بعد از همکاری با نیروهای بریتانیایی برای تسخیر وست پوینت که خود فرماندهی آنجا را به عهده داشت، به منفورترین خائن مبدل گردید. او گریخت و به نیروهای سلطنتی پیوست، ولی انتظاراتش به تحقق نپیوست و بالاخره در سال ۱۷۸۱ آمریکا را به قصد بریتانیا ترک کرد.

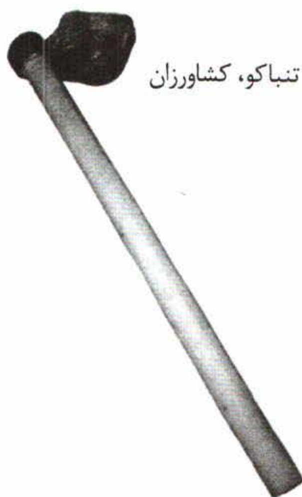


► همسری وفادار

پگی (شیپن) آرنولد از اهالی فیلادلفیا زمانی با بندیکت آرنولد ازدواج کرد که او فرماندهٔ پادگان میهن‌پرستان فیلادلفیا بود. پگی در دوران جاسوسی همسرش برای تسخیر وست پوینت توسط انگلیسی‌ها، با او بود، ولی هیچ گاه مشارکتی در این توطئه نداشت. بعد از برملا شدن خیانت همسرش، به او اجازه داده شد به همراه فرزندش، ادوارد، به بندیکت آرنولد در پشت خطوط بریتانیا بپیوندد.

مبارزه در خانه و در پشت جبهه‌ها

انقلاب به جنگ داخلی جانفرسایی مبدل شده بود و آمریکایی ها را به سه دسته: میهن‌پرست، وفادار به پادشاه و بی‌طرف تقسیم کرده بود. تعداد نیروهای نظامی در صحنهٔ نبرد از چند صد هزار نفر تجاوز نمی‌کرد. با وجود این، جنگ به مدت ۸ سال قسمت بزرگی از مملکت را از مِین تا جورجیا، درگیر خود کرده بود. وفاداران پادشاه در شهرهایی جمع شده بودند که پایگاه‌های بریتانیایی‌ها در آنجا مستقر بود در حالی‌که نیروهای نظامی میهن‌پرست کنترل بیشتر حومهٔ شهرها و روستاها را در دست داشتند. در هر منطقه، مردم نیز با به قدرت رسیدن هر گروه طرفدار آن گروه می‌شدند و بی‌طرفان از جانب نیروهای دو جناح مورد آزار و اذیت قرار می‌گرفتند. در کشوری که در کشاکش نیروهای متخاصم گرفتار شده بود، در ایالت‌های نیویورک و نیوجرسی، هیچ‌کدام از نیروهای نظامی و عادی از یورش و غارت گروه دیگر در امان نبودند. به هر حال، زندگی در جریان بود و خانواده‌ها به سختی برای امرار معاش کار می‌کردند و امید داشتند که جنگ زندگی آن‌ها را نابود نکند. بیشتر آمریکایی‌ها بهترین کار را انجام می‌دادند؛ آنها کنار آتش در خانهٔ خود می‌نشستند، در رستوران‌ها همسایه‌های خود را می‌دیدند و کاری به کار جنگ نداشتند.



عملیات هرس علف های هرز بعد از کاشت ◄

به منظور از بین بردن علف‌های هرز بین ردیف‌های بوته‌های ذرت، سبزیجات و تنباکو، کشاورزان از بیل فلزی مخصوصی استفاده می‌کردند که به دستهٔ محکمی وصل شده بود.



کشاورزی ادامه دارد ▲

بیشتر آمریکایی ها در طول جنگ در مزارع خود زندگی می‌کردند و با توجه به فصل‌های مختلف، به کاشت و درو محصولات خود می‌پرداختند. محصول خوب، به شخم زدن زمین بستگی داشت. خیش را کشاورزی قوی نگه می‌داشت و حیوانات آن را می‌کشیدند و عمل شخم زدن انجام می‌شد.

سربازان انگلیسی در حال غارت اموال ▼

اگر چه سربازان انگلیسی و آمریکایی دستور غارت اموال خانه‌ها و دام‌ها را نداشتند، ولی اغلب، در صورت آگاهی سربازان از تمایلات ساکنین به طرفداری از گروه خاصی با آنها بدرفتاری می‌کردند. این سربازان انگلیسی در حضور افسران و چشمان نگران خانواده‌هایی که اموالشان در حال غارت شدن بود، مشغول چپاول خانه‌ای در نیوجرسی هستند. مرد خانواده زخمی و بی‌هوش روی زمین افتاده است.



مهمانخانه ها

رستوران‌ها و مسافرخانه‌ها که پابلیک هاوس نامیده می‌شدند، محلی برای غذا خوردن، خواندن روزنامه، رد و بدل کردن اتفاقات و شایعه‌ها و... بود. در این مهمانخانه‌ها غذا و اتاق نیز برای مسافران داده می‌شد. جلسات سیاسی اغلب در این مکان‌ها تشکیل می‌شد و همسایه‌ها مهم‌ترین مسائل و اخبار روز را مورد بحث قرار می‌دادند.

تشنهٔ اطلاعات ◀



مشتریان چایخانهٔ نیویورک در حال خواندن روزنامه هستند. آنها جدیدترین اخبار منتشر شده یا روزنامه‌های یک ماه گذشتهٔ انگلیس و مقاله‌هایی از نیوجرسی حاوی اخبار اشغال شهرها توسط شورشیان را مطالعه می‌کردند. تعداد ۴۰ روزنامه در زمان انقلاب در مستعمرات فعال بود که به نشر اخبار، اطلاعیه‌ها و آگهی می‌پرداختند.

▶ کوزه‌ای ارزشمند



کارهای سفالین در سراسر آمریکا به وفور یافت می‌شد. دارایی‌های خانوادگی که از اروپا آورده شده بود به عنوان گنجی نگهداری شده و از نسلی به نسل دیگر انتقال پیدا می‌کرد. این کوزه که احتمالاً از نواحی کناری رودخانه راین در آلمان آورده شده، کاری سفالین با پوشش سنگ نمک قهوه‌ای است.

انجام کارهای منزل در کنار اجاق

کارهای منزل دور آتشدان انجام می‌شد. در آنجا دست‌ها گرم و غذا آماده می‌شد. آتشدان ممکن بود از آجر، تکه سنگ و یا گل خشک شده ساخته شود. این اجاق‌ها معمولاً بایستی با هیزم گرم می‌شد که آوردن هیزم از انبار وظیفهٔ بچه‌ها بود. اعضای خانواده، خدمتکاران و کارگران مزرعه در آشپزخانه دور آتش اجاق جمع می‌شدند.



◄ غذای خانواده

زنان خانه‌دار عهده‌دار وظایف آشپزخانه و پخت‌وپز بودند و ساعت‌های زیادی برای تهیهٔ غذا، نگهداری سبزیجات و میوه، خشک کردن گیاهان و دودی کردن گوشت صرف می‌کردند. اجاق همیشه در حال استفاده بود، در آب و هوای گرم خانواده‌ها در آشپزخانه‌های بیرون از خانه پخت و پز می‌کردند.

راحت و دلپذیر ◄

لباس روزمرهٔ زنان در آن دوران، تلفیقی از ظرافت و زیبایی و راحتی بود. این لباس که بالاتنه را محکم نگه می‌داشت، بر روی زیر پوش و رو دامنی پوشیده می‌شد و چندان دست و پاگیر نبود. این لباس‌ها، نسبتاً پاشنهٔ پا را نیز می‌پوشانید.



قسمت چسبان بالای لباس زنانه



عروسکی که به روش لباس‌های زنان مستعمره نشین به او لباس پوشانیده‌اند

اردوگاه‌ها و زندان‌ها

تهیهٔ غذا و تجهیزات نیروی نظامی مسئله‌ای مهم‌تر از نگهداری سربازان دستگیر شده بود، البته زندانیان هر دو طرف جنگ در شرایط بدی به سر می‌بردند. همواره بنا به علل مالی، کنگره و پارلمان تلاش می‌کردند تا در حد توان از هزینه های جنگ تا حد توان کم کنند. این به معنای نادیده گرفتن نیاز زندانیان بود، زیرا اغلب با آنها رفتار غیر انسانی می‌شد. در مواردی از کشتی‌ها برای زندانی کردن اسیران استفاده می‌شد، رفتار با این زندانیان بسیار ظالمانه‌تر بود. وضعیت در کمپ‌های زندانیان میهن‌پرست نیز به صورت مشابه بود. در آنجا وفاداران به سلطنت و سربازان انگلیسی را نگه می‌داشتند. زندانیان پولدار، مانند دیپلمات میهن‌پرست هنری لارنس، آنچه را برای حیات نیاز داشتند می‌خریدند، ولی بیشتر سربازان دستگیر شده تجربهٔ تلخی را پشت سر می‌گذاشتند. جای تعجب نیست که چرا با زندانیان بد رفتار می‌شد، زیرا حتی سربازان به خدمت برده شده نیز نادیده گرفته می‌شدند. در مقابل، سربازان انگلیسی غذای بهتری داشتند و مجهزتر از آمریکایی‌ها بودند. زنان و بازرگانانی که به دنبال نظامیان حرکت می‌کردند، عهده‌دار تهیهٔ غذا، نوشیدنی و مراقبت از سربازان دیگر بودند.



◄ زندانی شدن در برج

رئیس سابق کنگره، میهن پرست کارولینای جنوبی، هنری لارنس (۹۲ - ۱۷۲۴) در سال ۱۷۸۰ هنگام مسافرت با کشتی دستگیر شد و به برج معروف لندن منتقل و تهدید به اعدام گردید. وی به عنوان جانشین ژنرال کورنوالیس و نمایندهٔ صلح به پاریس رفت.



پول بی‌ارزش ◄

کنگره «پول کانتیننتال» را که همان سکه‌ها و دلارهای کاغذی بود، برای مصرف در جنگ چاپ می‌کرد. بیشتر مردم پول کانتیننتال را نمی‌پذیرفتند. به هر حال، دلیل بی‌ارزش شدن پول، احتمال شکست شوررشیان در جنگ بود.



◄ فانوس

فانوس‌های آهنی که نورشان با شمع تأمین می‌شد یا در دست اشخاص حمل و یا بر سر قلاب‌ها برای روشنایی آویزان می‌شدند. این فانوس‌ها نور کمی از خود ساطع می‌کردند. البته، افراد کمی بعد از تاریکی هوا از خانه خارج می‌شدند به خصوص موقعی که در زمان جنگ شمع هم کمیاب شده بود.



پختن غذا برای نیروها ◄
خانواده‌های نظامیان همراه با بازرگانان در مجاورت منطقهٔ نگهداری زندانی‌ها نیز دیده می‌شدند، زیرا زندانی‌ها اجازهٔ ارتباط با خانواده‌های خود را داشتند. این افراد در اردوگاه‌های خود غذا درست می‌کردند و غذاهای پخته شده را به زندانی‌ها و زندانبانان می‌فروختند. تعدادی از زنان با شستن لباس‌های نیروهای درگیر جنگ، پول کمی دریافت می‌کردند.

تخلیهٔ تجهیزات اساسی ▼
برای حمل مواد غذایی، لباس، چادرهای انفرادی و تجهیزات نظامی از ارابه‌های محکم و قوی استفاده می‌شد. روی ارابه‌ها با نوعی پارچه ضخیم پوشیده شده بود. این ارابه‌ها را ۴ یا ۶ گاو نر یا اسب می‌کشیدند که توانایی کشیدن بار تا ۱۵۰۰۰ پوند را در جاده‌های ناهموار داشتند. در طول اولین سال‌های جنگ، به استحکامات میهن پرستان نصف جیرهٔ معمولی تجهیزات و آذوقه می‌رسید.

پیامدهای جنگ

زندان‌ها برای افرادی که جهت خدمت به ارتش رفته بودند چه زندانی و چه زندانبان مکان‌هایی ناسالم و زجرآور بود. در این زندان‌ها هزاران نفر جان و یا سلامتی خود را به خاطر سوء تغذیه و بدرفتاری از دست دادند. با افسران رفتار بهتری در زندان داشتند و معمولاً با زندانی دشمن هم درجه معاوضه می‌شدند. سرباز عادی به درون سیاهچال انداخته می‌شد تا بپوسد و شانس بسیار کمی برای بهبودی و یا نجات برای او وجود داشت.



گودال‌هایی به نام جهنم ▼

همان‌گونه که کشتی‌های بریتانیایی مکانی برای زندانی کردن اسیران شده بود، معادن مس نیوگیت در کنکتیکات نیز زندان آمریکاییان بود که جان و سلامتی صدها زندانی وفادار به سلطنت را گرفت. زندانی‌ها بایستی در قعر این گودال‌ها که «جهنم» می‌نامیدند، کار می‌کردند. و با بی‌رحمی تمام با آنان رفتار می‌شد. زندانبانان، زندانیان را به خاطر تلاش برای سرکوب انقلاب تحقیر می‌کردند.



زندان‌های مخوف در کشتی‌ها ▲

تعداد زیادی از اسیران میهن‌پرست در منطقهٔ نیویورک به کشتی‌های لنگر انداختهٔ قدیمی در اطراف شهر فرستاده می‌شدند. این «لاشه‌های کوچک» (کشتی‌ها) به عنوان زندان در خارج از بروکلین لنگر انداخته بودند. یکی از این زندان‌ها به نام جرسی محلی نمناک، کثیف و سرد بود. که باعث از بین رفتن صدها زندانی گرسنه و مریض شد. نگهبانان کینه توز، با بدرفتاری و بی‌رحمی نمک به زخم زندانیان تیره روز آمریکایی درون کشتی می‌ریختند.



WCW بر روی لیوان حک شده است

قاشقی که از شاخ گوزن ساخته شده است

چنگال برنجی با دستهٔ چوبی

لیوان مخصوص نوشیدنی که از شاخ حیوانات ساخته شده است

وسایل و ظروف غذا خوردن ▲

سربازان به علت حضور دایمی در لشکر، وقت کافی برای کنده‌کاری بر روی استخوان و تراشیدن چوب را داشتند. در میان اختراعات آن‌ها، قاشق و فنجان به چشم می‌خورد که نیاز بود تا جایگزین وسایلی شود که در لشکر کشی‌ها از بین رفته بود. یک چنگال خوب وسیله‌ای با ارزش بود که یک سرباز قدرت خرید آن را نداشت. این ارتش هم به مانند سربازانش فقیر بود.

در پی نظامیان

به دنبال هر ارتش در اردوگاه‌ها، گروه زیادی از مردم عادی وجود داشتند. به این دسته از مردم «گروه هواداران» می‌گفتند. آنها شامل همسران و فرزندان نیروهای نظامی و بازرگانانی برای فروش کالاهای خود بودند. سربازان به غیر از زمان گشت زنی و جنگ، می‌توانستند به خانواده‌های خود که جزو «در پی روندگان لشکر» بودند، سر زده و از غذا خوردن با آنها لذت ببرند.

پزشک برای سربازها

در ۱۷۷۵، در مستعمره‌ها ۳۵۰۰ پزشک مشغول طبابت بود. ولی ۴۰۰ نفر از این تعداد تحصیلات دانشگاهی داشتند. و بقیه مهارت خود را به طور تجربی آموخته بودند. تعداد کمی از پزشک‌های آموزش دیده در ارتش خدمت می‌کردند. یکی از پیشروان گروه پزشک‌های میهن‌پرست، بنجامین راش از فیلادلفیا بود که جزوه‌ای در مورد چگونگی سلامت سربازان نوشت، ولی امراضی چون آبله مرغان، تیفوس و مالاریا ده برابر بیشتر از کشته‌های جنگ را از بین برد. زیرا کنگره، بودجهٔ لازم را آماده نمی‌کرد، پرسنل اندکی در بیمارستان‌های نظامی کار می‌کردند و از تجهیزات ناچیزی برخوردار بودند. همچنین در این بیمارستان‌ها دارو و غذای سالم و مقوی نایاب بود. داروها را از مخلوط داروهای گیاهی، و شیمیایی تهیه می‌کردند، که البته مقدار کمی از آنها در اختیار بیمارستان‌های نظامی قرار می‌گرفت. امکانات ابتدایی جهت رسیدگی به بیماران در این بیمارستان‌ها وجود نداشت. ابزار آلات جراحی برای خارج کردن گلوله، قطع عضو و خون‌گیری استریلیزه نبوده، حتی عمل شستشو به خوبی انجام نمی‌گرفت و از باندهای مستعمل، استفاده می‌شد. بسیاری از جراحت‌های سطحی، به‌علت رعایت نکردن مسائل بهداشتی، عفونی شده و جان عده زیادی را می‌گرفت. به مرور زمان، بیمارستان‌هایی ساخته شدند که در آنها شانس بیشتری برای بهبودی بیمار وجود داشت.



بنجامین راش ◄
پزشکی میهن‌پرست و سیاستمداری آمریکایی بود که مدیریت برنامهٔ پزشکی ارتش کانتینتال را بر عهده گرفت، ولی به علت ناکفایتی بخش درمانی بیمارستان با ناامیدی استعفا کرد. راش، به عنوان استاد و نویسنده‌ای تأثیرگذار در آمریکا مطرح بود.





تیغه و جعبه ◄
این تیغه دارای دو لبه بود
که برای حجامت و بریدن رگ و برای
خارج کردن عفونت نیز استفاده می‌شد.



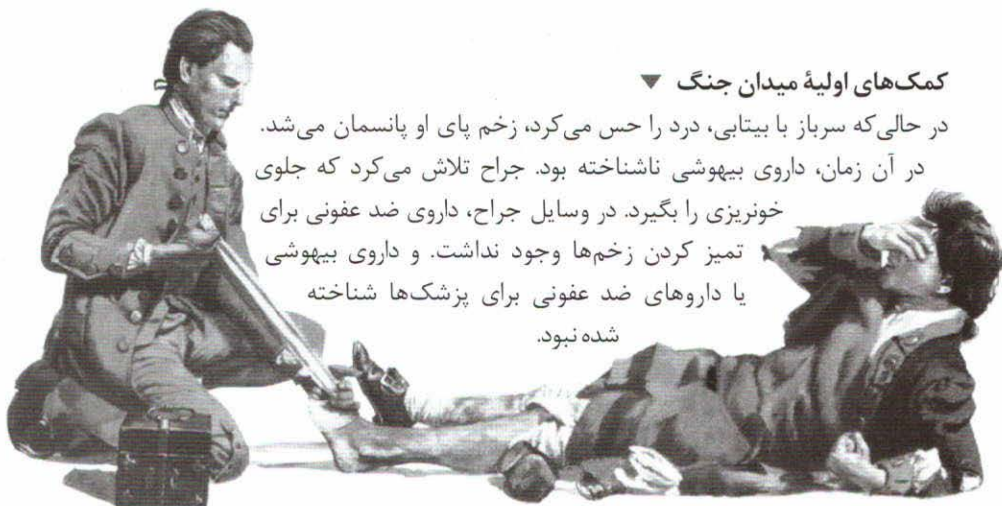
بیمارستان‌های پیشرفته ◄

طراحان جنگ، سرانجام مکان‌های خاصی را به جای اتاق‌های غیر بهداشتی و پر از ازدحام در چادرها و خانه‌های شخصی ساختند. از جمله بیمارستانی در فورج، که به گونه‌ای ساخته شد تا امکان جریان هوا در آن وجود داشته باشد. این تغییرات در سلامت بیماران و بهبود آن‌ها بسیار مؤثر واقع شد.



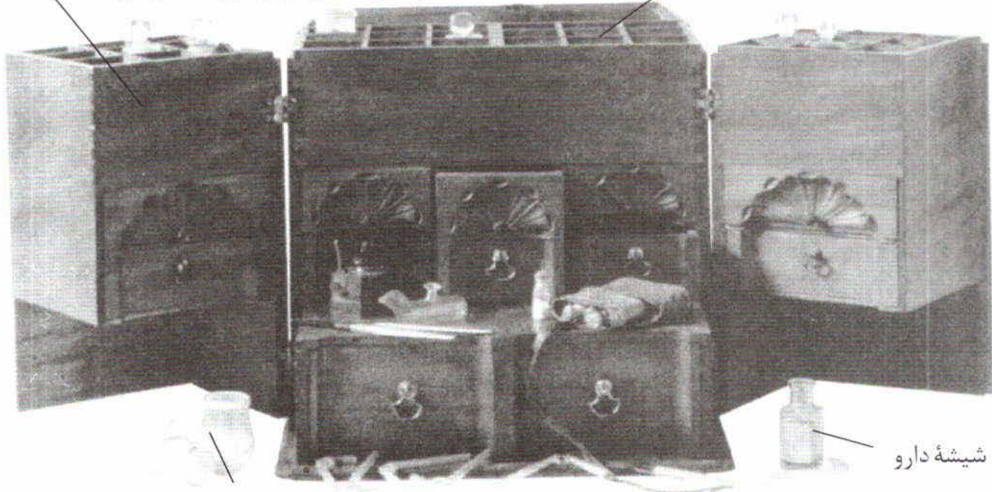
► هنر دارو ساز

داروسازها، دارو را ساخته، مخلوط کرده و به فروش می‌رساندند، ولی بیشتر خانواده‌ها از گیاهان خودرو به عنوان دارو استفاده می‌کردند. برای بیماری‌های حاد و جدی، داروسازها، داروهای مخصوصی داشتند، برای مثال پوست درخت گنه گنه برای درمان مالاریا. آنها مسهل نیز برای پاک شدن بدن تجویز می‌کردند مانند: اپیکا، داروی قی‌آور



کمک‌های اولیهٔ میدان جنگ ▼

در حالی‌که سرباز با بیتابی، درد را حس می‌کرد، زخم پای او پانسمان می‌شد. در آن زمان، داروی بیهوشی ناشناخته بود. جراح تلاش می‌کرد که جلوی خونریزی را بگیرد. در وسایل جراح، داروی ضد عفونی برای تمیز کردن زخم‌ها وجود نداشت. و داروی بیهوشی یا داروهای ضد عفونی برای پزشک‌ها شناخته شده نبود.



جعبهٔ قابل حمل برای دارو ▲

پزشکان ارتش، داروها را در جعبه‌های چوبی می‌گذاشتند. در این جعبه‌ها سرنگ، پنبه، باند پانسمان، انبر جراحی، نخ مخصوص بخیه و تجهیزات پزشکی برای اندازه‌گیری و مخلوط کردن داروهای مختلف وجود داشت. در بیمارستان‌ها از جعبه‌های بزرگ‌تر برای نگهداری تجهیزات پزشکی استفاده می‌شد که ۸۰ نوع یا بیشتر دارو در آنها جا می‌گرفت؛ در حالی‌که پزشکان هنگ‌های مختلف در میدان جنگ به علت وضعیت خاص جنگی، جعبه‌های کوچکی داشتند.







تجهیزات پزشکی ▲

باندهایی که بر عضو زخمی بسته می‌شد، برای بررسی میزان بهبودی زخم با انبر برداشته می‌شد. فنجانی شیشه‌ای بر روی زخم روی پوست قرار می‌گرفت تا با ایجاد مکش چرک و خون به درون آن بریزد. سپس مایعات عفونی و خون به ظرفی مفرغی تخلیه می‌شد که چون به اندازهٔ کافی ضدعفونی و تمیز نمی‌شد، دیگر به ندرت در آن آب تمیز می‌ریختند.

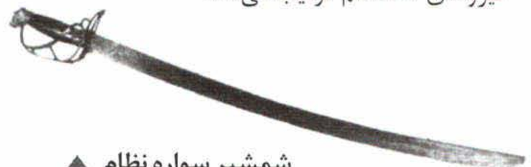
جنگ برای نجات نواحی جنوبی

در اواخر ۱۷۷۸، جنگ به طرف جنوب سوق پیدا کرد، زیرا نیروهای بریتانیایی ساوانا و جورجیا را به تصرف خود در آورده بودند. در اکتبر ۱۷۷۹، انگلیسی‌ها نیروهای فرانسوی و آمریکایی را که در تلاش برای محاصرهٔ ساوانا بودند، شکست دادند. در بهار ۱۷۸۰، چارلستون و کارولینای جنوبی به دست نیروهای سلطنتی افتاد و ژنرال چارلز کورنوالیس فرماندهی لشکر پادشاه را به دست گرفت. کورنوالیس خیلی سریع نیروهای آمریکایی را در کادمن کارولینای جنوبی شکست داد. از افسران پیروز ارتش او، افسر سواره نظام باناستره تارلتون پس از قتل عام شورشیان اسیر شده بود. جورج واشنگتن ناتانیل گرین از رود آیلند را فرستاد تا رهبری ارتش را به‌دست بگیرد. اگر چه گرین، در چند جنگ شکست خورد، ولی ضربات مهلکی به ارتش بریتانیا زد که توانست کورن والیس را تا حد زیادی ضعیف و ناتوان کند. دیگر افسران آمریکایی، جنگ‌های دیگری را به پیروزی رساندند، از جمله: در کینگز ماونتن کارولینای شمالی در اکتبر ۱۷۸۰ و کاوپنس کارولینای جنوبی در ژانویه ۱۷۸۱. در ماه مارس، کورنوالیس توانست گرین را در گیلفورد کورت هاوس کارولینای شمالی شکست دهد، ولی متحمل تلفات زیادی شد. کورنوالیس به طرف دریا عقب نشینی کرد و سرانجام به یورک تاون ویرجینیا رفت و منتظر رسیدن کمک نظامی شد، ولی این کمک نظامی هیچ‌گاه به کمک او نیامد.



جنگ در جنوب ◄

ارتش انگلیس در بیشتر جنگ‌های جنوب از جمله: ساوانا و چارلستون، کادمن و گیلفورد کورت هاوس به پیروزی رسید. با وجود این، تصرف کامل منطقه به علت گستردگی زیاد غیرممکن بود. با وارد شدن ارتش انگلیس به هر نقطه از این منطقه، فرمانده ارتش آمریکا، ناتانیل گرین، تشکیلات تازه‌ای را برای مقاومت با نیروهای متخاصم ترتیب می‌داد.



شمشیر سواره نظام ▲

این شمشیر سنگین خمیده «سابر» نامیده می‌شود که متعلق به سواره نظام آمریکا است. یک شخص نظامی همان‌گونه که مهارت‌های اسب سواری را می‌آموزد، نحوهٔ کار با شمشیر را نیز تعلیم می‌بیند. تمرین ضربه زدن سریع، ضربه مستقیم و دفاع کردن در مقابل تیغهٔ شمشیر حریف.

پرچم سواره نظام



این پرچم با جنس برزنتی، از پشت یک صندلی کنده شده بود و توسط فرمانده سواره نظام، ویلیام واشنگتن، به جنگ کاوپنس آورده شد که در زیر این پرچم، نیروها توانستند به پیروزی چشم‌گیری نائل شوند.



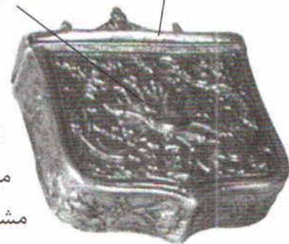
پرچم فتح شده

در جنگ کاوپنس، نیروهای مورگان، توانستند پرچم هنگ هفتم تفنگداران ارتش انگلیس را که سربازانی حرفه‌ای و مغرور بودند، تصرف کنند. ۳۲۰ تن از نفرات تارلتون کشته و زخمی شدند و ۶۰۰ نفر به اسارت درآمدند. تلفات نیروهای آمریکایی تنها به ۲۲ نفر کشته و ۶۰ نفر زخمی رسید.

دشمنی خطرناک



فرماندهٔ سوار نظام ارتش بریتانیا، سپهبد باناستره تارلتون، مورد تنفر آمریکایی‌ها بود. او به خاطر سیاست‌های بی‌رحمانه‌اش که در قبال زندانیان، از جمله شکنجه و کشتار، لقب « قصاب» گرفته بود. تارلتون در تمام طول جنگ خدمت کرد و زمانی بالاترین موفقیت را کسب کرد که در هنگام حملات ناگهانی و شدید به ارتش وفادار به سلطنت، فرماندهی لشکر را به عهده داشت.



جعبهٔ نگهداری مهمات

این جعبه احتمالاً روزی متعلق به سربازی آلمانی بوده است، این جعبهٔ برنجی، مهمات را سالم و خشک در خود نگهداری می‌کرد. کاغذ مخصوصی به دور مقدار مشخصی باروت و گلوله‌ای سربی پیچیده شده بود.

تفنگ ساچمه‌ای چرمی (اسلحه‌های مخصوص شکار پرنده)





سربازان شبه نظامی انقلاب بعضی اوقات، اسلحه‌های مخصوص شکار را به جنگ می‌آوردند. این تفنگ‌های ساچمه‌ای چرمی، پنج گلوله داشت که برای شکار پرنده مناسب بود و گلوله‌های این نوع تفنگ از تفنگ‌های چخماقی و لوله بلند کوچک‌تر بود.

سواره نظام در حال نبرد کاوپنس، کارولینای جنوبی

سواره نظام بریتانیا و لژیون تارلتون، فرماندهٔ سواره نظام آمریکا، کلنل ویلیام واشنگتن را در جنگ کاوپنس محاصره کرده‌اند. واشنگتن که سوار بر اسب سفیدی بود، خطر شدیدی جانش را تهدید می‌کرد که محافظ شخصی او با شلیک گلوله‌ای، حمله کننده به واشنگتن را زخمی می‌کند. گروه دیگری از سواره نظام وارد شده و نیروهای دشمن را مجبور به عقب‌نشینی می‌کنند. ارتش ۱۱۰۰ نفری تارلتون که متشکل از نیروی انگلیسی و وفاداران بودند توسط نیروهای آمریکایی که تعدادشان تقریبا برابر با نیروهای انگلیسی بود، تحت فرماندهی ژنرال دانیل مورگان نابود شد.



کلید پیروزی نهایی ▲

بی‌گمان ناتانیل گرین بهترین ژنرال ارتش واشنگتن بود. گرین در میدان جنگ خدمت می‌کرد و در برهه‌ای مسئولیت تجهیزات و ادوات نظامی را بر عهده داشت. در جنوب، استراتژی او ادامه جنگ و جلوگیری از شکست‌های بزرگ بود. ماه‌ها ارتش بریتانیا برای دستگیری او تلاش کرد، در حالی‌که فرماندهان دیگر نیروهای شورشی به خطوط دشمن و قلعه‌های آن‌ها حمله‌ور می‌شدند. در اواخر ۱۷۸۱، تقریباً تمام پایگاه‌های بریتانیایی‌ها در بیرون از چارلستون و ساوانا تخلیه شده بودند.



پیروزی در هنگام شکست ▲

در ۱۷۸۱، نیروهای ۴۴۰۰ نفری گرین، شامل افرادی از لشکر کانتیننتال و شبه نظامیان، به ارتش کورنوالیس در گیلفورد کورت‌هاوس کارولینای شمالی که در حال پیشروی بود، حمله کردند. تعداد نفرات ارتش بریتانیا به ۱۹۰۰ تن می‌رسید، ولی بیشتر افراد با تمام شرایط بد موجود خود را وفق می‌دادند. جنگ سختی درگرفت و به جنگ تن به تن انجامید. کورنوالیس پیروز نبرد شد، ولی بیش از ۵۰۰ نفر تلفات داد. از نفرات گرین، ۷۸ نفر کشته و ۱۸۳ نفر زخمی شدند که نسبت به تلفات ارتش بریتانیا بسیار کمتر بود.

یورک تاون

در طول سال ۱۷۸۱، ژنرال کورنوالیس تقریباً توانسته بود میهن‌پرستانی را که در جنوب مقاومت می‌کردند، از بین ببرد. ناتانیل گرین سرسختانه به مقاومت ادامه می‌داد. گرین با مهارت توانسته بود نیروهای خود را حفظ کند. در ماه آگوست، کورنوالیس و مردان ۷۵۰۰ نفری او در یورک تاون ویرجینیا منتظر تجهیزات و قوای کمکی از نیویورک که در تصرف ارتش بریتانیا قرار داشت، بودند. واشنگتن به همراه ژنرال فرانسوی دو روشانبن، به سرعت برای به دام انداختن کورنوالیس حرکت کرد و ناوگان فرانسه برای محاصرهٔ یورک تاون وارد شد. ارتشی متشکل از نیروهای آمریکایی - فرانسوی که بیش از ۱۷۰۰۰ نفر بودند. هنگامی که ناوگان انگلیس در سپتامبر به منطقهٔ جنگی رسید، دریابان فرانسوی دو گراس ناوگان را مجبور به عقب نشینی تا نیویورک کرده و محاصره را ادامه داد. واشنگتن به منظور جلوگیری از حملات نیروهای خط مقدم دشمن که بسیاری از نفرات او را به هلاکت رسانده بود، مجبور به آتش گشودن به طرف توپخانهٔ ویران کنندهٔ آنها شد تا اینکه کورنوالیس تسلیم شد. در ۱۹ اکتبر، ارتش سلطنتی شکست خورده، از یورک تاون خارج شد تا تفنگ‌ها و پرچم خود را به فاتحان تسلیم کند؛ البته واشنگتن فریب خورد، زیرا کورنوالیس تمارض کرده و فرماندهٔ دوم خود را برای مراسم تسلیم رسمی فرستاد. یورک تاون آخرین جنگ بزرگ انقلاب بود.



◀ واشنگتن در یورک تاون

جورج واشنگتن سوار بر اسب در کنار مارکوس دو لافایت، ژنرال جوان و مورد اطمینان‌اش. او در این تصویر هنرمندانه نیروهای فرانسوی - آمریکایی خود را در فتح یورک تاون در پاییز ۱۷۸۱ رهبری می‌کند. این آخرین جنگ اصلی انقلاب بود.



دریابان انگلیسی هود ◀

سِر ساموئل هود (۱۸۱۶ - ۱۷۲۴) ، تلاش کرد تا از محاصرهٔ کورنوالیس توسط ناوگان فرانسوی جلوگیری کند. ناوگان فرانسه نیروهای هود و دریابان توماس گریوز را در شرایطی قرار داد که مجبور به عقب‌نشینی شدند و کورنوالیس به دام افتاده را نیز نجات دادند.



تلسکوپ جیبی ◄

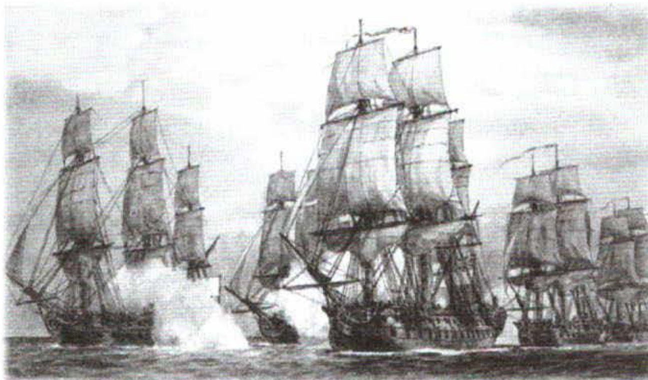
زیر نظر داشتن حرکات نیروهای دشمن به وسیلهٔ تلسکوپ، کاری لازم و ضروری برای رهبران ارتش بود. در روی کشتی فرماندهی و به وسیلهٔ تلسکوپ، پرچم نیروهای دوست و دشمن مشخص بود.





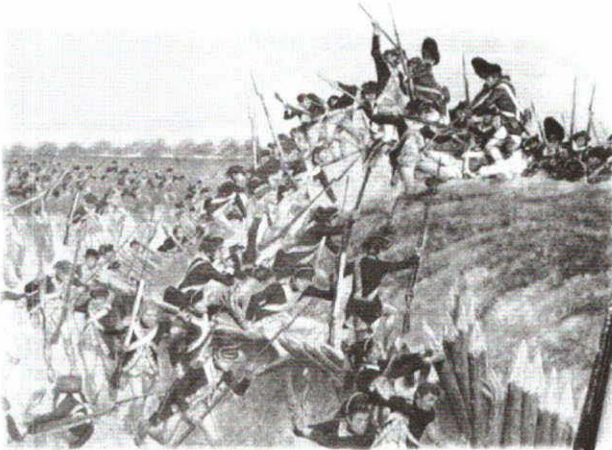
مهم‌ترین پیروزی واشنگتن ▲

کورنوالیس ادعا کرد آن‌قدر مریض است که نمی‌تواند در مراسم تسلیم یورک تاون شرکت کند و به‌جای او، فرماندهٔ دوم ارتش بریتانیا شمشیر خود را به نشانهٔ قبول شکست به واشنگتن تقدیم کرد. واشنگتن، شمشیر را نپذیرفت و به فرماندهٔ دوم ارتش، ژنرال بنجامین فرانکلین از ماساچوست، اشاره کرد تا او شمشیر را بگیرد.



جنگی حیاتی در دریا ▲

دو گراس در ۱۵ سپتامبر، دریا سالار هود و گریوز را در جنگ چساپیک شکست داد و آن‌ها را مجبور به عقب نشینی به نیویورک کرد. اگر نیروی دریایی انگلیس قوای کمکی را برای خود فراهم می‌کرد و یا کورنوالیس را نجات می‌داد، لشکرکشی یورک تاون با شکست مواجه می‌شد و جنگ به نفع نیروهای بریتانیایی به پایان می‌رسید. این درگیری دریایی یکی از مهم‌ترین جنگ‌های طول انقلاب بود.



سرنیزه کشنده ▼

در اوایل انقلاب، سر نیزه‌هایی را که سربازان انگلیسی استفاده می‌کردند جزو ترسناک‌ترین اسلحه‌ها به حساب می‌آمد. و استفاده از همین سرنیزه نقطه قوتی برای نیروهای آمریکایی در یورک تاون و به زانو در آوردن کورنوالیس شد. با اتمام جنگ، نیروهای کار آزموده آمریکایی تبحر خاصی در استفاده از سرنیزه پیدا کرده بودند.

یورش به استحکامات یورک تاون ▲

واشنگتن با کندن خندق‌های جدید در تاریکی شب، نیروها و توپخانه خود را به استحکامات بریتانیایی‌ها نزدیک‌تر کرد. کورنوالیس در بدترین حالت دفاعی قرار داشت. در ۱۴ اکتبر، کاپیتان الکساندر همیلتون یورشی شبانه به استحکامات نیروهای انگلیسی برد. در همان حال پیاده نظام ارتش فرانسه به یکی دیگر از استحکامات دیگر ارتش بریتانیا حمله‌ور شد. هنگامی که توپ‌های به غنیمت گرفته شده از ارتش بریتانیا، به طرف یورک تاون نشانه رفتند، کورنوالیس چاره‌ای جز تسلیم شدن نداشت.



دریا سالار فرانسوی دو گراس ◀

در سپتامبر ۱۷۸۱ کشتی‌های فرانسوی تحت فرماندهی دریاسالار فرانسوا دو گراس (۸۸ - ۱۷۲۲) ۳۰۰۰ سرباز را برای کمک به ادامهٔ محاصرهٔ یورک تاون به ساحل رساندند. وقتی که کشتی‌های دشمن ظاهر شد، دو گراس به مدت دو ساعت با آن‌ها جنگید و آن‌ها را به عقب نشینی وا داشت و تیره روزی کورنوالیس را به نهایت رساند.



◀ لرد چارلز کورنوالیس (۱۸۰۵ - ۱۷۳۸)

کورنوالیس در چند جنگ به پیروزی رسید، ولی نتوانست شورشیان را نابود کند. در اواسط ۱۷۸۱، او ارتش خود را به یورک تاون آورد و منتظر قوای کمکی شد، ولی قوای کمکی هیچ‌گاه به آنجا نرسید. بعد از جنگ، او حاکم هند شد و در مقام افسری عالی مرتبه در دولت انگلیس خدمت کرد.

قسمت آهنی نوک نیزه‌ها به بلندی ۱۴ اینچ که برای آتش زدن فتیله توپ‌های قدیمی به‌کار می‌رود

وسیله‌ای برای آتش زدن فتیله برای شلیک توپ ◀

توپچیان در یورک تاون از وسیله‌ای مانند آنچه که در تصویر می‌بینید استفاده می‌کردند که به واسطهٔ آن آتشی را که با آن گلولهٔ توپ شلیک می‌شد، نگه می‌داشت. آتش جلوی سوراخ جای فتیله گرفته می‌شد و باعث احتراق باروت و در نهایت شلیک گلوله می‌گردید.

طناب

دستهٔ چوبی

دو سال پایانی جنگ

نبردها با نبرد یورک تاون پایان یافت، ولی جنگ تا امضاء صلح نامه ادامه داشت. درگیری‌های کوچکی به وقوع می‌پیوست. و نفراتی نیز در این درگیری‌ها کشته می‌شدند. یکی از نفراتی که به واشنگتن بسیار کمک می‌کرد و مورد علاقهٔ او بود (هنری لارنس)، در درگیری با سربازان انگلیسی در کارولینای جنوبی کشته شد. همچنین، یورش‌های ناپیوسته‌ای در کنار رودخانه از طرف نیروهای دشمن واقع می‌شد که جان عدهٔ بیشتری را می‌گرفت.

واشنگتن قسم یاد کرد که تا تخلیه کامل نیویورک، آخرین محل دفاعی سربازان انگلیسی، در میدان جنگ خواهد ماند. بین سال‌های (۸۳ – ۱۷۸۲) واشنگتن و لشکرش بیشترین اوقات خود را در نزدیکی نیوبرگ نیویورک به سر بردند. افسران و نفرات او از اینکه کنگره دوباره از پرداخت بدهی‌های معوقه خودداری می‌کند، ناراحت و عصبانی بودند. برای بالا بردن روحیهٔ آن‌ها، ژنرال نشانی را طراحی کرد، که «نشان لیاقت» نامیده می‌شد و بعدها به «قلب ارغوانی» مشهور شد.اولین نشان در ۱۷۸۳ اعطا گردید.

در این دوره، واشنگتن با سِر گای کارلتون فرماندهٔ بسیار محترم و جدید نیروهای انگلیسی به منظور برنامه‌ریزی برای ورود صلح‌آمیز نیروهای آمریکایی در ۲۵ نوامبر ۱۷۸۳ ملاقات کرد.



◀ تلفات هنوز ادامه دارد

دستیار قبلی واشنگتن، که واشنگتن شجاعت او را تحسین می‌کرد، کلنل جان لارنس (۱۷۸۲ – ۱۷۵۴) ، در درگیری جزئی نزدیکی چارلستون در خانهٔ پدری خود در کارولینای جنوبی کشته شد. او فرزند هنری لارنس رئیس اسبق کنگره بود.



نشان ایالات متحده ◀

کنگره در ۱۷۸۲ در مورد مهر رسمی آمریکا به توافق رسید. دبیر کنگره، چارلز تامسون، طرح را ترسیم کرد، که پیش زمینهٔ طرح اصلی مهر قرار گرفت. شعار «E PLURIBUS UNUM» به معنای «یکی از هزار» است.



کلاه یکی از تلفات جنگ ◄

فینیس مِیگز، شبه نظامی از کنکتیکات، در سن ۷۴ سالگی به فراخوان مبارزه پاسخ مثبت داد و برای جنگیدن نام نویسی کرد. وقتی کشتی جنگی نیروهای انگلیسی در حال یورش به شرق گیلفورد بود، در آنجا درگیری شدیدی رخ داد. مِیگز با ضربهٔ کشنده‌ای که به سرش وارد شد، به زمین افتاد و گلوله از کلاه او گذشت. او یکی از آخرین تلفات انقلاب بود.



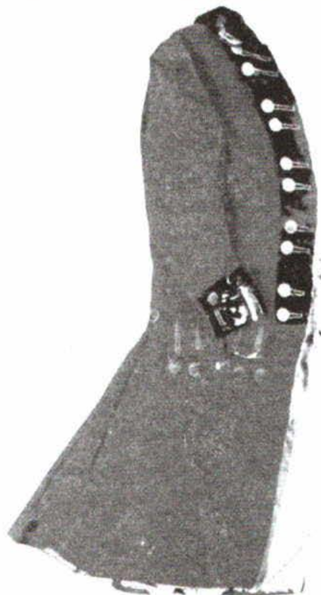
تعدادی از گلوله‌های سربی
با کالیبرهای مختلف

مرکز فرماندهی روی رودخانهٔ هادسون ▼

واشنگتن در زمستان سال‌های (۸۳ - ۱۷۸۲) به جای رفتن به خانه در ماونت ورنون در کنار لشکر ماند. هدف او تثبیت نظم بود تا اینکه مفاد صلح نامه نهایی گردید. مرکز نیروهای آمریکایی، نیوبرگ نیویورک بود، که در ۵۰ مایلی شمال نیویورک اشغال شده قرار داشت. ژنرال در محلی به نام هاسبروک هاوس اقامت داشت که چشم‌اندازی از رودخانهٔ هادسون تا دور دست قابل رؤیت بود و از آنجا می‌توانست محل استقرار نیروها را ببیند.

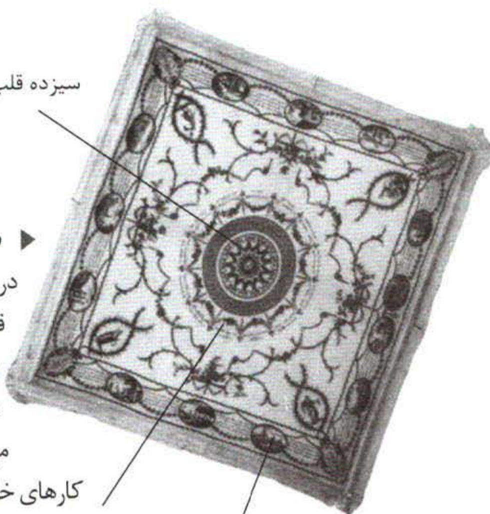
سربازان به خانه می‌روند

منحل کردن ارتش کانتیننتال در چند مرحله و با ترخیص چند هنگ در هر نوبت در سال ۱۷۸۳ انجام شد. نفرات با رسیدن به خانه به طور رسمی از خدمت ترخیص شده بودند، بدون اینکه پولی دریافت کنند. کنگره بودجهٔ کافی برای پرداخت قروض را نداشت. یکی از دلایلی که نیروها به طور مرحله‌ای ترخیص شدند، جلوگیری از شورش جمعی نیروهای ناراضی بود. بسیاری به خانه‌هایشان بازگشتند در حالی‌که از کنگره به‌خاطر وفادار نماندن به قول‌های خود ناراضی بودند. سال‌های زیادی لازم بود که نیروها حق و حقوق و مستعمری خود را دریافت کنند.



لباس وفاداران به سلطنت ◀

مانسون هویت از نورواک کنکتیکات، صاحب این لباس، ستوانی وفادار به سلطنت در هنگ داوطلبان پادشاه ولز بود. او به برانزویک، جایی که هزاران نفر از وفاداران سلطنت بعد از فرار از خانه به آنجا پناه برده بودند، بازگشت. او سرانجام برای زندگی به آمریکا رفت.



◀ سیزده قلب، سیزده بند شعر

در جشن استقلال آمریکا، این دستمال کتان منقش به ۱۳ قلب، نشان دهندهٔ ۱۳ ایالت آمریکا و مشتمل بر تصاویری از بومیان آمریکا و ۱۳ بند شعر به افتخار سربازان دور از خانه در میدان جنگ و خانواده‌های آنها در حال کار در خانه می‌باشد: « در حالیکه آنان از آزادی دفاع می‌کنند، ما نیز به کارهای خانه رسیدگی می‌کنیم. »



خداحافظی با نیو ویندسور ◀

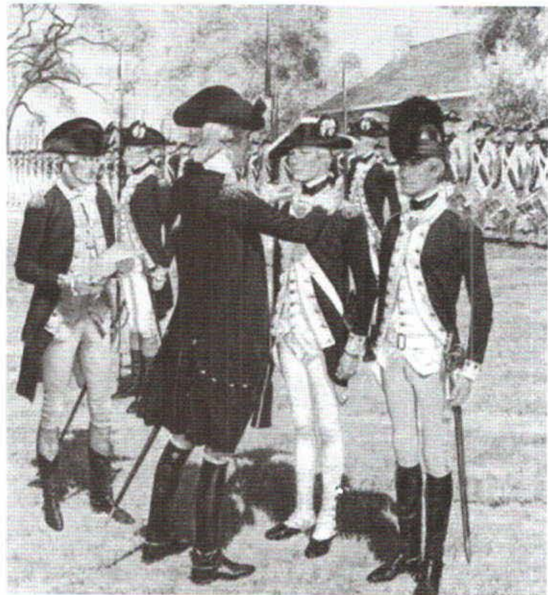
نیروهای انقلاب به تدریج شروع به ترک قرارگاه خود در نیوویندسور کردند. بلندی‌های هـادسون موقعیتی به‌وجود آورده بود که از پیشروی نیروهای انگلیسی از نیویورک به سمت شمال جلوگیری می‌کرد. قرارگاه‌های نیو ویندسور آن‌قدر نزدیک بود که اشغالگران می‌توانستند آن‌ها را به راحتی تهدید کنند.



سِر گای کارلتون (۱۸۰۸ - ۱۷۲۴) ◄
کارلتون به جای کلینتون به فرماندهی نیروهای بریتانیایی در آمریکا برگزیده شد. او همکاری تنگاتنگی با واشنگتن به منظور خروج آرام سربازان انگلیسی از نیویورک در نوامبر ۱۷۸۳ داشت. هر دو فرمانده مطمئن بودند که مردم بعد از رفتن نیروهای انگلیسی و قبل از ورود نیروهای آمریکایی دست به غارت خواهند زد.

قلب ارغوانی

برای پاداش به سربازانی که در جنگ حضور داشتند، واشنگتن پارچهٔ ارغوانی را که به شکل قلب طراحی شده بود، به عنوان «نشان لیاقت» برای مبارزان و جنگجویان آمریکایی برگزید. ژنرال می‌خواست با این کار نشان دهد که « مسیر افتخار در ارتش میهن‌پرست و کشوری آزاد برای همگان باز است.» فقط ۳ عدد از این نشان‌ها در سال ۱۷۸۳ اعطا گردید. تا سال ۱۹۳۲ این نشان به کسی داده نشد تا اینکه در دویستمین سالگرد تولد واشنگتن، «قلب ارغوانی» به زخمیان جنگ اعطا گردید.



◄ نشان لیاقت
واشنگتن « قلب ارغوانی » را در مرکز فرماندهی نیوبرگ نیویورک اعطا کرد. ستوان ویلیام براون از خط کانتیننتال کنکتیکات نشان خود را دریافت کرد، در حالی‌که نشانی به ستوان الیجا چرچیل از سواره نظام دوم کانتیننتال اعطا نشد. و این نشان بعداً به ستوان دانیل بیسل ج. ر، از هنگ دوم کنکتیکات اعطا شد.



قلب ارغوانی مدرن

طرح اصلی قلب ارغوانی

صلح و تولد کشور

از اواسط ۱۷۸۲ تا سپتامبر ۱۷۸۳ نمایندگان انگلیس و آمریکا در پاریس شرایط صلح را مورد بررسی قرار می‌دادند. مسئولین نمایندگان آمریکایی، بنجامین فرانکلین و جان آدامز بودند. پیمان نهایی پاریس در ۱۷۸۳ به استقلال آمریکا رای داد. و در آن، رود می‌سی سی پی به عنوان مرز جنوبی این کشور معرفی شد. چند هفته بعد، در دسامبر ۱۷۸۳، جورج واشنگتن فرماندهٔ کل ارتش آمریکا استعفا کرد و به محل مورد علاقه خود؛ یعنی ماونت ورنون بازگشت. پایان جنگ، عاملی برای قرار گرفتن ایالت‌ها تحت لوای یک دولت واحد نبود. سال‌ها تلاش، بحث و جدل و مذاکره لازم بود تا بالاخره قدرت قانونگذار، قانونی را پیش‌نویس کند که تمام ایالت‌ها آن را بپذیرند. از مهم ترین رهبران مردم در این دوران، رابرت موریس را می‌توان نام برد. او سیاستگذاری بر منابع مالی و سرمایهٔ فدرال را به عهده داشت. جیمز مدیسون نیز از متفکرین سیاسی آن دوره می‌باشد، که در نوشتن قانون از او کمک گرفته شد. پیش‌نویس قانون ایالات متحده در ۱۷۸۷ تهیه گردید و در ۴ مارس ۱۷۸۹ به عنوان قانون اساسی جدید ملت اجرایی شد.



مجمع سینسیناتی

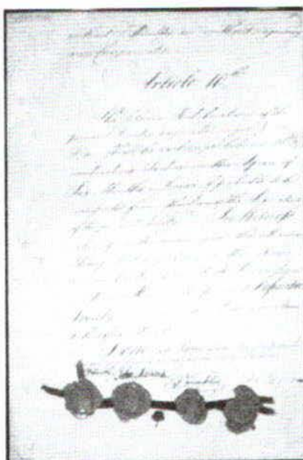
قوری ژنرال لینکلن ◄

سمبل اتحاد سینسیناتی و اخوت بین افسران انقلاب بر روی این قوری نقش بسته است. این قوری چینی از وسایل سفره است که علامت اختصار BL به افتخار ژنرال بنجامین لینکلن بر روی آن قرار دارد.



یادگار ▲

در طول انقلاب، میهن‌پرست جان آدامز از ماساچوست، اغلب از همسرش ابیگل که او را بسیار دوست می‌داشت، جدا بود. زمانی که آدامز برای مذاکره صلح به پاریس رفت، عکس همسرش، ابیگیل را با خود برد تا همیشه او را یاد کند.



شرایط توافق، صلح ◄

پیمانی مشروط، برای پایان دادن به جنگ در ۳۰ نوامبر ۱۷۸۲ توسط مذاکره‌کنندگان امضاء گردید. ده ماه زمان نیاز بود تا نسخهٔ نهایی صلح تهیه گردد. نسخهٔ نهایی شده در ۳ سپتامبر ۱۷۸۳ که به « پیمان پاریس» معروف است، تایید گردید.



◀ واشنگتن استعفای خود را تقدیم می‌کند
جورج واشنگتن یک قهرمان فاتح و در اوج افتخار در ۲۳ دسامبر ۱۷۸۳ وفادارانه حکم خود را؛ یعنی، فرماندهی کل نیروهای آمریکا به کنگره در آناپولیس مریلند بازگرداند. پادشاه جورج، به شخصه بسیار متعجب شده بود که چرا واشنگتن با این مقام استعفا کرده است.



جیمز مدیسون ◀
سنگ بنای جمهوری آمریکای جدید، قانون اساسی بود. مؤلف بزرگ قانون اساسی جیمز مدیسون از ویرجینیا (۱۸۳۶ - ۱۷۵۱) بود که به عنوان معمار قانون اساسی معروف شد. به واسطه این قانون، دولت یا فدراسیون‌های ایالت‌های جدید استقلال یافته به وجود آمده است. مدیسون سرانجام به مقام چهارمین رئیس جمهور آمریکا برگزیده شد.

صلح طلبان آمریکایی ▼
بنجامین وست هنرمندی است که مذاکره کنندگان آمریکایی و انگلیسی را در پاریس در کنار یکدیگر به تصویر کشیده است. آمریکایی‌ها از چپ به راست، جان جی، جان آدامز، بنجامین فرانکلین، هنری لارنس و دبیر جلسه، ویلیام تمپل فرانکلین می‌باشند.



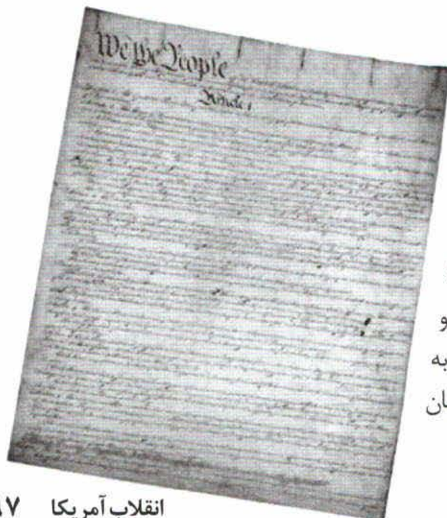
کشوری جدید و مطالبات آن ◀

بسیاری از ایالت‌های مستقل، ادعا کردند که مالکیت سرزمین‌های غربی متعلق به آنهاست ولی بعداً این ادعا توسط دولت فدرال مطرح شد. در این نقشه، ادعای مالکیت سرزمین‌های غربی، با همان رنگ ایالت ادعا کننده مشخص شده است.



◀ سرمایه‌گذار انقلاب

رابرت موریس، تاجری از اهالی فیلادلفیا (۱۸۰۶ - ۱۷۳۴) از اولین رهبران میهن‌پرست بود که بخش مالی کنگرهٔ کانتیننتال را در طول جنگ رهبری می‌کرد. موریس به انقلاب کمک مالی کرده و بعد از جنگ نیز در بسترسازی فعالیت‌های مالی ایالات متحده کمک شایان توجهی کرد.


We the People

قانون اساسی ایالات متحده ◀

در ۱۷ سپتامبر ۱۷۸۷، چهار سال بعد از پایان یافتن جنگ، نمایندگان ۱۳ ایالت در فیلادلفیا دور هم جمع شدند تا قانون اساسی رسمی کشور را به تأیید برسانند. به واسطهٔ این حکم، سیستم حکومتی فدرال برای ایالت‌ها لحاظ شده و بیان کنندهٔ «قانون عالی مملکت» بود. قانون اساسی آمریکا به یکی از تأثیرگذارترین و ارزشمندترین مدارک در سراسر جهان بدل گردید.

جورج واشنگتن، پدر کشورش

در اوایل دسامبر ۱۷۸۳، واشنگتن با افسران خود در نیویورک خداحافظی کرد. در میان افسران، ژنرال هنری ناکس بود. او از اولین کسانی بود که به طور رسمی واشنگتن را « پدر سرزمین خود» نامید. چند هفته بعد، واشنگتن از حکم خود در کنگرهٔ آناپولیس استعفا کرد. او سریعاً به پیش همسرش مارتا در ماونت ورنون بازگشت. ولی چیزی نگذشت که کشورش خواست تا او به صحنه بازگردد. واشنگتن در ۱۷۸۷ به ریاست مجلس قانون‌گذار در فیلادلفیا انتخاب شد. در آنجا به اصرار خواستار اتحاد ایالت‌های مختلف شد. او در مقام اولین رئیس‌جمهور ایالات متحده از ۱۷۹۶ - ۱۷۸۹ خدمت کرد. اولین پایتخت، شهر نیویورک بود که بعدها به فیلادلفیا تغییر مکان داد. هر دوی این نقاط از خانهٔ پدری واشنگتن؛ یعنی ماونت ورنون بسیار دور بودند. وی بعد از پایان یافتن دوران ریاست جمهوری با خوشحالی به خانه برگشت و در سال‌های پایانی عمرش به کار در مزرعه در ویرجینیا پرداخت و از این کار لذت برد. جورج واشنگتن در ۱۴ دسامبر ۱۷۹۹ در ماونت ورنون در گذشت.



◀ واشنگتن فاتح

هنرمند میهن‌پرست، چارلز ویلیام پیل، این تصویر را از واشنگتن چند ماه بعد از آزادی فیلادلفیا در ۱۷۷۹ خلق کرده است، که پیروزی واشنگتن را دو سال پیش (۱۷۷۷) در پرینستون نشان می‌دهد. در این تصویر واشنگتن به‌عنوان بزرگ‌ترین قهرمان کشورش ژست خاصی برای پیل گرفته است.



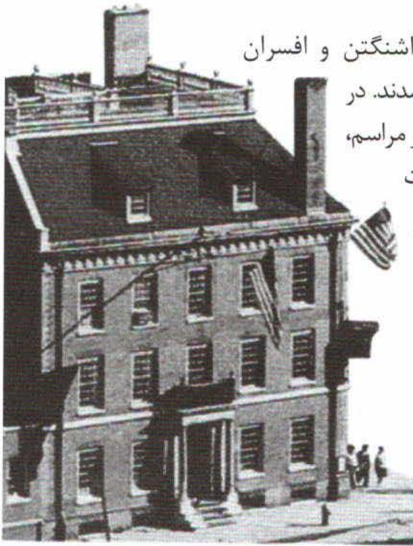
تزئیناتی از نقره به شکل شیر و اسب تک شاخ

تپانچه‌های ژنرال ▲

واشنگتن یک جفت تپانچهٔ نقره‌ای داشت که در طول جنگ از آن‌ها استفاده می‌کرد. این تپانچه‌ها در انگلیس ساخته شده و طرحی از شیر و اسب شاخدار بر روی آن‌ها نقش بسته بود. واشنگتن آن‌ها را به منشی مخصوص خود، برادرزاده‌اش به نام بارتولومو داد.

▶ ودای آخر

بعد از اینکه نیروهای بریتانیایی از نیویورک خارج شدند، واشنگتن و افسران باقیماندهٔ ارتش او در ۴ دسامبر ۱۷۸۳ در فرانسس تاورن جمع شدند. در آنجا واشنگتن از خدمت «خوب و با افتخار» آنها قدردانی کرد. بعد از مراسم، واشنگتن به آناپولیس مریلند رفت و با مقام فرمانده کل از قدرت کناره‌گیری کرد. در سفر به خانهٔ پدری، بسیاری برای دیدن او در دو طرف جاده جمع شده و به افتخار او مجالس شادی و رقص بر پا کرده بودند، که نمایش با شکوه عشق مردم به واشنگتن را نشان می‌داد.



مهمانخانهٔ فرانسس که موزه شده است



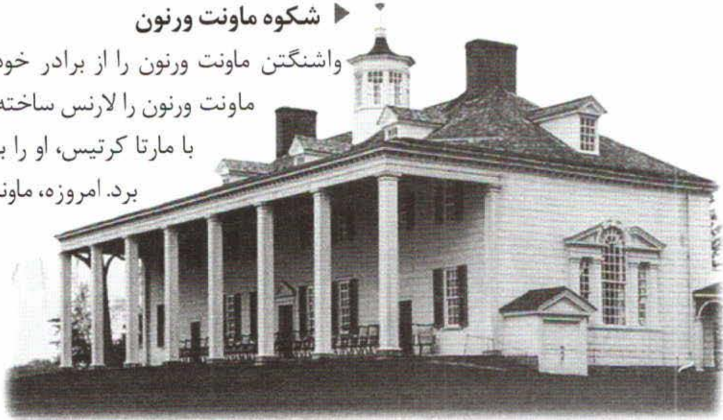
مراسم خداحافظی واشنگتن با افسرانش در مهمانخانهٔ فرانسس

▼ امضای قانون اساسی

واشنگتن به اتفاق آراء به ریاست مجلس قانونگذار در فیلادلفیا برگزیده شد. با وجود بحث و جدل شدید، اکثر نمایندگان به او اطمینان داشتند. در ۲۸ سپتامبر ۱۷۸۷ (نشان داده شده در تصویر) نمایندگان، سند را امضاء کردند. او در ۱۷۸۹ به مقام اولین رئیس جمهور آمریکا برگزیده شد.



◀ شکوه ماونت ورنون



واشنگتن ماونت ورنون را از برادر خود لارنس به ارث برد. عمارت ماونت ورنون را لارنس ساخته بود. بعد از ازدواج واشنگتن با مارتا کرتیس، او را برای زندگی به ماونت ورنون برد. امروزه، ماونت ورنون مکانی عمومی برای بازدیدکنندگانی است که علاقه‌مندند تا مطالب جدیدی را از زندگی قهرمان آمریکا بیابند.



مارتا کرتیس واشنگتن (۱۸۰۲ - ۱۷۳۱) ◀

مارتا واشنگتن همسری فداکار که در خوشی، ناراحتی و با انجام وظیفه در کنار شوهرش ماند. مارتا که به درایت و مهربانی معروف بود، آنچنان رفتاری از خود نشان داد که شایستگی اولین زن اول ایالات متحده را پیدا کرد.

خانهٔ پدری در ماونت ورنون

در مرکز فرماندهی و یا کاخ ریاست جمهوری ایالات متحده در نیویورک، واشنگتن اغلب در فکر همسرش مارتا و خانه‌اش در ماونت ورنون بود. او ملک خود را دوست داشت، چون منظرهٔ زیبای رود پوتوماک چشم انداز منحصر به فردی داشت. او کشاورزی کوشا از اهالی ویرجینا و خوشحال‌ترین فرد بود. واشنگتن مسائل مربوط به کشاورزی ماونت ورنون در انتخاب محصول، پیشرفت طبق برنامه زمان‌بندی و حتی طرح توسعهٔ عمارت خود را مدیریت می‌کرد؛ خانوادهٔ واشنگتن از دو نوهٔ خود که به خانهٔ آن‌ها در ماونت ورنون رونق می‌دادند، مراقبت می‌کردند.

کشاورزی از ویرجینیا ▼

واشنگتن کار در مزرعه را دوست داشت. دیدن کاشت و برداشت محصول او را ذوق زده می‌کرد. برده‌ها از زمین‌های کشاورزی ماونت ورنون نگهداری می‌کردند که با توجه به وصیت نامهٔ واشنگتن بعد از مرگ او و مارتا، آن‌ها آزاد می‌شدند.



ظرف چینی سرو غذا از ماونت ورنون



نوه‌های جورج واشنگتن

آیا می‌دانید؟ . . . .

در ۱۷۷۸، جان آدامز پسر بزرگش، کوئینسی آدامز، را که ۱۰ ساله بود، با خود به انگلستان برد. در ۱۷۸۱، آدامز جوان منشی و مترجم فرانسیس دانا، مأمور عالی رتبه دولت ایالات متحده در دربار روسیه، شد.



جان کوئینسی آدامز در جوانی

در طول انقلاب، کاغذ کمیاب شده بود چون سربازها از صفحات کتاب برای تمیز کردن تفنگ‌های خود استفاده می‌کردند.

شورشیان، فرزند بنجامین فرانکلین، ویلیام فرانکلین را که حاکم سلطنتی نیوجرسی بود، زندانی کردند. او وفادار ماند و در سال ۱۷۸۲ به انگلستان گریخت.

در ۱۷۷۵، بنجامین فرانکلین بیانیهٔ آزادی را نوشت، بیانیهٔ او بسیاری از اعضای کنگرهٔ کانتیننتال را شگفت‌زده کرد. یک سال بعد کنگره از توماس جفرسون خواست تا با کمک فرانکلین نسخهٔ جدید بیانیهٔ آزادی را تهیه کند.

اگرچه دوختن اولین پرچم آمریکا را کار بتسی راس می‌دانند، ولی او به میهن‌پرستان با دوختن لباس‌های نظامی، ساختن چادر، تهیهٔ پتو، گلوله برای تفنگ‌های سربازان و محل نگهداری تفنگ کمک می‌کرد.

در ۲۶ آوریل ۱۷۷۷، سیبل لودینگتون در سن ۱۶ سالگی، برای اینکه به پدر خود و شبه نظامیان دیگر خبر حمله به دانبری کنکتیکات و محل اجتماع در خانه لودینگتون را بدهد، ۴ مایل اسب راند. جورج واشنگتن بعدها از او قدردانی کرد.

زنان نیز در زمان انقلاب مورد حمله قرار گرفتند. برای مثال، مارگارت کوربین در حال خدمت در گروه توپچیان شوهر خود در جنگ فورت واشنگتن در ۱۶ نوامبر ۱۷۷۶ زخمی شد.

افراد بسیاری دربارهٔ حزب چای بوستون در ۱۷۷۳ اطلاعاتی داشتند. در آن زمان معترضین مستعمره‌ها مانند سرخپوستان لباس پوشیده و چای انگلیسی را در بندر بوستون در آب ریختند. افراد کمی خاطره



انیفورم سربازان آمریکایی

۷ مارس ۱۷۷۴ را به یاد دارند که معترضین مقدار چای بیشتری تحت عنوان حزب دوم در همان بندر به آب ریختند.

در ۱۷۷۶، آمریکایی‌ها از بالاترین سطح زندگی برخوردار بودند و پایین‌ترین سطح مالیات را در دنیای غرب در اختیار داشتند.

واشنگتن در ابتدا برای نام‌نویسی سیاهان برای خدمت در جنگ مردد بود، ولی جنگیدن سربازان سیاه پوست در بانکر هیل عاملی شد تا او تصمیم خود را تغییر دهد. در ۱۷۷۹، از هر ۷ نفر در ارتش واشنگتن، یک نفر سیاه پوست خدمت می‌کرد. اولین هنگ آمریکایی که متشکل از سربازان آفریقایی - آمریکایی ارتش بود مقاومتی شجاعانه در مقابل ارتش بریتانیا در نبرد رود آیلند از خود نشان دادند.

دو برادر از ویرجینیا به نام‌های، ریچارد هنری لی و فرانسیس لایت فورت لی از کسانی بودند که بیانیهٔ آزادی را امضا کردند. پسر عموی آن‌ها فرماندهٔ انقلابیون در جنگ به نام هنری لایت هورس هری لی پدر رابرت ای. لی بود. وی ارتش متفقین را در جنگ داخلی آمریکا رهبری می‌کرد.

انیفورم‌های سربازان آمریکایی در انقلاب به رنگ آبی بود، زیرا رنگ نیلی گرفته شده از گیاهی در سرزمین‌های جنوبی یکی از متداول‌ترین رنگ‌ها در مستعمره‌ها به شمار می‌رفت.

قبل از جنگ ترنتون، پسری جوان، نوشته‌ای را از طرف واشنگتن به کلنل جاناتان گاتریبرال داد. در آن واشنگتن خبر داده بود که می‌خواهد نیروهای خود را از رودخانهٔ دلاور حرکت داده و دست به حمله بزند. کلنل نوشته را نخوانده در جیب خود گذاشت. این نوشته بعد از کشته شدن کلنل در جنگ در جیب او پیدا شد.



نبرد رود آیلند

اجتماع سینسیناتی چه بود؟

ژنرال هنری ناکس بنیانگذار انجمن سینسیناتی پس از انقلاب بود. این انجمن، متشکل از افسرانی بود که در ارتش کانتیننتال خدمت کرده بودند. امروزه، اعضای این انجمن فرزندان همان افسران هستند.

چرا جورج سوم، پادشاه انگلستان تقریبا از تاج و تخت کناره‌گیری کرد؟

بعد از درگیری یورک تاون، جورج سوم خواستار ادامهٔ جنگ از سوی نیروهای بریتانیایی بود. هنگامی که پارلمان این تصمیم را نپذیرفت، پادشاه نامهٔ استعفای خود را نوشت، ولی آن را پس گرفت. او امیدوار بود واشنگتن به دیکتاتوری تبدیل شود که آمریکایی‌ها از او نفرت داشته باشند. هنگامی که فهمید واشنگتن از مقام خود استعفا کرده است، اعلام کرد: «در صورت استعفا، واشنگتن بزرگ‌ترین فرد دنیا خواهد شد.»

آواز «یانکی دودل» از کجا پدید آمد؟

افراد بسیاری در این آهنگ قدیمی شرکت کردند. احتمالاً بعضی از اشعار معروف این آهنگ، از سروده‌های ریچارد شاکبرگ، جراح انگلیسی، در نیویورک می‌باشد. آواز یانکی دودل، شبه نظامیان را در جنگ با فرانسه و سرخپوستان مورد تمسخر قرار داده است. کلمهٔ «یانکی» از کلمهٔ هلندی یانک یا جانی گرفته شده است. مستعمره‌نشین‌ها در هلند جدید، نیوانگلندی‌ها را، «ENGLISH JOHNNIES» می‌نامیدند. دودل به معنای احمق یا دلقک است. در ۱۷۷۶، میهن پرستان از روی نسخه اصلی، شعر خود را ساختند، که روحی تازه جهت مقابله با نیروهای بریتانیایی به آنها می‌داد.



نشان عقاب

مدال نشان اجتماع سینسینا تی



جان پارک کرتیس

کدامیک از فرزندان واشنگتن در نبرد یورک تاون جان خود را از دست دادند؟

چون واشنگتن فرزندی از خود نداشت، فرزندان همسرش مارتا را به فرزندخواندگی پذیرفت او جان پارک کرتیس، را به دستیاری خود در جنگ یورک تاون پذیرفت. با تأسف فراوان، کرتیس بعد از پایان یافتن جنگ، از تبی که در سربازخانه‌ها شایع بود، درگذشت.

چه موقع اولین نام رسمی به ایالات متحده داده شد؟

در ۹ سپتامبر ۱۷۷۶، کنگرهٔ کانتیننتال رسماً نام کشور جدید را ایالات متحده آمریکای شمالی نامید.

دو سال بعد، کنگره تصمیم گرفت تا رسماً نام این کشور به ایالات متحده آمریکا تغییر دهد. همین نام به طور غیر رسمی در بیانیهٔ آزادی استفاده شده بود.

چه موقع عقاب سمبل آمریکا شد ؟

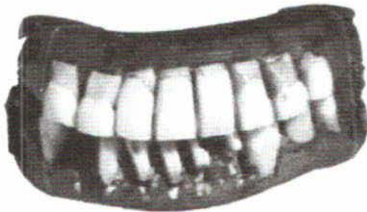
در سال ۱۷۸۲ عقابِ گَر، (BALD EAGLE)، رسماً سمبل کشور آمریکا شد. با اعلام نشان کشور توسط کنگره، این نشان بر روی مهر دولتی آمریکا ایالات متحده قرار گرفت.

چرا بنای یاد بودی برای سربازی گمنام که پای خود را در جنگ در ساراتوگا از دست داده بود، ساخته شد؟

بندیکت آرنولد کسی که بعداً اسرار نظامی را در اختیار نیروهای انگلیسی قرار داد، در واقع یکی از بهترین قهرمانان ارتش آمریکا در ساراتوگا بود. در جنگ، وی پای چپ خود را در اثر اصابت گلوله از دست داد. وقتی‌که بنای یادبودی به خاطر نقش قهرمانانهٔ او در ساراتوگا ساخته شد، اسم او بر روی بنا نوشته نشد، زیرا در آن زمان، خیانت او محرز شده بود. بنابراین بنای یادبود، فقط پای او و نه اسم او را در خود به یادگار دارد.

آیا واقعا واشنگتن دندانی چوبی داشت؟

نه واقعیت ندارد. بر طبق افسانه‌ها، واشنگتن هر گاه کسی تصویر او را می‌کشید لبخند نمی‌زد. زیرا دندان چوبی او معلوم می‌شد. این‌که او از دندان درد رنج می‌برد واقعیت داشت، بنابراین مجبور شد از دندان

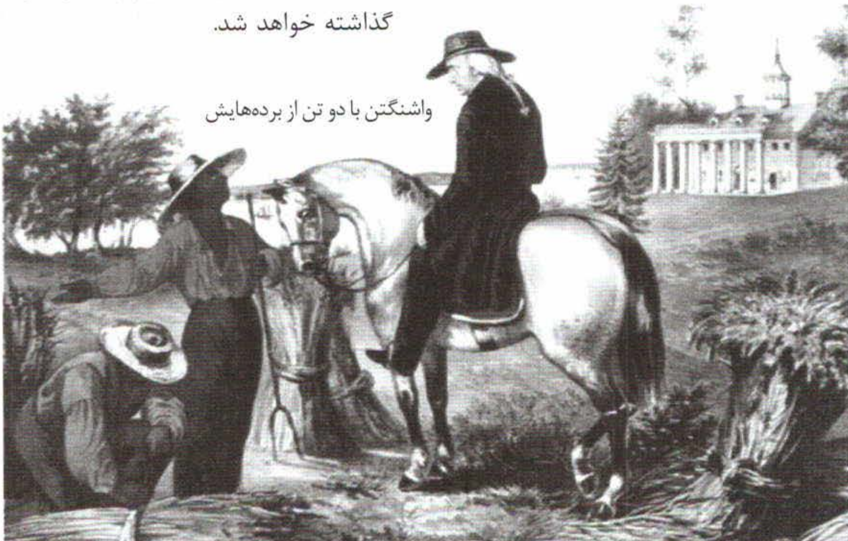


دندان‌های چوبی جورج واشنگتن

مصنوعی استفاده کند. نه دندان چوبی. او چندین جفت دندان مصنوعی داشت. آخرین آن، ساخته شده از دندان‌های اسب آبی با روکش طلا و فنرهایی از سیم‌های طلایی بود.

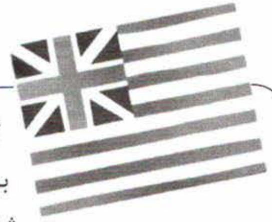
وصیت جورج واشنگتن دربارهٔ برده‌هایی که در مزرعه اش کار می‌کردند چه بود؟

واشنگتن صریحاً در وصیت نامه‌اش قید کرده بود که، برده‌ها و فرزندان آن‌ها با مرگ او آزاد خواهند بود و اموال همسر اول مارتا، دانیل پارک کرتیس، به حراج گذاشته خواهد شد.



واشنگتن با دو تن از برده‌هایش

نگاهی اجمالی به تاریخ



۴ جولای ۱۷۷۶، زمانی که نمایندگان ۱۳ مستعمرهٔ امپراطوری بریتانیا، بیانیهٔ آزادی را امضا کردند، پیروزی آن‌ها در راه آزادی محتمل می‌نمود. شکست‌های اولیه، تلاش‌های نافرجام برای تسخیر کبک توسط ارتش کانتیننتال و عقب‌نشینی به نیویورک، نتیجهٔ کار را بیشتر در هاله‌ای از ابهام فرو برده بود. با وجود این آمریکایی‌ها نحوهٔ مبارزه را می‌دانستند. هنگامی که آنان در نبرد ساراتوگا در ۱۷۷۷ نیروهای بریتانیایی را شکست دادند، به تدریج ورق به نفع آنان چرخید. حتی ۶ سال طول کشید تا صلح همه گیر شده و کشور جدید، به آزادی قطعی برسد.



۱ نوامبر ۱۷۶۵

مخالفان در نیویورک و بوستون درمقابل لایحه تمبر به اعتراض پرداختند. این لایحه، مستعمره‌نشینان را به پرداختن مالیات بر موارد چاپی، اسناد دولتی و قانونی و حتی بازی ورق (پاسور) مجبور می‌کرد.

۵ مارس ۱۷۷۰

«قتل عام بوستون» آن زمان رخ داد که گروهی از میهن‌پرستان تکه‌های یخ و آنچه را که می‌توانستند به طرف سربازان انگلیسی پرتاب کردند. سربازان به طرف جمعیت آتش گشوده و ۵ نفر را کشتند.

۱۶ دسامبر ۱۷۷۳

بعد از تشکیل حزب چای بوستون، میهن‌پرستان با لباس سرخپوست‌ها، به کشتی‌های انگلیسی در لنگرگاه بوستون حمله کرده و محموله‌های چای را به آب ریختند.

۵ سپتامبر ۱۷۷۴

بعد از اینکه بندر بوستون بسته شد، نمایندگان تمام مستعمرات، به جز مجمع جورجیا، اولین کنگرهٔ کانتیننتال در فیلادلفیا، رسماً شکایت نامه‌ای تنظیم و لیست موارد نارضایتی خود را به جورج سوم، پادشاه انگلستان ارائه کردند.

۹ آوریل ۱۷۷۵

شبه نظامیان مستعمره‌های مختلف، جلوی پیشروی نیروهای انگلیسی را در لکسینگتون کامن در ماساچوست، گرفتند. در آنجا اولین گلوله‌های انقلاب شلیک شد.

۱۸ - ۱۹ آوریل ۱۷۷۵

پل روره به طرف غرب رفت تا جان هنکاک و ساموئل آدامز را از خبر عبور سربازان انگلیسی از رود چارلز آگاه سازد. او بعد از رسیدن به کنکورد دستگیر و سپس آزاد گردید.



شیپوری که باروت در آن نگهداری می‌شد و در کینگز ماونتن حمل می‌شد

۱۷ ژوئن ۱۷۷۵

اگر چه نیروهای انگلیسی، در جنگ‌های بانکر هیل و بریدز هیل در نزدیکی بوستون تلفات سنگینی دادند. پیروزی‌های بعدی، این اجازه را به آن‌ها داد تا کنترل شهر را در اختیار بگیرند.

افسر ارتش خود، ناتن هِیل را در نقش آموزگار برای جمع‌آوری اطلاعات به نیویورک فرستاد. هیل دستگیر و در ۲۲ سپتامبر به دار آویخته شد.

۱۴ ژوئن ۱۷۷۷

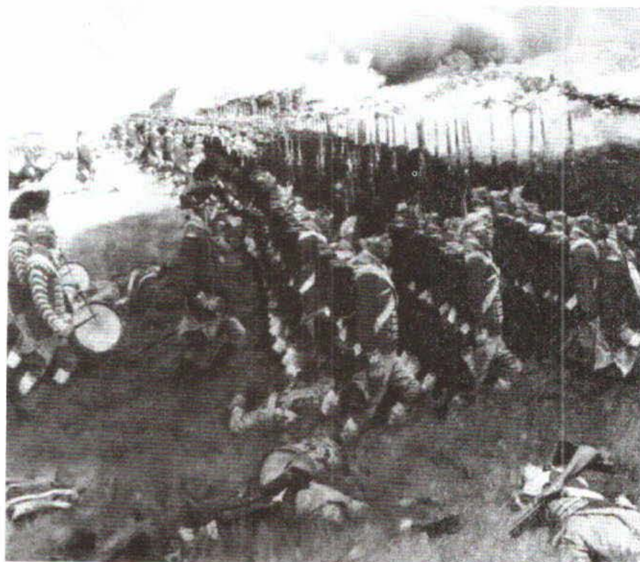
به تصریح کنگره، پرچم ایالات متحده از ۱۳ خط سفید و قرمز تشکیل شد و نشان دهندهٔ همبستگی کشور با ۱۳ ستاره در زمینه‌ای آبی است.

۱۴ اکتبر ۱۷۷۷

در جنگ ژرمن تاون در پنسیلوانیا، نیروهای واشنگتن به طور غافلگیر کننده‌ای به نیروهای انگلیسی تحت فرمان سِرویلیام هاو حمله کردند؛ این حمله نافرجام ماند و واشنگتن مجبور به عقب‌نشینی شد. بعد از اینکه هاو به جای تعقیب میهن‌پرستان، زمستان را در فیلادلفیا گذراند، مجبور به استعفا شد.

۱۷ اکتبر ۱۷۷۷

ژنرال ارتش بریتانیا، برگوین، در نزدیکی ساراتوگای نیویورک شکست خورد. این پیروزی باعث شد تا فرانسوی‌ها متقاعد شوند که آمریکایی‌ها ارزش پشتیبانی را دارند.



سربازان انگلیسی در بانکر هیل

نوامبر - دسامبر ۱۷۷۵

میهن پرستان، مونترال را از نیروهای انگلیسی گرفتند و در ۳۱ دسامبر در شهر کبک شکست خوردند. در طول جنگ فرماندهٔ میهن پرستان ریچارد مونتگومری با آتش توپخانهٔ دشمن کشته شد.

۱ ژانویه ۱۷۷۶

برای جشن تشکیل ارتش کانتیننتال، واشنگتن تصمیم گرفت که پرچم گراند یونیون را در نزدیکی محل فرماندهی در ماساچوست به اهتزار درآید.

۴ جولای ۱۷۷۶

پیش‌نویس بیانیهٔ آزادی که توسط توماس جفرسون تهیه شده بود، در دومین کنگرهٔ کانتیننتال تصویب شد. بعضی از نمایندگان از این مطلب واهمه داشتند که با تصویب بیانیه، نیروهای بریتانیایی دوباره متحد شده و آن‌ها را نابود کنند.

۲۹ - ۳۰ آگوست ۱۷۷۶

نیروهای بریتانیایی و سربازان شهر هِس، ارتش واشنگتن را در بروکلین نیویورک قاطعانه شکست دادند. واشنگتن به طرف نیویورک عقب نشینی کرد. او



مرگ مونتگومری در نبرد کبک